

نشریه انجمان نجات

شماره ۶۵

محمد
رسول الله
صلی الله علیہ وسلم

فی قلوبنا

Mohammed the messenger of god is in our hearts

دی ۹۳



نشریه انجمن نجات

شماره ۵۶



دی ماه ۱۳۹۳

WWW.NEJATNGO.ORG

E.MAIL: info@nejatngo.org

-
- * جهانیبینی از نوک دماغ ۷
- * بازهم قافیه است که بر فرقه‌ی رجوی تنگ می‌آید! این قطعنامه‌ها راه بجایی نمی‌برد! ۹
- * این رشوه‌ها چیزی را عضو نمی‌کند ۱۲
- * استرداد تروریست (مسعود رجوی متهم به قتل امریکایی‌ها در کنف حمایت، چرا؟) ۱۳
- * اسارت خانواده در چنگال فرقه رجوی ۱۵
- * برادرم، هنوز با یادت اشکم سرازیر می‌شود ۱۷
- * حیدر العبادی سازمان مجاهدین خلق را نگران کرده است ۱۸
- * تروریسم خطری برای غرب نیست؛ بلکه سلاح غرب است ۱۹
- * آرزوهای مادری که سازمان مجاهدین آن را ربود ۲۴
- * داعش، امتداد رهبری مطلقه رجوی ۲۶
- * فائزه محبت کار، مامور به تشکیل سرپل ارتباطی فرقه رجوی در آلبانی- تیرانا ۲۸
- * فرقه رجوی و موضوع خانواده‌ها ۲۹
- * کتمان حقایق اصلی توسط جلال گنجه‌ای! ۳۲
- * فائزه خانم آیا مرا بیاد می‌آوری؟ من زهرا میرباوری هستم! ۳۶
- * دیدار رستم آلوغبیش با خانواده‌های اسیران دریند خرمشهری بعد از بازگشت به میهن ۳۹
- * آشنایی با القاب و عناوین اعضا در مناسبات فرقه رجوی‌ها ۴۲
- * رجوی به پول تو جیبی اعضا در آلبانی هم رحم نمی‌کند! ۴۴
- * درخواست مضحك برگرداندن ده درصد سلاح زمینه سازی برای کشتار ساکنان لیبرتی ۴۵
- * این مادر به چه می‌اندیشد؟! ۴۷

- * صلاح لیبرتی نشینان دریافت سلاح نیست! ۴۸
- * سوژه جدید توهمناقین ۵۱
- * سفری که رجوی ندید ۵۲
- * کلاعی که قار قار کردن یادش رفت ۵۳
- * رجوى خائن چه بر سر بچه هایمان آورده ای؟ ۵۴
- * نامه سرگشاده به فرانسواز اولاند ۵۶
- * مسعود رجوى دستور قتل مخالفانش در سازمان مجاهدين خلق را صادر کرد ۵۷
- * لابی ورشکسته و آرزوهای برباد رفته مجاهدين ۵۸
- * نامه به خانم "صحرایی" معاون مدیر عفو بین الملل ۶۰
- * نامه ای از یک فرزند منتظر ۶۲
- * مینا رضایی ، رابط جدید مقر فرقه رجوى در فرانسه با آلبانی - تیرانا ۶۳
- * گفتگوی ابراهیم خدابنده با ابراهیم جعفری ۶۴
- * گذری بر وقایع مهم در سال ۲۰۱۴ و عملکرد مجاهدين ۶۵
- * وقتی کفگیر به ته دیگ می خورد ۶۸
- * واشنگتن عزیز ، این فرقه نظامی ایرانی (مجاهدين خلق ، فرقه رجوى) را بیرون کنید ۶۹
- * نه آن نشست شرم و این نوار صوتی چراغ خاموش !!! ۷۱
- * نامه آذر (مونا) حسین نژاد به دفتر کمیساريای عالي پناهندگان ملل متحد در عراق ۷۳
- * گروهک مناقین (مجاهدين خلق ، فرقه رجوى) رسماً از داعش حمایت کرد ۷۴
- * نامه سرگشاده به نخست وزیر عراق آقای حیدر العبادی ۷۵
- * آدرس استانها (تلفن - فکس - صندوق پستی) ۷۷



از جار نامه و تنفر نامه نوشته چون هدف وسیله را توجیه می کند اما وقتی نوبت گروگانهای بدبخت و گرفتار در کمپ لیرتی در عراق جنگ زده می رسد چون سیاست فرقه رجوی نگه داشتن این قربانیان در عراق و استثمار عمر این اعضا نگویند است رگ خانم رجوی و سخنگویش باد می کند.

خانم مریم رجوی یادم هست مسعود رجوی در بحث های انقلاب ایدئولوژیک می گفت عضویت مجاهدی نه دادنی است نه گرفتنی این رابطه درونی یک عضو با نقطه رهبری کننده است.

اگر چنین است پس بگذارید این اعضاء با پذیرش شروط سازمان ملل به دنیای آزاد راه یابند از بن بست عراق نجات پیدا کنند وقتی پایشان به کشورهای آزاد رسید باز مرید تو خواهد بود شما که در سیاست هفت خط روزگارید از شما بعیده آنوقت می توانید به ریش سازمان ملل بخندید.

اما از آنجائی که در رذالت رهبری فرقه ختم روزگار است با سفسطه رفع مشکل امنیت ساکنان کمپ لیرتی را منوط به برگданدن ۱۷۵۰۰ تی وال حفاظتی و فشار به حکومت عراق برای برگداندن کلاه و جلیقه های حفاظتی ساکنان کمپ لیرتی می کند در حالیکه رهبری فرقه بخوبی می داند جلیقه و کلاه خود در مقابل تیر مستیقیم و نزدیک آسیب پذیر هستند مگر در آخرین حمله به اشرف فرقه ۵۲ کشته نداشت؟

مگر به قربانیان تیر خلاص زده نشده بود؟ کیسه شن مگر می تواند آنها را در مقابل تیر خلاص حفاظت کند.

در ادامه سفسطه سخنگوی فرقه رجوی ۱۰ درصد از سلاحهای اهدائی دیکتاتور سابق عراق (صدام حسین) را می خواهد تا از خودشان دفاع کنند اما هیچ وقت نمی گوید ما زایده جنگ ایران و

جهانیینی از نوک دماغ

میر باقر صداقی، ایران ستارگان،
سوئیس، ۱۳ دی ۹۳

به تازگی سخنگوی مجاهدین درباره تهدید جانی اعضاء گرفتار در کمپ لیرتی عراق بدليل جنگهای فرقه ای، با بد دهنی استدلال سازمان ملل و مقامات آمریکای مبنی بر خطر داعش و عدم توانایی نیروی آمریکایی یا کلاه آبی برای حفاظت ساکنان کمپ لیرتی را به روضه خوانی تکراری تشبیه کرده است.

سخنگوی فرقه رجوی اولاً در اوج طلبکاری خواسته تا ارتش آمریکا به دوران اشغال عراق برگشته و حفاظت فرقه رجوی در عراق را به عهده بگیرد و گرنه دولت آمریکا خائن است و مزدور وزارت اطلاعات.

سخنگوی فرقه رجوی دوماً خواسته تا سازمان ملل اولین شرط لازم برای اخذ پناهندگی یک پناهجو را زیر پا گذاشته و اعضای این فرقه را در هیأت یک گروه به پناهندگی قبول کنند و عضویت اعضا آن را در یک گروه تروریستی را نادیده بگیرند و این رگ غیرت گروه فرقه رجویست اما این سخنگو هیچ وقت اشاره نمی کند که خانم مریم رجوی به این خاطر در فرانسه تشریف دارند که رسماً به دولت فرانسه اعلام کرده اند که از تمامی مسئولیتها یش در ارتش آزادیبخش ملی استعفا داده است و تنها رئیس جمهور مadam العمر شورای ملی است و به این خاطر دولت فرانسه با تمدید پناهندگی ایشان موافقت کرده است.

این کار خانم مریم رجوی هیچ وقت از نظر فرقه رجوی از جار آور و پست نیست و آن را نباید به حساب زانو زدن و تسليیم و نفی عضویت و نوشتمن



تازه ساختار دولت عراق مثل ایالات متحده نیست که شرکتهای خصوصی حفاظتی داشته باشد. پیشنهاد فرقه رجوی در حالیکه بسیار ساده و قابل فهم است اما بسیار احمقانه است و با واقعیتهاي موجود عراق تطابق ندارد.

میر باقر صداقی

در ادامه سفـسطه سخنگوی فرقه رجوی ۱۰ درصد از سلاحهای اهدائی دیکتاتور سابق عراق (صدام حسین) را می خواهد تا از خودشان دفاع کند اما هیچوقت نمی گوید ما زائیده جنگ ایران و عراق بوده ایم و هیچ کشور حضور نظامی گروه مخالف دولت همسایه را در خاک خودش تحمل نمی کند.

در ادامه فرقه با رو کردن آمار و ارقام مدعی می شود که ۱۷۰۰۰ قطعه سلاح حفاظتی انفرادی تحویل داده است و برای ۴۰۰۰ نیرویش در عراق بیش از ۲۴۰۰ زرهی و توپ و نفر برداشته است و کیست که نداند تمام مدارک خرید سلاح از دولت صدام حسین ساختگی است مگر فرقه رجوی توان خرید یک تانک تی ۵۵ روسی به مبلغ ۴ میلیون دلار را داشت آنهم به تعداد ۱۰۰۰ تا.

مگر فرقه رجوی توان خرید یک تانک تی ۵۵ روسی به مبلغ ۴ میلیون دلار را داشت آنهم به تعداد ۱۰۰۰ تا.

عراق بوده ایم و هیچ کشور حضور نظامی گروه مخالف دولت همسایه را در خاک خودش تحمل نمی کند.

در ادامه فرقه با رو کردن آمار و ارقام مدعی می شود که ۱۷۰۰۰ قطعه سلاح حفاظتی انفرادی تحویل داده است و برای ۴۰۰۰ نیرویش در عراق بیش از ۲۴۰۰ زرهی و توپ و نفر برداشته است و کیست که نداند تمام مدارک خرید سلاح از دولت صدام حسین ساختگی است مگر فرقه رجوی توان خرید یک تانک تی ۵۵ روسی به مبلغ ۴ میلیون دلار را داشت آنهم به تعداد ۱۰۰۰ تا.

و در ادامه فرقه رجوی مدعی می شود که هم اکنون قادر است با استخدام شرکتهای خصوصی حفاظتی مشکل امنیت را حل کند.

می گویند یارو رو تو ده راه نمی دانند سراغ کدخدای گشت. دولت عراق دنبال اخراج این فرقه از خاکش است و تا به امروز با حوصله با تبعیت از قوانین بین الملل توسط سازمان ملل متحد و یوان خط اخراج فرقه رجوی از عراق را نبال کرده است، حال سماحت فرقه رجوی برای کشته شدن این اعضاء در عراق برای چیست؟

چون دست فرقه رجوی رو است سازمان ملل کمپ لیرتی را بعنوان کمپ پناهنده گی قبول نمیکند.

و هیچ دلیل هم وجود ندارد تا یونامی و مانیتورهایش حضور ۲۴ ساعته در کمپ لیرتی داشته باشند چون صاحب عله (رهبری فرقه رجوی) برای حفظ جان اعضاش هیچ مسئولیتی قبول نمی کند و برای نگه داشتن آنها در عراق در مقابل سازمان ملل سنج اندازی می کند اگر در دنیا رسمی هم بر حق استخدام آذانسهای حفاظتی است این شامل گروه تروریستی نمی شود.



مطبوعاتی پارلمان "به هیچ وجه ربطی به پارلمان بریتانیا ندارد".

البته در همین حد هم باز باید یادآور شویم که با شناخت از سابقه مجاهدین خلق ، در مورد همین معدود امضاء ها هم باید بشدت شک کرد چرا که فرقه رجوی در جعل امضاء سابقه ای بسا طولانی دارد و بارها بخاطر متوجه شدن افراد مجبور به پاک کردن کل صفحات از سایتهاش شده است)

بار دیگر این سازمان جدا از خلق و دخیل بسته به معجزات ریزه خواران نظام سلطه و تابعیت جهانی از سر استیصالی که بخاطر خط مشی ضد مردمی خود بدان دچار است ، به پارلمان دولت فخیمه روی آوردن که با قبول "حق الزحمه مادی یا معنوی؟؟؟" قطعنامه ای را در تءیید افکار مالیخولیایی مسعود رجوی که اینک مریم عضانلو با از دست دادن جبری مقام شامخ حرم‌سرا داری خود که با فرار و مخفی شدن صاحب حرم‌سرا این شغل شریف!! دلاله گی را از دست داده ، این افکار شلم شوربا و ضد مردمی و ضد میهنی را با خود حمل می کند و به عامل اصلی اجرایی این تئوری های برآمده از یک مغز بیمار ، تبدیل شده است.

بعد از تشبثات پرهزینه ای که اخیراً این خانم گرفتار در بنده جاه طلبی برای انداخت ، سرانجام قطعنامه ای را با زبان این پارلمانتریست های انگلیسی که بنظر می رسد سیاست های انقباطی اتحادیه ای اروپا شامل حال اینها هم شده و تأمین معاش روزمره را برایشان سخت تر کرده ، با شماره ای ۳۴۳ انتشار دهد!



بازهم قافیه است که بر فرقه ای رجوی تنگ می آید! این قطعنامه ها راه بجایی نمی برد!

انجمن نجات مرکز آذربایجان شرقی،
۹۳ دی ماه ۷

(توضیح ایران اینتلینک ، لندن ، بیست و هشتم دسامبر ۲۰۱۴ : بر اساس مدارک منتشر شده و آرشیو پارلمان بریتانیا ، همچنین بر اساس صفحات ثبت شده در مورد برنامه های روزانه پارلمان در یک ماه گذشته ، بر خلاف ادعای سخیف خروجی های مجاهدین خلق نه تنها چنین قطعنامه ای در مجلس عوام یا اعیان بریتانیا تصویب نگردیده که اساساً چنین قطعنامه ای حتی برای رای گیری هم مطرح نگردیده است. این مزخرفات نشأت گرفته از مغز بیمار رجوی احتمالاً نوشته ای است که طبق معمول توسط سازمان مجاهدین تولید و با خرج بالا و از طریق شرکت های لابی گری در لندن در خارج از صحنه پارلمان برایش امضاء جمع می شود و بنا بر توضیح یکی از مقامات دفتر



در متن قطعنامه‌ی آورده شده در رسانه‌های رجوی می‌خوانیم:

”این مجلس بر این باور است که حکومت مذهبی (حاکم بر) ایران، سرچشمۀ اشاعه تروریسم و افراطی‌گری وحشیانه در عراق و منطقه می‌باشد، (قطعنامه) با توصیه رئیس جمهور برگزیده مقاومت ایران، مریم رجوی همنظر است ... و خواستار تشکیل یک دولت دموکراتیک، فraigیر و مبتنی بر جدایی دین از دولت در عراق و سازمان دادن انتخابات آزاد و عادلانه تحت نظر سازمانهای بین‌المللی گردد.“.

اولاً لازم بود که نوشه شود تعدادی از اعضای این مجلس که در نحوه‌ی نگارش آن شیطنت خاص گروه مافیایی رجوی ملحوظ شده است!

ثانیاً عاملان اصلی تروریزم در عراق گروه‌های تکفیری بوده که ابداً ربطی به ایران نداشته و تصادفاً محصول دخالت‌ها و اشغالگری‌های آمریکا و انگلیس هستند که باید مورد سرزنش قرار گیرند!

ثالثاً در عراق و همین طور سوریه، حکومت‌های بر سرکارند که با انتخابات و با دخالت سازمان ملل متعدد بر سرکار بوده و عضو رسمی و گاه‌آمیز سازمان ملل متحد و اغلب دوایر وابسته به آن می‌باشند و از نظر قوانین بین‌المللی حرفی در مورد آنها نمی‌توان زد و اتفاقاً برگزاری این نشست‌ها توسط رجوی‌ها و صدور این قطعنامه‌های خودسرانه، نمونه‌ی روشنی از دخالت در امور داخلی کشورهای دارای کرسی در سازمان ملل متعدد است! در پایان این قطعنامه‌ی کذائی‌آمده است: ”این مجلس همچنین معتقد است که رد دخالت‌های (رژیم) ایران توسط دولت جدید عراق امری حیاتی برای ارتقای دموکراسی در آن کشور است و نحوه‌ی که (دولت عراق) با ساکنان اشرف که اکنون در کمپ لیبرتی در

درمتن خبر برگرفته شده از وبسایت فرقه‌ی رجوی که عنوان ”قطعنامه پارلمان انگلستان در حمایت از موضع خانم مریم رجوی“ را خود یدک می‌کشد، آمده است:

”قطعنامه ثبت شده در پارلمان انگلستان با این توصیه مریم رجوی همنظر است که انگلستان باید خواستار پایان یافتن دخالت‌های رژیم مذهبی حاکم بر ایران در امور عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه باشد ... در میان ۱۱۳ نماینده مجلس انگلستان که قطعنامه ۳۴۳ را امضاء کردند، اسامی ۱۴ وزیر پیشین و شماری از رؤسای کمیسیونهای مجلس از تمامی احزاب و گرایش‌های سیاسی به‌چشم می‌خورد.“

تاکنون در هیچ یک از مراجع جهانی بیطرف به اثبات نرسیده که ایران بطور غیر قانونی در اوضاع عراق و سوریه و ... دخالت کرده باشد.

دوکشور نامبرده دارای حکومت و دولت هستند که با داشتن روابط حسنۀ با ما، هرگز ادعای دخالت ایران در امور داخلی شان را مطرح ننموده و بر عکس همواره موضع ایران را در خدمت ثبات این دوکشور که با اشغال دنیای سلطه گر مواجه بوده و یا توسط گروه‌های خشن تکفیری دست ساز زیر مجموعه‌های آمریکا ناامن شده اند، دانسته اند که معلوم نیست که چرا باید آن دسته از پارلمانتریست‌های انگلیسی و باند تبهکار و عامل صهیونیزم رجوی‌ها، دایه‌ی مهربان تر از مادر برای مردم این دوکشور که دارای حاکمیت بوده و این حکومت‌ها به هر ترتیبی منتخب مردم خود بحساب می‌آیند، باشند! صرف همین جمع شدن و بیانیه دادن علیه این و آن، نمونه‌ی بارز دخالت در امور دیگر کشورهاست که اتفاقاً این اتهام در درجه‌ی اول متوجه این فرقه‌ی ایرانی! و پارلمانتریست‌های مورد بحث انگلیسی است!



جعفری: خروج مجاهدین و محکمه سرکردگان آن‌ها خواست همه عراقی‌ها است

خبرگزاری ایسنا، دوشنبه ۱ دی ۱۳۹۳

وزیر امور خارجه عراق گفت که گروه مجاهدین یک گروه تروریستی است که جنایات زیادی را در حق ملت عراق مرتکب شده است و خروج آن از عراق و محکمه سرکردگانش خواسته همه جناح‌های سیاسی با هر نوع گرایشی است.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) بنابر اعلام اشرف نیوز، ابراهیم الجعفری طی دیدارش با دو تن از اعضاء جدایشده فرقه رجوی از جمله ابراهیم خدابنده و مریم سنجابی بیان کرد که همه عراقی‌ها گروه تروریستی مجاهدین را انکار می‌کنند به جز آنها یعنی که منافعی با این گروه تروریستی دارند.

اعضای جدایشده گروه نیز از ابراهیم جعفری خواستند تا زمینه تماس آنها را با خانواده‌ها و فرزندانشان در اردوگاه لیبرتی فراهم کند.

جعفری نیز با ابراز همدردی با خانواده‌های این افراد قول همکاری داد.

نژدیکی بغداد هستند، رفتار می‌کند، علامت خوبی برای اثبات آن است. این مجلس از دولت عراق می‌خواهد، محاصره غیرانسانی کنونی را از روی این کمپ بردارد و این کمپ را به عنوان یک کمپ پناهندگی سازمان ملل به رسمیت بشناسد و امنیت، حفاظت و حقوق ساکنان آن را تضمین کند.“

حضور وابستگان مجاهدین در عراق، از آنجا که حق پناهنگی دریافت نکرده بوده و سندی در این مورد ندارند، اساساً غیر قانونی است! سازمان ملل متحد و دولت عراق برادر تهدید آمریکا که در مواردی از این سازمان فرقی بعنوان اهرم فشار برعلیه ایران استفاده می‌کند، مجبور به قبول این مسئله شده اند که این ساکنین غیرقانونی در عراق را برای مدت کمی در کمپ لیبرتی قبول کنند تا فرصتی برای انتقال به کشورهای دیگر داشته باشند که این فرصت و موقعیت داده شده، هم از نظر گذشت زمان بیشتر و غیر طبیعی و هم از نظر دخالت‌های مداوم سازمان مجاهدین خلق در امور عراق، سوخته و از دست رفته است! شما بگونه ای از موضوع صحبت می‌کنید که گویا قرار است که این افراد بطور دائمی در عراق بمانند و فراموش می‌کنید که عراق حق حاکمیت برکشور خود دارد و آنها را بعنوان مهمان کاملاً موقت و بطور سر راهی پذیرفته است و خواهان استمرار این اقامتی که قرار بوده خیلی کمتر از این باشد، نیست. چرا که آنها را در لیست تروریستی خود قرار داده و همچنین قاتلین بخشی از مردم عراق در همکاری تنگاتنگ با ارتش صدام می‌داند! ما که به موضوع واقعیم، بر عکس شما بر این نظریم که این محاصره از داخل و بمنظور حفظ ساکنین کمپ لیبرتی بعنوان ادوات کار رجوی انجام شده و دیده و یا شنیده نشده است که مأمورین عراقی یا یونامی مانع خروج آنها از قرارگاه باشند و بنابراین خود جنایت کرده و تقصیر را به گردن دیگران می‌اندازید تا بر اقامت دائمی غیر ممکن این اسرای رجوی در کمپ لیبرتی پا فشاری بیشتری بکنید! صابر



آمریکا ، «لی همیلتون» رئیس دموکرات سابق کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا ، «مایکل موکاسی» وزیر دادگستری دوره آخر ریاست جمهوری جرج بوش ، «اد رندل» فرماندار سابق پنسیلوانیا ، «جان لویس» نماینده کنگره ، «رابرت توریسلی» سناتور سابق ، «پاتریک کندی» سناتور ، «جان سانو» معاون سابق رئیس عملیات‌های محترمانه سیا ، «تام ریچ» استاندار سابق پنسیلوانیا ، «ایوان بای» سناتور سابق ، «ایلنا رزلتینن» رئیس سابق کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان ، «باب فیلنر» از اعضای کنگره ، «تد پو» از ایالت تگزاس ، سناتور «مايك راجرز» ، سناتور «دان رورابچر» و ... تنها بخش کوچکی از دولتمردان فاسد آمریکا هستند که علیرغم ادعای دموکراسی خواهی ، حقوق بشر و مبارزه با تروریسمی که خود و دولتشان دارند طی سالهای گذشته دهها هزار دلار از منافقین گرفته‌اند تا منافع نامشروع این گروهک نامشروع را پیش ببرند ، به طور قطع و یقین اسمی همه این افراد در سیا و وزارت خزانه داری آمریکا وجود دارد و باز قطعاً این نهادها به خوبی می‌دانند که چه کسی چه مقدار و در ازای چه خدمتی این پولها را گرفته است.

هم دولت آمریکا و هم همه این افراد از ماهیت گروهک تروریستی منافقین به خوبی واقف هستند و می‌دانند که از یک گروهک تروریستی رشوه‌های کلان دریافت کرده و حیثیت و اعتبار خود را البته اگر داشته باشند از بین برده‌اند.

ولی سناتورها و دولتمردان آمریکایی حامی نفاق باید به خوبی بدانند و بفهمند که دریافت رشوه از منافقین و حمایت از این گروهک چیزی را تغییر نخواهد داد و منافقین برای ملت ایران همان منافقین دهه ۶۰ هستند.

این رشوه‌ها چیزی را عضو نمی‌کند

**مجاهدین دات کام، به نقل از
ایнтерسپت**، ۱۳ دی ۹۳

افشای گزارش وبگاه آمریکایی «ایнтерسپت» در مورد این که «لویز فریچ» از روسای پلیس فدرال آمریکا به خاطر همکاری با گروهک تروریستی منافقین به ثروت کلانی دست یافته است بار دیگر ارتباط بین دلاوهای کنیف منافقین و دولتمردان فاسد آمریکا را مورد تأیید قرار داد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی «مجاهدین»؛ رشوه دریافتی از سوی این مقام اسبق افبی‌آی بالغ بر ۵۰ هزار دلار بوده است و این در حالی است که حقوق سالیانه فریچ هنگام مدیریت در افبی‌آی رقمی معادل ۱۴۵ هزار دلار بود. البته نیویورک تایمز دو سال پیش و قبل از این گزارش فاش کرده بود که که «لویز فریچ» با دریافت رشوه از منافقین در خروج آنها از لیست گروههای تروریستی آمریکا تلاش کرده بود.

طی سالهای گذشته گزارش‌های متعددی در غرب از سوی فارین پالسی، سی ان ان، فاینشال تایمز و نیویورک تایمز درباره پرداخت رشوه‌های کلان از سوی منافقین به مقامات آمریکایی منتشر شده است؛ سناتور «باب منندز» رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا ، «هوارد دین» رئیس سابق کمیته ملی دموکرات‌ها، «وسلی کلارک»، «ژنرال بازنیسته ارتش»، «جیمز ولسی» و «پورترگاس» روسای پیشین سازمان سیا، «ژنرال هاگ شلتون»، رئیس سابق ستاد مشترک ارتش ، «جان بولتون» سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل ، «رودی جولیانی» شهردار سابق نیویورک ، «جیم جونز» نخستین مشاور امنیت ملی باراک اوباما ، «تام ریچ» رئیس اسبق شورای امنیت ملی



این حال اقدام به استرداد وی به ایران نکرد و حتی در مقابل درخواست استرداد که از جانب دولت ایران مطرح بوده، جواب مثبت نداد.

مورد دیگر، فرار مسعود رجوی در سال ۱۳۶۰ از ایران به فرانسه بود. با وجود این که مسعود رجوی در کارنامه اش متهم به قتل شهروندان آمریکایی و ایرانی بوده و در گذشته و بعد از اقامات در پاریس، به قتل و کشتار شهروندان ایرانی دست زده و ترور و تروریسم را علناً تبلیغ و اجرا می کرد و از ایران به نقاط دیگر جهان مثل عراق و فرانسه و سایر کشورهای اروپایی تعمیم می داد، همچنان در کف حمایت همه قرار داشت و کسی از گل نازک تر به او نمی گفت و اتفاقاً نیمی از امکانات نیرویی و مالی خود را از کشورهای غربی تامین می کرد و استقرار و ستدادها و اتاقهای فکر و پشت جبهه اش تماماً در کشورهای غربی به ویژه در فرانسه قرار داشت.

اگر عبدالله اوجالان که در پرونده اش ۳۰ هزار تلفات انسانی مطرح بود، او همچنان آزاد بود و در کشورهای غربی خریدار داشت، تلفاتش می توانست به چندین برابر بالغ آید. همان گونه که در مورد رهبری مجاهدین که با همکاری تمام عیار غرب قتل و کشتارش را به پیش می برد و در ابتدا چند تن تلفات در پرونده اش وجود داشت و بعد از چندین سال مدعی شد که ۱۲۰ هزار تلفات نیرویی داشته و تنها در یک عملیات به نام فروغ جاویدان ۵۵ هزار تن را کشته است، به زعم وی و با این حساب، تلفات انسانی و مالی مابین مجاهدین خلق و حکومت ایران، می باشد تقریباً در حد جنگ ایران و عراق بوده باشد.

در حالی که جنگهای کلاسیک مابین ایران و عراق را غریبها بیش از ۸ سال تحمل نکردند، ولی جنگهای تروریستی را ۳۳ سال است که تحمل و تأمین و تشویق می کنند و هنوز هم اتاق فکر و

استرداد تروریست (مسعود رجوی متهم به قتل امریکایی ها در کف حمایت، چرا؟)

ایران فانوس، ۵ دی ماه ۱۳۹۳

استرداد تروریسم

در ترکیه پس از این که عبدالله اوجالان رهبر PKK در سال ۱۳۷۷ به کمک سرویس‌های اطلاعاتی کشورهای متحد ترکیه، دستگیر و مستردد شد، پس از آن نیز دولت ترکیه در سال ۱۳۸۲ استرداد متین کاپلان را از آلمان و امسال نیز استرداد فتح الله گولن را از آمریکا درخواست نمود.

ترکیه برای عبدالله اوجالان اتهام قتل ۳۰ هزار شهروند ترک و کرد، برای متین کاپلان طرح توطئه برای خرابکاری آرامگاه آتابورک و برای فتح الله گولن، طرح کودتا علیه دولت اوردوغان را مطرح کرده است.

با وجود این که دولتهای آمریکا و اسرائیل و اروپا حداقل همکاری با ترکیه در ارتباط با تروریسم و استرداد تروریسم را داشتند، ولی در مورد ایران فرق می کند.

محمد حسن منطقی که ۲۴ آذرماه امسال در استرالیا اقدام به گروگانگیری به نفع داعش کرد و جان خود و دو تن دیگر از شهروندان استرالیایی را قربانی این کار کرده است، او قبل از این که در سال ۱۳۷۴ به استرالیا فرار و اعلام پناهندگی سیاسی کند، دارای سابقه فساد مالی بوده و در استرالیا نیز با وجود فضای باز و امکاناتی که به دست آورد، دست به خشونت زده و در بسیاری موارد قانون را زیر پا گذاشته بود. با این که بر دولت استرالیا محرز بود محمد حسن منطقی پناهندۀ سیاسی نیست بلکه مخل امنیت عمومی است، با



۳— النهایه لذت بردن از تمکین و درماندگی و ذلت و ویرانی زنان که توسط فرماندهان زن در اختیار رهبری فرقه قرار می گیرد.

با این وجود، هنوز هم فرقه ها و تروریستها در میان مردم جاہل و اربابان سرمایه، خردبار دارند.

به ویژه امروزه که اربابان جنگ به این دانش و درایت سیاسی و نظامی دست یافتند که در استفاده علیه حکومتها ابزار ارتشهای کلاسیک گران تمام می شود و بهتر است از پتانسیلهای مردمی و انحراف مبارزاتشان به سوی تروریسم، ضمن باجگیری و امتیازگیری از دولتهای رقیب، همچنین مبارزات مشروع و سیاسی مردم را به لوث کشیده و میادین مبارزات سیاسی و مردمی را از مشتی تروریستهای جاہل و غیر مردمی، پر کنند.

کانون سیاسی - فرهنگی ایران فانوس

به ویژه در سالهای اخیر تروریستها قبل از این که به منافع دولتها ضربه بزنند، به منافع ملی و مردم ضربه زده اند و با حمایتهای مالی و سیاسی آشکار و با سلاح جهل و خشونت به جمع آوری غنایم که همان زنان و دختران بی دفاع بوده دست زده اند. در صدر همه، مجاهدین خلق ایرانی قرار دارند که به بهانه مبارزه علیه حکومت، نزدیک به ۱۰۰۰ زن و دختر را در مناسبات فرقه ای خود در اسارت باقی داشته اند. آنان زنان را به دلایل زیر در اسارت دارند.

رهبری و ستادها و منابع مالی و نیرویی و تبلیغات و ترددات و جلسات و لایهای و پشت جبهه تروریسم مجاهدین، در کشورهای غربی به ویژه در فرانسه قرار دارد.

در سال میلادی پشت سر بیشترین تلفات انسانی مربوط به حملات تروریستی در بین کشورهای جهان بوده است.

بسیاری از کشورها درگیر مقوله تروریسم و ناامنی بوده و این امر تا حد جنگ جهانی سوم مابین مردم و تروریستها، برآورد شده است.

به ویژه در سالهای اخیر تروریستها قبل از این که به منافع دولتها ضربه بزنند، به منافع ملی و مردم ضربه زده اند و با حمایتهای مالی و سیاسی آشکار و با سلاح جهل و خشونت به جمع آوری غنایم جنگی که همان زنان و دختران بی دفاع بوده دست زده اند.

از طالبان و القاعده و بوکوحرام و داعش و مجاهدین خلق و سایر تروریستها، یکی از اهداف مبارزات به زعم خود حق طلبانه و عدالت خواهانه شان، زنان و دختران مردم بوده است.

در صدر همه، مجاهدین خلق ایرانی قرار دارند که به بهانه مبارزه علیه حکومت، نزدیک به ۱۰۰۰ زن و دختر را در مناسبات فرقه ای خود در اسارت باقی داشته اند. آنان زنان را به دلایل زیر در اسارت دارند.

۱— در راستای استفاده های جنسی و جنگی.

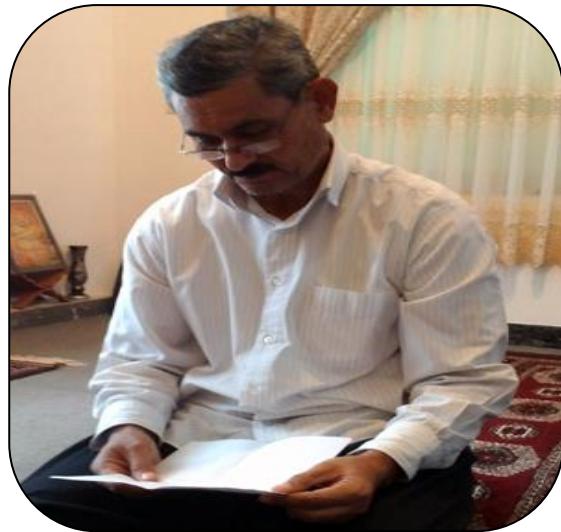
۲— حریم امن برای رهبری فرقه و علیه نقش و هژمونی و خطر مردان.



خانواده این کانون گرم و تنها پشتیبان فرزندان که تمامی تلاش خود را برای رهایی عزیزانشان از چنگال فرقه ضد انسانی انجام می دهند و با هرگونه فشارهای روانی که سران سازمان مجاهدین اعم از توهین و فحاشی و غیره که تنها لایق خود این موجودات جانی می باشد مقابله کرده و تا آزادی آخرین نفر از زندانیان فرقه رجوی دست از تلاش خود بر نخواهند کشید.

آقای حاج سعید سعیدفر از خانواده هایی است که برای رهایی برادرش تلاش بی وقهه ایی انجام می دهد و حتی در چند مورد به جلوی درب اردوگاه نظامی اشرف مراجعه نمود ولی متاسفانه وی که فقط برای یک دیدار راحت با برادرش هزاران کیلومتر را طی کرده بود، با مخالفتهای شدید سران فرقه رجوی روبرو شد و در آخرین بار نیز با چشمان اشکبار که عراق را ترک می نمود از خداوند خواست تا هرچه زودتر برادرش را به آغوش گرم خانواده اش بازگرداند و برای سران سازمان مجاهدین نیز عذاب الهی را از خداوند درخواست نمود.

بعد از چند مدت وقتی پیدا شد تا با آقای سعیدفر ملاقاتی داشته باشیم و با او گفتگویی دوستانه انجام دهیم . او در همان ابتدا با استقبال گرمی که داشت ما را شرمنده خودش نمود ، سپس در مورد برادرش و خاطرات او صحبت کرده و گفت که وقتی برادرم به خدمت مقدس سربازی اعزام شد مادرم هنوز زنده بود و آن موقع ها که وقتی سربازها به مرخصی می آمدند خانواده های زیادی



اسارت خانواده در چنگال فرقه رجوی

انجمن نجات مرکز گلستان ، شنبه ۱۳
دی ۱۳۹۳

گذشت زمان چهره خبیث سران سازمان مجاهدین را بیشتر و بیشتر نمایان می کند و هر آنچه در مورد دجالگریهای این فرقه ضدبشری گفته می شود در پیش مردم جهان و بخصوص خانواده هایی که فرزندان آنها توسط این گروه تروریستی ربوده شده و اکنون در زندانهای آنها در لیبرتی و آلبانی محصور گشته اند آشکارتر می شود .

سازمان مجاهدین خلق که اکنون فقط یک نام از آن باقی مانده و تبدیل به یک گروه تروریستی تمام عیار شده ، علاوه بر آنکه جوانان این مرز و بوم را ربوده و ذهن آنها را تحت شدیدترین شستشوهای مخبر مغزی قرار داده ، خانواده های آنها را نیز مورد هجوم قرار داده و آنها را دشمنان فرزندانشان که عمری را برای بزرگ کردن و نگهداری آنها زحمت کشیده اند نامیده اند .



موقع و صحیح مسئولان انقلاب همیشه بی نتیجه مانده از ان استفاده می کنند و از طرفی خانواده ها را دشمن آنها می نامند که این یکی از بزرگترین دروغهای شاخدار سران سازمان مجاهدین می باشد که البته از این مدلها بسیار هستند که بی نتیجه مانده و با شکست آنها رو برو شده.

خانواده یکی از بزرگترین و ارزشمندترین کانونهایی است که هیچ نهاد دیگری نتوانسته جای ان را پر نماید و سران سازمان مجاهدین نیز هیچ گاه نتوانسته اند حتی به اندازه یک ارزن به آن برسند و یا جای ان را پر کنند.
زنده باد خانواده

**خانواده یکی از
بزرگترین و
ارزشمندترین کانونهایی
است که هیچ نهاد
دیگری نتوانسته جای
آن را پر نماید و سران
سازمان مجاهدین نیز
هیچ گاه نتوانسته اند
حتی به اندازه یک ارزن
به آن برسند و یا جای
آن را پر کنند.**

جمع شده و از او در مورد جنگ سئوال می کردند و آخرین باری که سید (برادرش) به خدمت اعزام شد و دیگر برنگشت چشم مادرم به راه کوچه و خیابان دوخته شد و هرگاه چند نفر به مخصوصی می آمدند او بدون معطلي به سوی آنها رفته و در مورد پرسش سید می پرسيد ولی متاسفانه همیشه دست خالی بر می گشت تا اینکه مشخص شد بدست جنایتکاران سازمان مجاهدین گرفتار شده.

بعد از آن دیگر خواب از چشمان مادرم و خانواده گرفته شد و همگی نگران و منتظر خبر بودیم و حتی موقعی که اسیران جنگ تحملی نیز بازگشتنند همچنان چشم انتظار بودیم ولی متاسفانه سران فرقه رجوی به برادرم اجازه ندادند به کشور بازگردد و بعد از آن بود که مادرم دارفانی را چشم انتظار فرزندش وداع گفت.

بعض آقای سعیدفر ترکید و با همان صدای بعض آلد ادامه داد که هنوز هم وقتی دو نفر سرباز به مخصوصی می آیند و از دور آنها را می بینم بی اختیار به سمت آنها می روم انگار که برادرم به مخصوصی دارد می آید ولی بعد از مدتی به خود می آیم و آهی می کشم و از ته دل برای نابودی این جنایتکاران دعا می کنم و از خداوند می خواهم تا شر این شیاطین روزگار را برای همیشه از روی زمین برچیند.

بسیارند خانواده هایی که سرگذشتی همچون سعیدفرها داشته و دارند و اینها تنها گوشه ای از جنایات این فرقه ضدبشری می باشد که برای رسیدن به مقاصد پلیدشان که شکر خدا با درایت به



من که بعد از این همه سال جدایی هنوز
توانسته ام فراموشت کنم.

هنوز هم یاد تو، اسم تو با اشک من هماهنگ
هستند که نوشتند یک نامه چند روز طول می کشد
تا تمام شود.

محمدجان کاش فهمیده باشی که تا الان
زنданی افرادی بی ایمان، لا ایالی و دروغگویی
هستی که فقط شما را در خواب غفلت نگه
داشته اند و برای رسیدن به امیال شخصی
خودشان، دست به هر کاری می زنند. آدمهایی که
نه دین دارند و نه انسانیت.

محمد جان در غم فراغت پیر شدیم ولی امیدوارم
آرزوی دیدنت را به گور نبریم، چه خوب می شود
که خبر نامه ام را به تو برسانند و یا خودت بتوانی
بخوانی ...
فاطمه ظفری خواهر اسیر محمدعلی ظفری

من مطمئنم که فرقه ملعون رجوی
تا الان هرچه قدر هم توانسته
باشد شما را مورد شستشوی
مغزی قرار دهد اما باز هم خاطرات
گذشته شما پاک نخواهد شد کافی
است کمی به گذشته فکر کنی من
که بعد از این همه سال جدایی
هنوز توانسته ام فراموشت کنم.



برادرم، هنوز با یادت اشکم سرازیر می شود

انجمن نجات مرکز خراسان رضوی، ۷ دی ۱۳۹۳

محمد جان سلام، امیدوارم حالت خوب باشد،
برادرم دلمان خیلی برایت تنگ شده و برای دیدنت
لحظه شماری می کنیم.

محمد جان تا قلم دست می گیرم که نامه بنویسم
خاطرات گذشته و نگرانیهای زمان حال به مغز
هجوم می آورند و حتی اشکهایم اجازه نوشتند
نمی دهند.

نمی دانم عمرم کفاف می دهد تا دوباره تو را ببینم
یا نه.

محمدجان همیشه یاد و خاطرات گذشته در زندگی
ما جریان دارد هر وقت صحبتی در رابطه با عشق،
محبت، مردانگی و غیرت باشد نام تو هم هست.

من مطمئنم که فرقه ملعون رجوی تا الان هرچه
قدر هم توانسته باشد شما را مورد شستشوی مغزی
قرار دهد اما باز هم خاطرات گذشته شما پاک
نخواهد شد کافی است کمی به گذشته فکر کنی



رهبرانش را مورد حمله قرار داد رهبرانی که نان افراد ساکن اردوگاه لیبرتی را می خورند.

علاوه بر این سازمان تروریستی مجاهدین خلق به علت انشعابها و استعفایها در داخل این سازمان طی ماه جاری در آستانه فروپاشی قرار گرفته است.

آقای العبادی گفت: «دولت عراق به اقدامات برای اخراج سازمان تروریستی مجاهدین خلق از عراق به علت جنایتش علیه دو ملت عراق و ایران ادامه می دهد».

این اظهارات آقای العبادی پیام اطمینان به طرف ایرانی و در عین حال پیامی به سیاستمداران عراقی بود که همکاری با این سازمان بر خلاف قانون اساسی و توهین به احساسات هزاران عراقي است که مصیبتها از دست این سازمان جنایتکار کشیده اند.

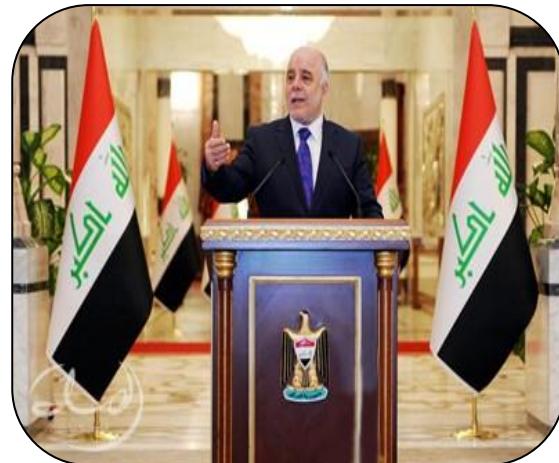
العبادی خاطر نشان ساخت:

«دولت عراق می داند که سازمان مجاهدین خلق در جنایتهای قتل دست دارد و ما دلایل و مدارکی داریم که جنایتهای این سازمان را نشان می دهند».

با این اظهارات آقای العبادی رؤیاهای سازمان تروریستی مجاهدین خلق مبنی بر اینکه کنار رفتن آقای مالکی در را به روی این سازمان و رهبران آن برای باقی ماندن در عراق خواهد گشود پایان یافت.

نوشته : جعفر المنصوري

خبرنگار اشرف نیوز ، بغداد



حیدر العبادی سازمان مجاهدین خلق را نگران کرده است

بنیاد خانواده سحر به نقل از اشرف نیوز ، ۲ دی ۱۳۹۳

اظهارات نخست وزیر عراق حیدر العبادی علیه سازمان تروریستی مجاهدین خلق روز دوشنبه گذشته طی دیدارش از ایران گام مهمی در مسیر تصحیح برخورد با این سازمان جنایتکار شمرده شد سازمانی که همهٔ قوانین و معيارهای اخلاقی و بین المللی را طی حضورش در عراق زیر پا نهاده است.

این اظهارات خشم برخی نویسنده‌گان و روزنامه نگاران عراقی و غیر عراقی مزدور این سازمان را بر انگیخت زیرا این اظهارات ضربه شدیدی بر این سازمان جنایتکار بود چرا که این سازمان فکر می کرد رفتن نخست وزیر سابق نوری مالکی و آمدن یک فرد دیگر به آن سازمان امکان خواهد داد که ولو برای مدتی کوتاه در عراق باقی بماند.

ولی آقای العبادی موضوع را تعیین تکلیف کرد و به شدت سازمان تروریستی مجاهدین خلق و



جهت گیری ژئوپولیتیک غرب از زمان جنگ جهانی دوم بوده است. نتیجه این بی ثباتی در منطقه شکست سوریه و تجزیه عراق در راستای اختلافات بومی و مذهبی است و منجر به بوجود آمدن خلاء قدرتی شده که عمداً از سوی غرب برای پیدایش داعش ایجاد شده است.

زمانی که دخالت فعال غرب در ایجاد داعش را در نظر می‌گیریم، نفاق و نامشروع بودن فریادهای بی وقه غرب برای «همکاری» علیه داعش مضحك و نیاز به دستیابی به حقیقت ضروری تر به نظر می‌رسد.

مشکل اصلی امپریالیسم است، نه دین

صاحب نظران در غرب جهت پنهان کردن ماهیت داعش، به این جنگ ماهیتی مذهبی داده‌اند و آرنس‌های خبری مانند فاکس نیوز، عرب‌ها و مسلمانان را مردمانی دیوانه معرفی کرده‌اند که هیچ بهایی به زندگی انسان‌ها نداده و به خاطر نفرت به جان هم می‌افتد. این شخصیت‌پردازی جاهلانه و دروغین در پی آنست که توجه گذراي اکثر روشنفکران غربی را آرام نموده و آن‌ها را از کاوش واقعیت و فهم ژئوپولیتیک امپریالیسم غربی در سرتاسر منطقه و دستور کار تغییر حکومت که مسئول آنست باز دارد.

آنچه این مبحث بدان نمی‌پردازد این واقعیت است که داعش تنها تهدیدی برای اقلیت‌ها نمی‌باشد؛ بلکه به‌همان میزان که اقلیت‌های مذهبی مثل مسیحیان سوری و یزیدی‌ها در شمار قربانیان هستند مسلمانان از جمله سنی‌ها هم در شمار بزرگ‌ترین قربانیان داعش و سیاست غرب در تجزیه خاورمیانه می‌باشند.

خشونت مذهبی ایجاد شده در سوریه و عراق توسط داعش اساساً مسئله دینی نیست. شیعه‌ها و سنی‌ها باهم علیه داعش و افراطیون متحد شده‌اند. مشکل

ترووریسم خطری برای غرب نیست؛ بلکه سلاح غرب است

سم مoho، گلوبال ریسرچ (ترجمه کانون هابیلیان)، هفدهم دسامبر ۲۰۱۴

{ایترلینک: به ندرت اتفاق می‌افتد مطلبی که مستقیماً به مزدور رجوی و فرقه اش اشاره نداشته باشد را باز نشر کنیم ولی در این مورد خاص با تشکر از ترجمه بنیاد هابیلیان، بخاطر نشان دادن چهارچوبی که گروه ترووریستی مجاهدین خلق و مزدوران و تبهکاران مشابه در آن از حمایت محافل مشخص در غرب برخوردار می‌گردند منتشر می‌کنیم.}

«سم مoho» در مقاله‌ای با عنوان «داعش و امپریالیسم: ترووریسم خطری برای غرب نیست؛ بلکه سلاح غرب است» که در پایگاه گلوبال ریسرچ منتشر شد تمام مسلمانان را از جمله سنی و شیعه در شمار بزرگ‌ترین قربانیان داعش داشت. آنچه در ادامه می‌آید ترجمه کامل این مقاله است:

همکاری نقش مهمی در حفظ نظامی سالم و روبروی رشد در عرصه بین‌المللی دارد که در پی برآوردن منافع چندگانه و مردمی است نه منافع سلطه اقتصادی طبقه‌ای خاص و امپریالیسم.

در دنیای کنونی که مدام تحت تاثیر دسیسه‌ها و دغدغه‌های طبقه خاص حاکم در غرب می‌باشد همکاری بسیار ضروریست. رشد و توسعه این طبقه حاکم در غرب هم بر اعمال قدرت و برهم‌زدن ثبات برای هدایت دنیا به سمت منافع خود مبتنی است؛ در حالیکه همزمان دم از «همکاری» می‌زنند. بیداری اسلامی و سیله‌ای برای بزرگ‌ترین



بوش در دولت رادیکال نئوکانش شروع کرد ، اوباما تحت لقای پوشش سیاسی متفاوتی ادامه داد که ماهیتش بهوضوح در مواردی مانند تغییر رژیم قذافی در لیبی دیده میشود که پیش درآمدی بر آشوب در سوریه بود.

جهت گیری نو

آنچه اکنون در سوریه رخ میدهد قبل از توسط سیمور هرش ، گزارشگر تحقیقی که برنده جایزه پولیتر شد ، در مقاله ای در نیویورکر با عنوان «جهت گیری نو» پیش بینی شده بود. او در این مقاله که سال ۲۰۰۷ به چاپ رسید با ارائه اسناد و مدارک نشان داد چطور آمریکا با عربستان سعودی و فرقه سیاسی حریری در لبنان برای سرنگونی ایران و سوریه همکاری داشته است.

تونی کارتالوچی هم در نشریات متعدد به نظریه این مقاله اشاره کرده است و بدین وسیله اهمیت آن را در ژئوپولیتیکی که اکنون در حال اجرا میباشد نشان داده است.

به موارد زیر از مقاله «جهت گیری نو» دقت نمایید:

”برای تضعیف ایران که غالباً یک کشور شیعی است دولت بوش تصمیم داشت اولویت‌هایش را در خاورمیانه از نو شکل دهد. دولت آمریکا در لبنان با عربستان سعودی که سنی میباشد در عملیات مخفی با هدف تضعیف حزب الله (سازمان شیعی که توسط ایران حمایت میشود) همکاری داشته است.

آمریکا همچنین در عملیات مخفی علیه ایران و متحد آن سوریه دست داشته است. محصول جانبی این فعالیتها حمایت گروههای افراطی سنی میباشد که وجهه نظامی اسلام و مخالف با آمریکا و همسو با القاعده میباشند.“

برنامه‌های امپریالیستی و هژمونی دولتهای عضو ناتو میباشد که طبق گزارشات با عربستان سعودی و قطر همکاری کرده‌اند و این همکاری در راستای استفاده از افراطیون اسلامی در سراسر خاورمیانه به عنوان «سلاح نظامی آشوب» برای سوق خاورمیانه به سمت منافع خود بوده است.

این امر به ضرر رقبان ایرانی ، روسی و چینی آن‌ها میشود. ولی کلارک که ژنرال بازنشسته ارتش آمریکا و فرمانده عالی رتبه اروپا در ناتو میباشد در سال ۲۰۰۷ و همچنین در مصاحبه‌ای با «دموکراسی اکنون» در سال ۲۰۱۱ درباره اینکه چگونه آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر توسط یک کودتای سیاسی ریوود شد گفت : هدف این کودتای سیاسی «ایجاد آشوب در خاورمیانه ، واژگون کردن و به سلطه گرفتن آن» بود. او کشورهایی را که در لیست قرار داشتند لیبی ، سوریه ، عراق و لبنان میداند.

برزینسکی در کتاب «صفحه بزرگ شطرنج» ، خاورمیانه را از لحاظ استراتژیک منطقه‌ای در تضمین اهمیت و سلطه آمریکا بر نظم جهانی مهم خوانده است. برای فهم انگیزه‌های استراتژیک غرب باید «تئوری قلب جهان» که توسط هالفورد جان مکیندر در ۱۹۰۴ معرفی شده را فهمید.

او به جامعه ژئوگرافیک سلطنتی اعلام کرد: «آنکه اروپای شرقی را حاکم است بر قلب جهان (آسیای مرکزی) هم حکم میراند ، و کسی که قلب جهان را به سلطه گیرد بر جزیره بزرگ دنیا (اوراسیا) تسلط دارد و کسی که به این منطقه حکم براند کل دنیا را حاکم است». (ایده‌الهای واقعیت‌های دموکراتیک، ص. ۱۹۴).

سلطه آمریکا بر آسیای مرکزی برای قدرت جهانی آن مهم است و خاورمیانه و ایران به همراه اروپای شرقی راههای نفوذ به آسیای مرکزی هستند. آنچه



مالی می کند که مردم را به تفکر بنیادگرایی تعلیم می دهد و این افراد به نوبه خود در دستور کار ژئوپولیتیک عربستان و قطر و بالطبع متحده ای غربیشان استفاده می شوند. تحلیلگر ژئوپولیتیک، تونی کارتالوچی در مقاله ای تحت عنوان «تروریست های حمایت شده از طرف آمریکا و عربستان در پاکستان آشوب می کنند» نشان می دهد چطور این ساده لوحان نظامی در راستای اهداف ناتو که مالی تا پاکستان را در بر می گیرد با از بین بردن هر رقیب ژئوپولیتیکی مانند چین و برهم زدن جاه طلبی های استراتژیک آنها مورد استفاده قرار می گیرند.

به عنوان مثال تروریست های بلوج در پاکستان سرمایه گذاری چین را در بندر آب های عمیق گواهار برهم زدند. تروریست ها در مالی مانع بازرگانی جاده ای چینی ها در آفریقا و اتحاد با قطر می شوند. سوریه هم در این امر مستثنی نیست. برچیدن قدرت سوریه، نفوذ روسیه و چین را در آسیای میانه بر هم می زند و سلطه اسراییلی و آمریکایی را در این منطقه حساس با شکست عرب ها و جلوگیری از تشکیل مقاومت متحد حفظ می کند.

این تنها تئوری توطئه نیست. روزنامه نگار کهنه کار رابرт دریفوس به همکاری طولانی مدت و مخفیانه آمریکا و انگلیس با اخوان المسلمين و گروه های اسلامی علیه گروه های سکولار ناسیونالیست و چپگرای عرب که مدام در پی برهم زدن منافع انگلیس و غرب در خاور میانه بوده اند اشاره می کند. دریفوس و یان جانسون از وال استریت جورنال هر دو به سعید رمضان (سازمان دهنده اصلی گروه اخوان در دهه ۱۹۵۰) و ارتباط وی با سازمان های جاسوسی غرب و حمایت سیا از او اشاره کرده اند. حزب راستگرای اسلامی مهره موثری در تضاد با چپ گرایی ناسیونالیست و ضد امپریالیست عرب می باشد. گزارشات ویکی لیکس در ۲۰۰۵ نشان می دهد که

در باره آزار اقلیت های مذهبی در این مقاله آمده است:

«رابرت با این مامور اسبق سیا در لبنان منتقد سرسخت حزب الله بوده و ارتباطات آن را با تروریسم حمایت شده از طرف ایران زنگ خطری می داند. اما اکنون او به من گفت: «ما عرب های سنی را برای جنگ گسترده آماده کرده ایم و نیاز به کسی داریم که مسیحیان لبنان را محافظت نماید. پیش از این فرانسه و آمریکا این کار را می کردند و حال قرار است نصرالله و شیعیان این کار را انجام دهند.»

در پاسخ به منتقدینی که این حمایت را منفعل، غیرقابل کنترل و غیر مستقیم می دانند به این مطلب توجه کنید:

«بندر بن سلطان و دیگر سعودی ها اطمینان داده اند که بنیادگرایان مذهبی را شدیداً زیر نظر خواهند داشت. پیام آنها به ما این بود که ما این حرکت را ایجاد کرده ایم و می توانیم آن را کنترل کنیم. ما نمی خواهیم که سلفی ها بمبادله نکنند؛ بلکه می خواهیم بمبهایشان را بسوی حزب الله، مقتدى صدر، ایران و سوری ها اگر همچنان با ایران و حزب الله همکاری کنند نشانه روند.»

تروریسم تهدیدی برای غرب نیست بلکه سلاح غرب است

عربستان سعودی بوجود آورنده افراط گرایی اسلامی در جهان و متحده نزدیک به آمریکاست که با نظام حاکم غرب رابطه ای تنگاتنگ دارد. آمریکا بیشترین سلاح را در تاریخ به عربستان سعودی در ۲۰۱۱ فروخته است. ارتباط عربستان با تروریسم در محافل دانشگاهی و رسمی سراسر دنیا پذیرفته شده است چرا که این کشور مدارسی را حمایت



در سوریه را تسخیر کنند. ابوجندل که یکی از جهادیون افراطی داعش می‌باشد در ویدیویی در کنار العکیدی در حالیکه آنها را برای بدست آوردن پیروزی تمجید می‌کند دیده شده است. چند دقیقه قبل همین ابوجندل در فیلمی دیده می‌شود که با شمشیری در دست فریاد نسل کشی علوی‌ها را سر داده و از رهبر داعش البغدادی تمجید می‌کند.

جمال معروف از جبهه انقلابی سوریه دیگر رهبر میانه‌رو است که به روزنامه ایندیپنڈنت گفت که به طور منظم عملیات مشترک با القاعده داشته و هیچ مشکلی با آنها ندارد. نمونه چنین همکاری میان «میانه‌روها» و افراطیون حمله به شهر مسیحی نشین سداد در سوریه ، در نوامبر ۲۰۱۳ می‌باشد.

همچنانکه دیگران خاطرنشان کرده‌اند ، رویترز اعلام کرده که اسلام گرایی افراطی در فرماندهی ارتش «میانه رو» آزاد سوریه غلبه دارد. به‌گفته اسوشیتد پرس بسیاری از گروه‌های شرکت کننده عرق اسلامگرایی شدید دارند و برخی به‌گونه‌ای جنگیده‌اند که موجب هراس حامیان غربیشان شده‌اند. وال استریت ژورنال گزارش می‌دهد که ژنرال میخائيل البطش یکی از رهبران ارتش آزاد سوریه اعلام کرده که این سازمان تحت تسلط گروه‌های اسلام گرایی می‌باشد که با النصره (القاعده سوریه) همکاری نزدیکی دارد. حتی اتفاق فکر مشاور روابط خارجی (CFR) ، در ۲۰۱۲ پذیرفته که نفوذ ارتش آزاد سوریه به القاعده وابسته است. حتی گری گمبیل نومحافظه کار در مقاله‌ای با عنوان «دو بار به سلامتی اسلام گرایان سوری» از اسلام گرایانی که به سرنگونی ایران کمک می‌کند تمجید نموده است. به بیانیه اد حسین ، از موسسه مشاور روابط خارجی توجه فرمایید :

«بدون حضور القاعده در میان مخالفان سوریه این گروه ضعیف‌تر خواهد بود. به‌طور کلی گردن‌های

حمایت آمریکا از گروه‌های مخالف سوری ، از جمله اخوان ، از دوران بوش آغاز شده‌اند.

امروزه چیزی عوض نشده است. آمریکا و بریتانیا ادعا می‌کنند که از «شورشیان میانه‌رو» در سوریه حمایت کرده‌اند؛ اما این ادعا تنها جهت مغشوشه کردن اذهان و مخفی نگاه داشتن حمایت آن‌ها از تروریسم است. باور نمی‌کنم «میانه‌روها» موثر و واقعی در میان نیروهای عامل شورشیان سوری وجود داشته باشد. نقشه‌ای که توسط اکونومیست از هویت مخالفان موجود تهیه شده نشان می‌دهد که همه گروه‌های مخالف ، به استثناء حزب دموکرات کرد و ارتش آزاد سوریه که جزء شورای عالی فرماندهی نظامی می‌باشند ، اسلام گرا هستند.

همانطور که گفته خواهد شد ، حتی ارتش آزاد سوریه که اصطلاحاً غیر اسلامی می‌باشد دارای عوامل اسلام گراست و از سوی اسلامگرایانی که توسط غرب بعنوان «میانه‌روها» حمایت می‌شوند تأثیر می‌پذیرد. آنها همان میانه‌روهایی هستند که جهادگرایان خارجی را درون مرزهای سوریه حمایت می‌کنند و در نهایت منجر به تشکیل گروه داعش شده‌اند.

سرهنگ عبدالجبار العکیدی یکی از فرماندهان ارتش آزاد سوریه و رهبر عالی رتبه مخالفان سوری است که مستقیماً از سوی آمریکا حمایت می‌شود و از دسته «میانه‌روها» می‌باشد. وی به داشتن «ارتباط خوب با داعش» و جبهه النصره اذعان و «ادعاهای» رسانه‌ها را علیه آنها رد کرده است و به‌وضوح همکاری خود را اعلام کرده است. او از هر دو گروه تروریستی عذرخواهی نموده و از آنها دفاع می‌نماید و «ادعاهای» و «اشتباهات» آنها را که در اصل جنایات واقعی علیه مردم سوری می‌باشند را نادیده می‌انگارد. او و «میانه‌روهایش» با داعش همکاری کرده تا پایگاه هوایی منهاج در شهر حلب



فهم این مهم و توقف کمک مالی به مخالفان سوری است؛ چرا که این گروه مخالف ایجاد هرگونه ثبات در منطقه است. ما همچنین باید جلوی زیاده‌گوئی‌های رسانه‌ها را بگیریم. از منظر ژئopolitic بشار اسد هدف نیست.

این ارتش عرب سوری است که در پی حمایتهای مردمی در کشوری است که مردمانش ناسیونالیست و وطن پرست می‌باشند و مخالف گروههای اسلام گرایی هستند که از سوی غرب و قدرتهای عربی منطقه حمایت می‌شوند. بسیاری از اتهامات وارد شده به اسد به بهانه همکاری و اعمال تغییر در جهت منافع امریکا از طریق دخالت نظامی بر اساس تحریفات، ادعاهای کاذب یا شایعات مخصوصاً ادعاهای مربوط به سلاح‌های شیمیایی می‌باشد.

قبل از آنکه آمریکا برای اعلام «همکاری» و «حملات هوایی» قدم جلو نهاد باید مسؤولیت کارهایش را پذیرد و به حقایق امر که دامنگیر سوریه و لبنان می‌شود اعتراف نماید. روسیه، چین و کشورهای غیر متحد که از نفاق و امپریالیسم غرب اگاه هستند باید با همکاری یکدیگر، دولتهاشان را به اعمال فشار بر غرب در این خصوص وادارند و از طریق رسانه‌های متعدد آگاهی مردم را افزایش دهند.

آگاهی که همه آنچه رسانه‌های غرب رشته‌اند را پنهان می‌کند. فقط در آن صورت ما می‌توانیم با اتحاد واقعی علیه عوامل پول و قدرت، ایجاد نظمی مطمئن و همه‌جانبه را در جهان تضمین کنیم.

ارتش آزاد سوریه خسته، از هم پاشیده، پریشان و منفعل هستند.

نیروهای مخالف که توسط غربی‌ها کنار گذاشته شده‌اند مدام اخلاقیات را زیر پا گذاشته و توسط سلاح‌های برتر رژیم بشار اسد و ارتش حرفه‌ایش در تنگنا قرار می‌گیرند. اما مبارزان القاعده ممکن است روحیه آنها را تقویت کنند. ورود جهادگران با خود نظم، عرق مذهبی، تجربه جنگی از عراق و حمایت مالی از سوی حامیان سنی در خلیج (فارس) می‌آورند و از همه مهمتر نتایج مرگبار به همراه دارد. خلاصه اینکه ارتش ازاد سوریه اکنون به القاعده نیاز دارد.»

برای رساندن این مطلب حتی برژینسکی پذیرفته است: «همانطور که می‌دانید ما کمک به مخالفان، هر که هستند را شروع کردیم و مطمئناً آنها برای دموکراسی نمی‌جنگند و قطر و عربستان سعودی از آنها از اوایل بهار سال ۲۰۱۲ حمایت کرده‌اند بدون آنکه حمایتشان را علنی کنند.»

او این ادعا را عنوان می‌کند که مردمی که ما در پی پیروزی آنها هستیم یعنی میانه‌روها کوچکترین و ضعیف‌ترین حزب در سوریه هستند.

ظاهراً از این مطلب این واقعیت بر می‌آید که غرب نیروهایش را در شمار میانه روهای برای سرنگونی اسد افزایش داده است. برخلاف سبک نیکاراگوئه که ظاهراً معمولترین شرح بر انگیزه‌های ژئopolitic و وقایع می‌باشد، ما یا با سیاستی ناموفق مواجه می‌شویم یا موفق به ایجاد آشوب در منطقه می‌شویم.

راه حل

تمام این موارد با هم مشکل اصلی است و دین در آن دخالتی ندارد. آنچه ما باید در غرب انجام دهیم



روح الله راموز یکی از افرادی است که توسط سران مجاهدین در اوایل انقلاب ربوده شده و اکنون بعد از گذشت چند سال هنوز هم به او اجازه تماس و یا دیدار با خانواده اش را نداده اند هر چند که پدر او در اوج نگرانی برای روح الله و همچنین در انتظار دیدار با او دار فانی را وداع گفته است ولی مادر مهربان او چندین سال است که به انتظار بازگشت اوست.

رقیه متکی مادری مهربان که بقول خودش در آن سالهایی که هنوز جوان بودیم ، برای بزرگ کردن روح الله و برادرانش زحمات زیادی کشیدیم تا آنها بتوانند برای خودشان بزرگ شده و در مملکت کسی باشند ، ولی می بینم که یک عده که از انسانیت هیچ بویی نبرده اند فرزندم را ربوده و او را به بیراهه برده اند طوری که نمی تواند در این همه مدت یک تماس با من داشته باشد و یا برای عزاداری پدرش حضور داشته باشد.

خانم متکی اضافه با همان لهجه شیرین محلی از خداوند برای آزادی فرزندش و تمامی کسانیکه در چنگال این شیاطین گرفتار می باشند دعا می کند و می گوید خداوند کسانی را که باعث گرفتار شدن فرزندم شده اند را به آتش دوزخ گرفتار کند مخصوصا مسعود رجوی خائن و سران و همدستان او را که بسیاری از خانواده ها را اینگونه داغدار نموده اند.

براستی در دنیایی که تمام سردمداران آن ادعای حمایت از آزادی و رعایت حقوق مساوی تمامی انسانها را می کنند و برای رهایی انسانها از چنگ



آرزوهای مادری که سازمان مجاهدین آن را ربود

انجمن نجات مرکز گلستان ، دوشنبه

۱ دی ۱۳۹۳

سازمان مجاهدین یکی از مخوف ترین سازمانهایی است که در تمامی دنیا شاید همانندی نداشته باشد و نیرنگها و جنایتهای ان نیز همچون سران این فرقه تک و تنها می باشد که از دید هیچ انسان آزاده ای بدور نماند.

از جمله خیانتهای این فرقه ضدبشری می توان به ربودن فرزندان خانواده ها اشاره نمود که نمونه های آن بسیار فراوان بوده و وقتی پای درد دلهای پدران و مادرانی که سران سازمان مجاهدین فرزندان آنها را به بهانه های مختلف اعم از تحصیل در دانشگاه اشرف و یا کار بهتر با حقوق و مزایای بالا و امثال آن می نشینی تازه می فهمی که این سران خائن چقدر به مملکت و دین و دیانت جنایت کرده و تمامی خیانتهای خود رانیز با همکاری سازمانهایی همچون موساد و امثال ان انجام می دهند.



**نامه خانم سکینه عوض زاده به
فرزندش علی هاجری
(تحت اسارت فرقه رجوی در
لیبرتی - عراق)**

آبادان

سلام خدمت پسر عزیزتر از جانم علی هاجری . از سال ۶۵ که به اسارت نیروهای عراق درآمدی من چشم انتظارم . می دانم بهترین روزهای زندگیت را در اسارت بودی ، پسrom اول صدام بعد دست رجوی از خدا بی خبر .

علی جان چشمانم دیگر سویی ندارد تو را به مقدسات قسم بیا و در سالهای باقیمانده عمرم دلم را شاد کن . پسrom از صلیب سرخ و سازمان ملل درخواست می کنم فرزندانمان را از اسارتگاه رجوی و مریم نجات دهن . برادرت دو سال تمام ، پشت در اشرف نشست و صدایت می زد وقتی ازت خبری نشد نالمید برگشت . بارها نامه نوشتم و فرستادیم مطمئن هستیم بدست نرسیده ! رجوی درهای اسارتگاه را باز کن بگذار فرزندانمان با خانواده هایشان تماس بگیرند این نامه یک مادر پیر است که شبانه روز منتظر تماس فرزند اسیرش است تو را بخدا نجاتشان دهید .

پسrom با این شماره ها تماس بگیر

. ۹۳۳۵۹۶۱۷۲۷ - ۰۹۱۶۵۱۲۶۴۱۰

آبادان - سکینه عوض زاده

ظلم و جور به ظاهر هم که شده فعالیت می کند و کنفرانس های آنچنانی برگزار می نمایند ، چرا آه و ناله مادرانی که در انتظار دیدار با فرزندانشان با آنها به خاک سپرده می شود هیچ اهمیتی ندارد ؟

آیا احمد شهید که اینهمه از دفاع حقوق بشر و رعایت حقوق انسانها بیانیه های آنچنانی بیرون می دهد ، تاکنون وقتی برای خانواده هایی که حقوق آنها توسط مسعود و مریم رجوی و سران سازمان مجاهدین به مدت بیش از سه دهه پایمال شده اهمیتی داده است و در بیانیه های خود برای آنها جایی گذاشته که بشود از ان درد و رنج این خانواده ها را به گوش سنگین دنیای بظاهر متمند برساند (!!!) ، دنیایی که در آن به انسان هیچ اهمیتی داده نمی شود و بشریت و ارزش آن زیر پا گذاشته می شود .

ولی با تمامی این خیانتها و جنایتها ، خانواده ها تنها پناهگاهی هستند که همیشه و همه آغوششان را برای فرزندانشان باز نموده و برای حتی یک لحظه دیدار آزاد با فرزندانشان لحظه شماری می کند .

به امید رهایی تمامی زندانیان در بنده سازمان مجاهدین خلق



برای تبلیغ جهت بدست آوردن حمایت و پول از دولت های مختلف (به واسطه همسر سومش مریم عضدانلو)، سُس دمکراسی و انقلابی به فرقه خودش زده و در همان کشورهای غربی توانسته است عده ای از شخصیتهای اروپایی را با مغزشوی و پول خریداری کند، اما در داخل مناسبات فرقه (از اسارتگاه اشرف گرفته تا لیرتی)، دقیقاً سیاست های داعش را اجراء کرده است و همچنان همان سیاست ها را اجراء می کند و می گوید اهداف تشکیلات اش اجرا نخواهد شد مگر به زور اسلحه...

ولایت مطلقه مسعود رجوی در تشکیلات می گوید: "همه چیز زیر تشکیلات است، حتی قرآن!".

این حرف را فاطمه همدانی از اعضاء شورای رهبری، (رجوی شخصاً رده شورای رهبری را در حضور جمع کثیری از مجاهدین روی سن سالن اجتماعات اشرف به وی ابلاغ کرد)، مستقیماً به من گفت.

هنگامی که در طراحی دوم خود برای فرار از اشرف ناموفق ماندم، زهره قائمی که مسئول ستاد داخله بود از فاطمه همدانی خواسته بود مرا به اتاق وی ببرد، اما من خودداری کرده و به او گفتم: "بیمارم... به قرآن نمی آیم".

فاطمه در جواب من گفت: "قرآن زیر تشکیلات است... الان تشکیلات در خطر است".

در آن زمان من خیلی شوکه شدم. باورم نمی شد که با این صراحت چنین قانونی را به اسم تشکیلات مطرح می کنند، گویی این حرف بود که مرا شدیداً متوجه مغزشویی درون فرقه نمود و همه دروغها و ظلم و ستم اعمال شده تشکیلات از جلو چشممان رژه رفتند.

یکبار دیگر، بعد از تلاشی که جلوی آقای لورن سوئی نماینده صلیب سرخ، کرده بودم (اشارة به جلسه ای دارم که در اثر فشار خانواده ها در بیرون اشرف، به دستگاه سرکوب تشکیلات

داعش ، امتداد رهبری مطلقه رجوی

انجمان نجات مرکز فارس ، پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۳

جلال گنجه ای مقاله ای در سایت های اصلی فرقه رجوی انتشار داده تحت نام "مبارزه با بنیاد گرایی و داعش" و در این مقاله از فرقه مجاهدین دفاع کرده است...

حال می خواهم بگویم فرقه مجاهدین خلق به رهبری مطلقه مسعود رجوی چگونه با داعش هم ایدئولوژی است :

«داعش ، امتداد رهبری مطلقه رجوی» باید گفت پدیده داعش که یک دار و دسته افراطی اسلامی است پدیده جدیدی نیست و در امتداد رهبری مطلقه و "خدخوانده" رجوی است.

جلال گنجه ای در مقاله اش اینگونه نوشته: "شعار اساسی داعش که امروزه در سرزمینهای تصرف شده اش ترویج می کند، چنین است: "شرع الله لن تنفذ الا بالسلاح" ، (شریعت الهی هرگز اجرا نخواهد شد مگر به زور اسلحه). و شعار بعدی هم تکفیر مخالفان است.

این مجموعه از آداب عبادت شروع شده و تا پنهنه های مختلف زندگی اجتماعی حرفه ای دارد که جنجالی ترین آنها مجازاتهای خشن و تبعیضهای شدید علیه غیرمسلمین و علیه زنان است." (پایان نقل قول)

حال اگر ما بخواهیم از پروسه سازمان مجاهدین خلق و تشکیلات آن (بر اساس شهادت جدادگان از این فرقه ، در طی ۳ دهه گذشته) ، جمعبندی کرده و نتیجه بگیریم ، می توان گفت:

"داعش همان ولایت مطلقه رجوی است"

در واقع "داعش" و سایر گروه های بدنام مشابه مثل القاعده ، النصره ، بوکوحرام و... ، دقیقاً با شیوه های مطلق گرایانه رجوی عمل کرده و می کنند با این اختلاف که مسعود رجوی در اروپا



باشد که صلاحیت تشخیص و تدوین این احکام شرعی را دارد." (پایان نقل قول)

مالحظه می‌کنید که داعش به لحاظ تئوریک و نوع تفسیر افراطی که از اسلام مطرح کرده و با خون و جنون به اجرا گذاشته، می‌توان گفت که ولایت و رهبری مطلقه مسعود رجوی با خلافت اسلامی داعشی، یک نظریه را دنبال کرده و با جبر و جنایت به دیگران تحمیل می‌کند.

الآن قصد بر Shermanden جنایات بسیار رجوی را ندارم، فقط به سخنرانی ۱۱ آبان ۱۳۹۳ وی اشاره می‌کنم که مثنوی هفتاد من است.

در این سخنرانی، رجوی با وسیله قراردادن حسین بن علی، سومین امام شیعیان و چراغ خاموش دادن صوری به اسرای نگون بخت لیبرتی، و با تهدید و ایجاد جو اربعاب، اختناق و سرکوب شدید، به آنان گفت که باید تا آخرین نفس و آخرین نفر در لیبرتی بمانند و کشته شوند.

وی همچنین مخالفین، متقیدین و جدا شده های از فرقه و سورای دست ساز خودش را به مرگ تهدید کرد.

تا همینجا، روشن شده که آرزوهای دیکتاتور رجوی با آنچه دیکتاتوری داعش تا کنون پیاده کرده، یکسان است.

هر دو هدف‌شان بدست آوردن کرسی قدرت است ولی آن را با هر وسیله ای تئوریزه می‌کنند.

فرق رجوی با داعش در این است که داعش خود را در ابتدای راه می‌بیند، ولی رجوی (همانطورکه در سخنرانی هیستریک و سراسر سوز و گداش در ۱۱ آبان ۱۳۹۳ آشکار بود)، در آخر راه است و شکست خورده و مفلوک می‌باشد.
زهرا سادات میر باقری

رجوی وارد آمده بود تا نماینده گان صلیب سرخ را به داخل اسارتگاه اشرف پیزیرند و من در آنجا برای رهایی از سیطره رجوی و فرقه اش تلاشی شجاعانه نمودم تا بتوانم از اسارتگاه اشرف آزاد شوم که خود ماجراهایی دارد که جداگانه به آن می‌پردازم.)

فاطمه همدانی مرا به اتفاق صدای زد و گفت: "تو آبروی ما را بردی! ما برای خود بربده ایم که تو بمیری!

اگر ما نبودیم بچه ها تو را بخاطر خیانت تکه تکه می‌کردند (منظور از بچه ها، زنان اجیر شده شورای رهبری بودند).

وی این را به صراحة از طرف زهره قائمی که فرمانده آن روز ستاد داخله بود به من اعلام کرد. همانطورکه مشاهده می‌کنید رجوی صرفاً جای احکام شرع را با "تشکیلات" عوض کرده است.

وی در تمام مناسبات فرقه همه چیز افراد (از آبرو، شخصیت، حرمت انسانی، جسم و روان، تا مقطوع النسل کردن زنان و تمامی قوانین مرتبط به حقوق فردی و...) را زیر "سقف تشکیلات و ایدئولوژی" خود تئوریزه می‌کرد.

به این دلیل است که مسعود رجوی به اعضای فرقه و تمام جهان بیرون خودش دروغ می‌گوید و دغل کاری می‌کند و انسانها را می‌کشد و شکنجه می‌کند، نه برای یکبار که به طور مستمر و طولانی این متدهای کار و قانون "تشکیلات اش" است.

جلال گنجه ای در ادامه می‌گوید:
"داعش احکام زیر را اعلام کرده است:

یکم : احکام شرعی فقهی، همانا احکام الهی اسلام و لازم الاجرا است.

دوم : اجرای الزامی این احکام جز با به دست گرفتن قدرت سیاسی و حاکمیت امکانپذیر نیست.

سوم : این قدرت سیاسی بایستی به دست فقیه



سال ۷۸ با تشکیل قرارگاه هایی در سازماندهی های جدید، فائزه محبت کار فرمانده قرارگاه ۴ و معاون او صدیقه حسینی بود . سال ۷۸ اولین سری نشستهای مغزشویی فرقه رجوی (نشست های معروف به دیگ) برای زنان در جریان بود . برای مدت بیش از ۱ ماه کلیه زنان در نشست هایی که ظاهراً توسط مهوش سپهی اداره می شد تحت کنترل قوانین جدید تشکیلات قرار می گرفتند .

بعد از مدتی که زنان از نشست برگشتند مشخص شد فائزه محبت کار خلع مسئولیت شده است و صدیقه حسینی از آن روز به چرخه سران سرکوب رجوی وارد شد و فرمانده جدید قرارگاه ۴ شد .

بعد از مدتی مجدداً فائزه محبت کار در اعداد فرماندهان قرارگاهها قرار گرفت و مسئول هماهنگ کننده قرارگاه های جنوب (بصره و العماره) شد . و سپس به عنوان یکی از ۵ معاون مسئول اول مجاهدین انتخاب شد .

انتقال یکی از مسئولین بالای رجوی به آلبانی نشان دهنده این است که رجوی برای حضور طولانی مدت و تشکیل سرپل ارتباطی اروپا و منطقه در آلبانی حساب های زیادی برای خود باز کرده است .

کنترل و نگهداری طولانی مدت اعضا در ساختمانهایی که در لیبرتی حکم پایگاه های فرقه را دارد، گویای پایه ریزی تشکیلات فرقه ای در آن کشور است .

از قرار معلوم ، فرقه رجوی تمام اعضای وابسته به تشکیلات خود را در اماکنی که خود اقدام به خرید آنها کرده است ساکن کرده است .

و سازمان ملل و کمیساريای عالي کنترل چندانی نسبت به وضعیت مناسباتی داخلی آنها ندارند .
حسینی



فائزه محبت کار، مامور به تشکیل سرپل ارتباطی فرقه رجوی در آلبانی - تیران

انجمن نجات مرکز تهران ، پنجشنبه ۴ دی ۱۳۹۳

فائزه محبت کار ، یکی از ۵ معاون مسئول اول مجاهدین است که با جعل هویت از لیبرتی به آلبانی منتقل شده است .

سال ۹۲ که اولین سری انتقال به آلبانی صورت پذیرفت ، فرقه رجوی قصد انتقال معصومه ملک محمدی به آلبانی را داشت که به دلیل پرونده های قضایی ، دولت عراق مانع انتقال وی شد . ولی این بار فائزه محبت کار و چند تن دیگر با جعل هویت به آلبانی منتقل شدند.

فائزه محبت کار همسر هادی افشار (سعید جمالی) است . وی از سال ۶۳ که در کرکوک عراق مستقر بود جزء یکی از فرماندهان زن معروف تشکیلات رجوی بود .

بعد از شروع بحث های انقلاب ایدئولوژیکی رجوی (طلاق های اجباری) برای مدتی از صحنه به کنار گذاشته شد (خلع رده تشکیلاتی شد) ، به گونه ای که سال ۷۲ و با انتخاب اولین سری شورای رهبری توسط رجوی ، وی در حد مسئول اداری یکی از مقره های قرارگاه اشرف بود .



یعنی کسانی که با آنها پیوند عاطفی داشته اند، وحشت دارند و از این بینانکنده که عواطف خانوادگی گذشته، که باطل السحر جادوی مغزشونی است، زنده شده و آثار ناپایدار کنترل ذهن مخرب را از بین ببرد.

کافی است مروری بر احوال فرقه های مختلف و متعدد در جهان در گذشته و حال، از جمله موارد ذکر شده در دو کتابی که من ترجمه و چاپ کرده ام، بشود تا مشخص گردد که فرقه ها به انواع ترفند ها و بهانه ها متول می شوند تا مطمئن گردند کوچکترین ارتباطی بین اعضاء با خانواده هایشان برقرار نشود. به همین دلیل گفته می شود که فرقه و خانواده دقیقاً حکم جن و بسم الله را دارند.

مانعنت از دیدار با خانواده ها از جانب مسعود رجوی و اتهامات و توهین هائی که به صورت مداوم نثار خانواده ها می شود اصلاً بی دلیل نیست.

این طرح حتی اگر برفرض ابتکار عمل وزارت اطلاعات هم باشد به نظر می رسد که اتفاقاً نقطه آسیب پذیر فرقه رجوی را بخوبی یافته اند.

از قضا اگر به تبلیغات گسترده فرقه در این رابطه مراجعه شود بسادگی این طور استنباط می گردد که گوئی وزارت اطلاعات به یک ارگان حقوق بشری تبدیل شده که مبلغ و سازمانده دیدار خانواده ها با عزیزانشان است و از آن طرف سازمان مجاهدین خلق مخالف این عمل انسانی است.

هر چقدر فرقه رجوی به بهانه های مختلف با اصرار خانواده ها برای دیدار با عزیزانشان، که همگی خانواده های واقعی هستند و این امر در هر مرجع بین المللی قابل اثبات است، مخالفت نماید بیشتر برای همگان به اثبات می رساند که یک

فرقه رجوی و موضوع خانواده ها

ابراهیم خدابنده، ایران اینتلینک، ۱۰ دی ۱۳۹۳

در چند ایمیلی که از جانب تعدادی از هواداران سازمان مجاهدین خلق داشتم مرا به مقالاتی به قلم برخی اعضاء در خصوص موضوع "خانواده ها" مندرج در سایت های مرتبط با فرقه رجوی توجه داده بودند.

مقالات یاد شده را به توصیه این دوستان بطور کامل مطالعه کردم. در این نوشته البته قصد ندارم به تمامی موارد مطرح شده در آن مقالات پاسخ بدهم، اما پرداختن به یک موضوع ضروری است.

ترجیعیبند تمامی این مقالات به صورت خلاصه این است که گویا خواست و اصرار خانواده های اعضاءی سازمان مجاهدین خلق برای دیدار با عزیزانشان در اردوگاه لیرتی، یا هر کجا دیگر، یک توطئه طراحی شده از جانب وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی جهت ضربه زدن به سازمان می باشد.

در این مقالات ادعا شده که این افراد نه تنها خانواده اعضاء نیستند بلکه مأموران وزارت اطلاعات هستند که به لباس خانواده در آمده اند تا اهداف مأموریت خود را به اجرا در آورند.

البته نویسنده این مکانیزم این توطئه و نحوه ضربه زدن به سازمان توسط افرادی عادی و بی سلاح اشاره ای نکرده اند.

مانعنت از دیدار اعضاء با خانواده هایشان کلاً تا جائی که به فرقه های مخرب کنترل ذهن بر می گردد امر تازه ای نیست. تمامی فرقه ها از دیدار و ارتباط اعضاءی خود با خانواده هایشان،



مایل به دیدار با آنان هستند و این حق را نباید از آنان با هیچ بهانه ای سلب نمایند.

اگر به سابقه امر در این خصوص برگردیم ، زمانی که صدام حسین در عراق سرنگون شد این امید در دل خانواده ها بوجود آمد که در شرایط جدید می توانند عزیزانشان را در سازمان مجاهدین خلق در عراق ملاقات نمایند.

بعد از سرنگونی صدام حسین صدها تن اعضاء سازمان این فرصت را بدست آوردند تا جدا شده و به ایران بازگردند و از این طریق برخی خانواده ها که هیچ اطلاعی از بستگان خود نداشتند پی به حضور آنان در پادگان اشرف برده و عازم عراق گردیدند.

سازمان ابتدا به این امید که اعضا یاش روی خانواده هایشان اثر گذاشته و با اعتمادی که بینشان وجود دارد آنان را جذب نمایند با این دیدارها موافقت کرد اما به تدریج معلوم گردید که علیرغم تمامی تمهیدات کنترلی که خلال دیدارها صورت می گرفت این خانواده ها بودند که بر اعضاء تأثیر گذاشته و آنان ترغیب به فرار می شدند.

مسعود رجوی با مشاهده این اوضاع دستور توقف هرگونه ارتباط با خانواده را همچون روال گذشته صادر کرد و از آن پس خانواده ها دشمن اصلی و لانه فساد خوانده شدند و آماده انواع توهین ها و اتهام ها قرار گرفتند.

سری های بعدی خانواده ها که به پادگان اشرف مراجعه کردند با درهای بسته و البته برخوردهای به غایت ناخوشایند و غیرانسانی روپرور شدند.

در همین رابطه تعدادی از خانواده ها دست به تحصن در مقابل دروازه پادگان زدند و شهرک آزادی را در مجاورت حصารهای پادگان بوجود

فرقه مخرب کنترل ذهن است که از شیوه های روانی برای کنترل نیروهایش استفاده می کند.

واقعیت این است که رجوی چون خود بهتر از هر کس دیگر می داند که اعضاء صرفاً با مغزشوئی حفظ و کنترل شده اند، هر بهای سیاسی و اجتماعی را به جان می خرد تا اجازه حتی یک ارتباط کوچک با خانواده به اعضاء فرقه اش ندهد.

کسانی که مقالات یاد شده را نوشته اند طبیعی است که خودشان تحت تأثیر کنترل ذهن فرقه رجوی قرار دارند و به لحاظ روانی مجبور به تکرار ارجیف سخیف القاء شده از جانب فرقه می باشند. طبعاً در حال حاضر روی سخن با آنها نیست چرا که ارتباط فعالی با دنیای آزاد و بیرون از فرقه ندارند ، بلکه روی سخن با کسانی از جمله آنان که برای من ایمیل فرستاده اند است که هوادار فرقه بوده اما ارتباطات بیرونی دارند و می توانند به دنیای اطلاعات دسترسی داشته باشند.

آنان باید توجه کنند که بهانه های فرقه برای ممانعت از دیدارهای خانوادگی با هر بهانه ای به هیچ عنوان بر اساس موازین بین المللی حقوق بشری قابل قبول و قابل توجیه نیست.

فرقه رجوی ادعا می کند که اعضاء یاش مایل به دیدار با بستگان و خانواده خود که سالیان سال است از آنها بی خبرند نیستند و این را به مقامات و ارگان های بین المللی از جمله ملل متحد و صلیب سرخ بارها طی این سالها اعلام کرده است. روشن است که چنین امری که به هیچ عنوان در معیارهای عادی طبیعی نیست تنها در فرقه های مخرب کنترل ذهن مشاهده می گردد.

برفرض که این افراد مایل به دیدن والدین یا فرزندان خود نباشند باید این حق را برای خانواده های خود قائل گردند که آنها مشتاقانه



اینکه آیا کسانی که خواهان دیدار با عزیزانشان هستند خانواده واقعی آنان می‌باشند یا خیر به سادگی قابل تشخیص و اثبات است.

این امر هم بر کسی پوشیده نیست که رجوی کلاً با هرگونه ارتباط اعضاءی فرقه اش با دنیای خارج خصوصاً با خانواده‌ها به شدت مخالف بوده و به هر بهائی جلوی آن ایستاده است.

البته این امر هم بدیهی است که تنها یک فرقه مخرب کنترل ذهن از ارتباط بیرونی اعضاءی خود وحشت دارد و خانواده را دشمن اصلی قلمداد می‌کند.

موضوع از این ساده تر نمی‌شود. حال اگر کسانی عمد دارند تا موضوع را پیچیده کنند و توجیه گر فرقه‌ای باشند دیگر به خودشان مربوط می‌شود ولی باید بدانند که حرفشان در دنیای امروز خریدار ندارد و افکار عمومی قضاؤت خودش را خواهد کرد.



آوردهند و این تحصن سالها تا زمان انتقال سازمان از اشرف به اردوگاه لیبرتی ادامه داشت.

خانواده‌ها که هیچ امکان ارتباطی با عزیزان خود نداشتند با تنها وسیله ممکن یعنی بلندگو اقدام به فراخواندن بستگان خود نمودند.

خانواده‌های اعضاءی سازمان مستقر در پادگان اشرف شامل والدین، فرزندان، همسران، برادران، خواهران، و سایرین در مقابل دروازه پادگان با آرزوی دیداری هرچند کوتاه بست نشستند و شرایط سخت زندگی در بیابان‌های عراق را بر خود هموار ساختند.

رجوی که بوبی از روابط عاطفی و خانوادگی نبرده است در این رابطه گفته بود که خانواده‌ها بیش از ۲۰ روز دوام نخواهند آورد. در همین رابطه خانم ثریا عبداللهی که پسرش در فرقه رجوی گرفتار است به سمبول مقاومت خانواده‌های درمند و رنج کشیده متحصن در مجاورت حصارهای پادگان اشرف تبدیل گشت که رجوی بارها مستقیماً او را مورد اهانت قرار داد.

یکی از شرایطی که سازمان برای نقل مکان از اشرف به لیبرتی قرار داده بود این بود که به خانواده‌ها اجازه داده نشود به نزدیکی اردوگاه لیبرتی بروند که تعهد به این درخواست علیرغم اینکه خود رجوی تاکنون به هیچ یک از تعهداتش پاییند نبوده است همچنان از جانب ملل متحد و دولت عراق رعایت می‌شود.

همین امر نشان می‌دهد که چقدر رجوی از وجود خانواده‌ها وحشت دارد و چقدر خود را پیش ملل متحد و دولت عراق و افکار عمومی خوار و خفیف کرده تا چنین درخواستی را بنماید.



ایشان نمی توانیم وارد کرده و بلکه بهتر است به نتایج حاصله خوشبین باشیم.

اما پیام آقای استاد گنجه ای ، نشان نمی دهد که او شخصاً خواستار بازشدن تمامی صندوق های اسرار و روشن شدن اذهان عامه باشد و چرا؟

برای اینکه ایشان، اشاره‌ی کافی به آمران و حامیان و منتفعین از این بنیاد گرایی نکرده و در صدد انتقاد و افشاء معلومات افراط گرایی و در خفا نگهداشت علل اصلی آن می باشد!

ما چرا از علت و معلول صحبت می کنیم؟ برای اینکه می دانیم این طمع ورزی سلطه گران است که با استفاده‌ی غیر انسانی از فقر و فلاکت مردم و اینجا دسته‌ای از مسلمانان - باعث ایجاد گروههای افراطی که زمینه های بروزشان با توجه به وضع یاد شده مهیا است، این گروه ها را ایجاد نموده، تجهیز کرده و در راستای منافع نئو استعماری خود ب راه می ندازند!

یعنی از نظر ما عامل ایجاد این گروهها، قدرمندان جهانی و ایادی شان و بستر مناسبی که عمدتاً همین قدرمندان در طی قرون بوجود آورده اند، بوده اند و افراد و گروههای افراط گرا بعنوان معلول بحساب می آیند و بنوعی می توان گفت که خود بانا امن کردن کشورهای خود و همسایگان و کشتن انسان ها، خود قباین این عامل هستند و در این میان اکثرا و از جمله آقای گنجی می کوشند که با بی توجهی به عوامل افراط گرایی، به نقد و بررسی کارهای این قربانیانی که یا مغز شوئی شده اند و یا بخارط تنگ دستی و دریافت چند صد دلار، چهره‌ی زشتی از دنیا اسلام را بنمایش می گذارند تا سلطه گران با تبلیغ اعمال این قربانیان و نسبت دادن انها به اسلام، لشکر کشی های خود به کشورهای اسلامی و ایجاد خورمیانه‌ی بزرگ را

کتمان حقایق اصلی توسط جلال گنجه ای !

صابر ، انجمن نجات ، مرکز آذربایجان شرقی ،
۹۳ آذر ماه ۲۷

در وسیعیات رسمی فرقه‌ی رجوی ، نامه‌ی آقال جلال گنجه ای که به لقب استاد؟! گنجه ای مفترخ است و خطاب به رئیس دانشگاه الازهر مصر و مناسبت برگزاری کنفرانس مربوط به افراط گرایی چنین آمده است :

“... امام اکبر حضرت دکتر احمد الطیب شیخ الازهر الشریف - قاهره- سلام و احترام به شما ، اما بعد ، این جانب نظر به شأن جامع الازهر و نظر به احترام زیاد نسبت به شخصیت والای آن جناب و مواضع پراج باز و مساعدی که بابت بیان و دفاع کارآمد از حقوق مردمی در جریان خیزش‌های مصری از قیام ژانویه به بعد تا قیام ژوئیه کرده‌اید ، لازم دیدم برخی نگرانیهای خودم را در آستانه تشکیل کنفرانسی که به ابتکار جنابعالی پیرامون افراط‌گرایی و تروریسم تحت نام اسلام توسط الازهر الشریف برگزار می‌شود حضورتان ابراز کنم ...”

البته برگزاری چنین کنفرانس هایی که واقعاً بخواهد و بتواند به ریشه‌ی اصلی مشکلات مربوط به ظهور افراط گرایی پردازد ، مورد تأیید هر انسان ترقی خواه و بشر دوستی بوده و ارسال پیام به این کنفرانس ها اقدام خوب بشمار آمده و در این خصوص ابرادی به آقای گنجه ای نمی توان داشت که اگر داشته باشیم ، بی مورد و ناصواب است!

ما هنوز بخوبی نمی دانیم که رئیس دانشگاه الازهر به ریشه‌های بحران خواهد پرداخت و نتایج مذاکرات را به اطلاع افکار عمومی جهان خواهد رساند و یا نه و بنابراین فعلاً هیچ ایرادی به کار



درادامه پیام آمده است :

”... اغلب از خطرهای رژیم ملایان ایران به خاطر شیعه سازی تبصیری و یا به لحاظ سیاسی و استراتژیک ، تحت عنوان ایجاد ”هلال شیعی“ یاد شده و می‌شود. بی‌شک ، رژیم ایران رژیم خطرناک و تهدیدی استراتژیک برای سرنوشت مسلمانان و کل بشریت است اما نه از این بابت که شیعی است یا شیعه تکثیر می‌کند.“.

پس استاد قبول فرموده اند که خطر از طرف شیعه نیست واگر نیست ، ایران چرا باید جور افراط گرایی آن قسمت از سنی های افراطی که زمام امورشان در دست عربستان و شرکا و اربابان جهانی آن است ، بکشد؟

چرا اصولاً در این پیام نام عربستان و دیگران ابدأ مطرح نشده است؟ با این وضع آیا نمی‌توان به خلوص نیت استاد گنجه ای شک کرد؟!

آیا او نمی‌داند که ایران یک قدرت جهانی نبوده و خود قربانی انواع تروریزم و تحریم ها بوده و نمی‌تواند جهان باین بزرگی را مثلاً به آشوب بکشاند؟

خطر ایران بشرح زیر توضیح داده شده است :

”... رژیم نیاز یافت برای اثبات شدت اسلامیت خود و طبق قانون اساسیش و فتاوی و وصایای خمینی به متزلزل کردن رژیمهای منحرف پرداخته و در عراق در دوران صدام و پس از صدام و لبنان پیش از طایف و پس از طایف و سوریه حافظ اسد و پس از حافظ اسد ... چنان دخالت‌هایی بکند که وضعیت نکبت‌بار کنونی این کشورها به مرتع پیدایش داعش و داعش مانندگان کوچکتر و ... تبدیل شود...“!

در پیش افکار عمومی جهان موجه جلوه دهنده و بگویند که ”ما برای نجات انسان ها و متمدن کردن این مسلمانان وحشی باین کشورها حمله می‌کنیم و نیت خیری داریم“!

با این وصف اگر گنجه ای ها بکوشند که با مطرح کردن بیشتر معلول ها ، علل را از دید مردم پنهان نگه دارند ، دراصل بجای خر ، پالان او را به باد کتک گرفته اند که عملی است بی فایده!

در قسمتی از متن نامه ای استاد گنجه ای می‌خوانیم :

”... با توجه به لیستی که در مطبوعات از برنامه کار کنفرانس الازهر ذکر شده است ، بیم دارم که مبادا این کنگره به دو موضوع شایان بحث نپردازد. این دو موضوع عبارتند از : تهدید فاشیزم دینی به نام اسلام و تهدید رژیمهای موسوم به اسلامی نسبت به حیثیت و منافع حیاتی مسلمین ، به خصوص رژیم حاکم بر ایران.“.

با این حساب من درگفته های فوق خود به بیراهه نرفته ام ، در این پیام ابدأ صحبت از عوامل نیست و اگر ذره ای هم باشد ، نسبت دادن اعمال امپریالیزم سه سره (آمریکا ، اروپا و ژاپن) به ایران- منسی کردن نقش آنان و بزرگ نشان دادن غیر عادلانه ای اشتباهاتی که ایران احیاناً داشته است - در همین رابطه بوده است!

بدین ترتیب اگر روند این کنفرانس ، با خط و مشی پیشنهادی استاد گنجه ای ادامه داشته و به پایان رسد ، علی خواهد ماند و حوض اش : ” تکرار مکررات سخنان دروغ و عوام فریبانه ای رجوی ها و سر亨گ سناتورمک کین ها که دردی از مشکلات بنیاد گرایی را درمان نخواهد کرد و بقول شاعر بزرگ از دست رفته ، فرقی نخواهد کرد ، بود و نبودش“!



اینکه حق صحبت و ارتباط با دوستان واعضای خانواده‌های خود ندارند و اینکه خانواده‌های آنها دشمن آنها هستند و ... را بخوبی می‌شناسیم و شما بهتر از ما! بنابراین عنوان یک روحانی از گفتن این دروغ بزرگ و ربط دادن آن به اسلام، احساس شرمندگی نمی‌کنید؟

این استناد مغبون از زندگی فرقه‌ای، در پایان پیام بیاد عقب ماندگی مسلمانان افتاده و خواستار برقراری عدالت برای همه شده است:

” جدا از عقب ماندگیهای علمی و تکنولوژی و ... ، مشکل اساسی مسلمانان تا آنجا که به امور اجتماعی برمی‌گردد، متمرکز نبودن بر عدالت برای همه است.“

آیا این عقب ماندگی در ۴۰۰ سال پیش هم وجود داشته است؟ می‌دانید که جواب منفی است و بنابراین چرا در مورد عوامل این عقب ماندگی به افشاگری نمی‌پردازید؟

غیر از این است که امپریالیزم و جهانگشایی فرتون فعلی انگلیس- و قبل از آن پرتغال، هلند و اسپانیا- با دست یازیدن به دزدی های دریایی، ثروتمند شدن از این راه و مسلح کردن کشتی های خود به توب و از طریق دریاها وارد کشور ما، چین، هندوستان و ... شده و پاره ای از حکام ایرانی را که مردمش در وفور نعمت و تمدن درخشنان زندگی می‌کرد با زور و یا تطمیع وادرار کردند که مواد اولیه‌ی صنایع ما (ریسنگی پیشرفته و ...) را ببرند تا کارگاه های مدرن ما را که می‌رفتند بساط یک جامعه‌ی صنعتی مرffe را جور کنند، دچار تعطیلی کردند و با وضع قوانین گمرکی یک طرفه وادارمان کردند که صادر کننده‌ی مواد خام - و متاسفانه در سطح صادرکننده‌ی تریاک و ... - باشیم و بر ما آن رود که مشاهده می‌کنید!

شما بعنوان یک روحانی وابسته به فرقه‌ی رجوی بارها گفته اید که ایران از بشار اسد حمایت می‌کند که ما هم قبول داریم. پس چه حکمتی در کار است که ایران با رواج افراطی گری در سوریه که ابدآ باب میل بشار است- دوست ایران از نظر شما- نبوده، بخواهد این کشور را به هرج و مرج بکشاند و سبب گردد تا تکفیری‌ها که خود دشمن قسم خورده‌ی ایران اند، قسمت‌های وسیعی از خاک سوریه را اشغال کنند؟؟!

نامبرده به پیام خود چنین ادامه می‌دهد:

” ... مردم ایران دیر زمانی است که فهمیده‌اند، که اسلام در دست این رژیم بازیچه‌یی برای حکومت کردن است، به همین خاطر جدی‌ترین و مؤثرترین مخالفان این رژیم سازمان مجاهدین است که خود عقیقاً معتقد به اسلام است، اسلامی که نه آزادی و اختیار مردم را محدود می‌کند و نه اجباری در دین را جایز می‌داند و مبنای حکومت را رغبت و اختیار عامه مردم می‌داند.“

استاد بیچاره! هر صغری کبری‌هایی که چیده بودید، در این پارک‌گارف بهم ریختید!

ما اسلام مجاهدین خلق با مشخصات وجود رهبری خاص الخاصل که قادر است تمامی همسران اعضای خود را از هم جدا کرده و خود را صاحب اختیار هر جنبنده‌ای در سازمان دانسته و تصاحب همسران همزمان و اعضای سازمان خود را عین تکامل بشری بداند، آگاه هستیم و آیا فکر می‌کنید که این رئیس دانشگاه الازهر در این مورد چیزی نمی‌داند؟ آیا از شما چیزی در این مورد پرسیده و اگر پرسیده توجیه شما چه بوده است؟

ما اسلام ارائه شده توسط فرقه‌ی رجوی را با نقض حقوق صیانت فرزندان، جلوگیری از دسترسی اعضاء به اطلاعات آزاد، و اداشتن شان به قبول



گروه تروریستی مجاهدین در لیست تحریم‌های استرالیا قرار گرفت

رسانه‌های ایران، ۲۷ آذر ۱۳۹۳

دولت استرالیا گروه تروریستی مجاهدین و گروه‌های وابسته به آن را در لیست تحریم‌های خود قرار داد.

به گزارش گروه سیاست خارجی «خبرگزاری دانشجو»، به نقل از "بنیاد هایلیان"، وزارت امور خارجه و بازرگانی استرالیا روز گذشته با انتشار لیست گروه‌ها و سازمان‌های تحریم‌شده در این کشور، گروه تروریستی مجاهدین و گروه‌های وابسته به آن را برای سیزدهمین سال متوالی در این لیست قرار داد.

این لیست تا ۲۵ نوامبر ۲۰۱۶ اعتبار دارد و گروه‌ها و سازمان‌های که در این لیست قرار دارند از سفر به استرالیا منع و تحت تحریم مالی در این کشور قرار دارند.

گروه تروریستی مجاهدین سال‌ها در لیست تروریستی آمریکا، کانادا، انگلیس و اتحادیه اروپا قرار داشت و پس از تلاش‌های فراوان و صرف میلیون‌ها دلار توانست از این لیست‌ها خارج شود.

بلی این کارها در زمانی اتفاق افتاد که ما صاحب نیروی دریایی تجاری بزرگ بودیم و تصمیم به جنگ در دریاهای نداشته و با داد و ستد کالاهای صنعتی خود، روزگار بهتری می‌گذراندیم و کشور چین و هندوستان هم قویتر و پیشرفته تر از ما بودند که با وضعی مشابه و حتی بدتر به قبول برdegی تنزل یافتد؟ حالا دیدید که شعار استعماری "ازماست که برماست" چقدر خائن‌هه در بین ما رواج یافته و به باور ملی تبدیل شده است؟

به گواهی تاریخ، چین و مصر و تاجدی ایران و... خالق علوم اولیه بودند که این به یونان انتقال یافت و مسلمان بسط یافت و همین علم انتقال یافته توسط امپراتوری‌های وسیع اسلامی دوباره به منطقه برگشت و به اروپا (اسپانیا) راه یافت.

با این حساب علوم مولود دنیا تجاوزگر غرب نبوده و یک دستآورد بشری بیشتر شرقی بوده که به اروپا راه یافته است.

پس حالا چرا بدنبال عقب افتادگی چند صد سال اخیر ما، با برقراری انواع تحریم‌ها مانع دسترسی کافی ما به علمی که در ایجاد پایه‌های شناختی قابل توجهی داشته ایم، می‌گردند؟

آیا این است عدالتی که شما خواستار آن هستید؟ یا بر عکس و در عوض می‌خواهید ما را بیشتر تحریم کرده و سهم طبیعی ما از بهره برداری از علوم را نادیده بگیرند؟

شما به همراه فرقه‌ی منسوبه‌ی تان همه‌ی این حقایق و ظلمی که بر ما رفته را کتمان کرده و حاصل ۴۰۰ سال عقب ماندگی را تماماً به دوران‌های اخیر- بدون اینکه قصد تطهیر این دوران در کار باشد- ربط می‌دهید!

صابر



شیوه تنظیم شکنجه گرانه با افراد ، در اسارتگاه اشرف نمونه بسیار دارد.

فائزه خانم آیا مرا بیاد می آوری ؟ من زهرا میرباقری هستم!

فائزه خانم محبت کار!

نمونه دیگر : شما دختر بی گناه ۲۶ ساله ای به نام مرجان اکبری (با نام مستعار فائزه) را به مرگ کشاندید ، اینکار در اثر شکنجه های دستگاه سرکوب و خفقان فرقه (با مسئولیت فهمیه اروانی و مشورت جنابعالی که مسئول تشکیلات سازمان بودی و با نظارت مژگان پارسا یی بعنوان جانشین مسعود رجوی در اشرف) انجام گرفت.

اگر این دختر بیگناه کشته شد و اکنون نیست که سخن بگوید! ، باید به مسعود رجوی و بویژه مریم قجر عضدانلو که به دروغ منادی آزادی زنان است گفت : مرجان اکبری به کدامیں گناه کشته شد؟!!!

اگر مرجان اکبری اکنون در زیر خاک های سرد مزار اشرف خفته است ، ولی من شاهد وی هستم و در هر دادگاهی آماده شهادت می باشم.

خطاطراتم از شکنجه هایی که بر مرجان اکبری این دختر بیگناه انجام شد را در مبحث دیگری بیان خواهم کرد اما در اینجا خاطرات خودم از شکنجه هایی که مستقیماً توسط فائزه محبتکار بر من اعمال و هدایت شد را می نویسم :

روزی از روزهای ماه مبارک رمضان ، بعد از صرف افطار ، فائزه محبتکار بدستور مسعود رجوی جلسه ای ۱۵۰ نفره در مقر ستاد داخله (که مسئول آن زهره قائمی بود) برگزار کرد. آن زمان بدلیل سرکوب های متمدی در مقرهای مختلف اسارتگاه اشرف ، در بستر بیماری بودم.

زهرا سادات میرباقری ، انجمن نجات ، مرکز فارس ، ۹ دی ۱۳۹۳

فائزه محبتکار ، شکنجه گر من!

سخنی با فائزه زجر کار (محبت کار):

آیا یادت هست با خط و خطوطی که مسعود رجوی (کسی که خود را ناموس وی می خواندی) به تو داده بود ، با من چکار کردی؟

آیا بیاد داری مرا در حالی که بیمار بودم با روش فاشیستی از خوابگاه به محل نشست آشین ها (زنان سورای رهبری لایه دوم - سورای رهبری آزمایشی) بر روی زمین می کشاندی؟!!!

آن روز لکه ننگی برپیشانی تو و فرمانده چنین صحنه هایی مسعود رجوی و مریم رجوی است.

در این مقاله یکبار دیگر صحنه شکنجه را بیان می کنم تا همه نسل ها بدانند که مسعود و مریم رجوی با اتکاء به استخبارات بدنام صدام حسین ، با نسل انقلاب ۱۳۵۷ چکار کردند!!.

غم انگیز این است که همه این شکنجه ها ، بنام " انقلاب نوین مردم ایران! ، دمکراسی! ، اسلام ناب محمدی! و جامعه بی طبقه توحیدی! " انجام گرفته است.

وقتی نام داعش نوین را بر اعمال مسعود و مریم رجوی می گذاریم ، بی دلیل نیست بلکه مستند است. البته این فقط یک نمونه نیست ، بلکه این



و با اسکورت زنان اجیر شده رجوی به جلسه فائزه زجرکار برده شدم.

با اینکه پرده گوش چپم در اثر رفتارهای سرکوبگرانه در مناسبات فاشیستی رجوی پاره شده و به عفونت سختی دچار شده بودم ، آنها از بردن من نزد پزشک و دادن دارو خودداری می کردند. همان زمان زهره قائمی توسط فاطمه همدانی به من پیام رساند که : "ما برای خودمان بربیده ایم که تو بمیری!". و بدینوسیله حکم مرگ مرا صادر کردند!.

من برای آنکه از فشار فریاد های شکنجه آور نشست دیگ فائزه زجرکار کمی در امان باشم ، داخل گوشها یم پنه گذاشته بودم.

به محض اینکه وارد نشست دیگ فائزه شدم ، با فحش ها و فریاد های زشت او مواجه شدم. وی بدین وسیله جمع زنان و دختران نشست دیگ را علیه من تحریک می کرد.

برای بالا بردن مقاومتم و برای اینکه فحش ها و فریاد های جنون آور فائزه که پشت میز نشسته و میکروfon داشت را نشنوم ، همزمان فریاد می زدم : "من بی گناهم ، من بیمارم ، من برق خستم".

نشست بهم ریخته و فائزه درمانده و عاجز از کترول و صحنه گردانی نشست دیگ شده بود. به فرمان او ، زنان اجیر شده بطور خاص حوری سیدی یکی از زنان مسئول شورای رهبری تلاش می کردند مرا روی صندلی بنشانند ، و من برای اینکه تسليم فائزه نشوم ، مقاومت کرده و از نشستن روی صندلی خودداری می کردم.

سرانجام مرا به زور و به طرز وحشیانه روی صندلی نشاندند اما به دلیل مقاومت و گلاویز شدم

به من اطلاع دادند که باید در جلسه آشین ها (زنان لایه دوم شورای رهبری) شرکت کنم ، اما من از حضور در این نشست خودداری کردم.

فائزه محبتکار بعد از اطلاع از این قضیه ، به ۶-۷ نفر از زنان آن جلسه دستور داد با هر روشی که ممکن است مرا به جلسه وی بکشانند ، من خود را در گوشه ای از خوابگاه مخفی کردم ، ولی آن زنان اجیر شده مرا پیدا کرده و در حالیکه من مقاومت می کردم ۴ دست و پای مرا گرفته به زمین می کشانند تا به جلسه فائزه ببرند.

من هرچه به آنها می گفتم : "گردنم درد می کند بگذارید گردن بند طبی خود را بیندم و دست های مرا نکشید که درد گردنم تشدید می شود" ، آنها به شکنجه خود ادامه می دادند.

زنان گماشته شده فائزه محبتکار ، با زور لباس فرم ارتش را بر تنم کرده و همچنان کشان کشان بر زمین می کشیدند.

من که از شقاوت و بی رحمی آنها شوکه شده بودم ، همچنان مقاومت می کردم و از خوابگاه خارج نمی شدم.

آنها گفتند: "خیلی بد می شود دختران و زنان عضو ، تو را اینگونه بینند". در واقع خیلی بد می شد کسی را که رجوی در لایه دوم شورای رهبری رده بندی کرده بود جلوی اعضا رده پایین تر کشان کشان به نشست برد و اینگونه برخورد فاشیستی با یک عضو شورای رهبری ، آبروی رجوی و مناسبات فرقه ای او ریخته می شد و آنها از این موضوع وحشت داشتند.

در نهایت دیدم با توجه به وضعیت گردنم و اینکه دستهایم را می کشیدند و مقاومت باعث و خامت بیماری و در نتیجه به زیان خودم می شد ، به اجبار



تناقضات تو چی هست؟ ناموس رجوی نباید حمل تناقض کند، تو چرا حمل تناقض می کنی؟

اگر از شدت درد، پشت میز اتاق کار هم بمیری نباید در آسایشگاه استراحت کنی و...”.

آنگاه از من خواستند چندبار تکرار کنم که：“من مجاهد هستم”.

شکنجه های روحی و جسمی من بعد از افطار شروع و تا قبل از اذان صبح ادامه داشت، و نفرات آن جمع یکی یکی از شدت خستگی و از روی اعتراض نشست دیگ را ترک کردند و فائزه مجبور شد از من یک تعهدنامه اجباری بگیرد و نشست دیگ شکست خورده اش را تمام کند تا آن جمع بتوانند برای خوردن سحری بروند. در واقع سحری به کمک فائزه آمد.

این ها فقط قسمتی از خاطرات من در یک نشست دیگ با مسئولیت فائزه محبتکار! بود. در آینده از شکنجه هایی خواهم گفت که بر دیگر دختران و زنان اسیر در فرقه رجوی از جمله بر مرجان اکبری وارد می شد.

شکنجه های روحی و جسمی من بعد از افطار شروع و تا قبل از اذان صبح ادامه داشت، و نفرات آن جمع یکی یکی از شدت خستگی و از روی اعتراض نشست دیگ را ترک کردند و فائزه مجبور شد از من یک تعهدنامه اجباری بگیرد و نشست دیگ شکست خورده اش را تمام کند تا آن جمع بتوانند برای خوردن سحری بروند. در واقع سحری به کمک فائزه آمد.

با آنها ، کل لباسهایم را از کمر به بالا خارج کردند. این رخداد که بدلیل زورگویی آنها و مقاومت من بود ، جیغ شدید زنان و دختران حاضر در نشست را به همراه داشت.

چنین صحنه ای واقعاً باعث آبروریزی دستگاه شکنجه و سرکوب رجوی در مناسبات شد.

من از نشستن روی صندلی خودداری می کردم زیرا می دانستم مرا با وجود بیماری شدید وادر می کند به مدت ۵-۶ ساعت در نشست دیگ بمانم.

در این حین ، فائزه به یکی از زنان شورای رهبری پیام داد که به من بگوید از تو داریم فیلم برداری می کنیم... اینها همه برای ترساندن و تسليم کردن من بود.

سرانجام مرا چند نفری روی صندلی نشانده و همزمان یک نفر دستهایم را به سمت پایین می کشاند ، اینکار باعث درد شدیدی روی گردنم می شد و هر چه می گفتم：“گردن بند طبی مرا بدھید گردنم درد می کند”， فائزه زجرکار مانع می شد.

در این میان ، زنی اجیرشده پنهه های داخل گوش مرا درآورد و داخل گوش چیم که پرده آن پاره شده و عفونت شدیدی داشت فریاد زد：“تو چه بیماری هستی که اینقدر مقاومت می کنی؟”.

فائزه زجرکار وقتی دید تا آن زمان داخل گوشم پنهه بوده است و حرفها و فحشهایش را نشنیده ام خیلی دچار حالگیری شدم...

وی بوسیله یادداشت دادن به زنان اجیرشده ، با سوالات متعددی از من تفتيش عقاید می کرد. برای نمونه از من می پرسید：“در آسایشگاه (خوابگاه) به چی فکرمی کنی؟



منتظر بودند تا با وی دیدار کرده و از زبان وی خبری از عزیزان اسیر خود کسب کنند.

انجمن نجات شاخه خوزستان هم تلاش نمود تا در فرصت های مناسب به خواست آنها پاسخ گفته و زمینه دیدار آنها با رستم آبوجبیش که به تازگی بعد از رهایی از فرقه به میهن بازگشته است فراهم نماید.

به همین منظور آقای رستم آبوجبیش به همراه اعضاي انجمن نجات شاخه خوزستان آقایان : اکرامی و حسنی در ساعت اولیه صبح روز پنج شنبه ۹۳/۹/۲۰ ابتدا در خرمشهر و بنا به دعوت آقای سعید علويان که برادرش هادی سالهاست در فرقه اسیراست در منزل ايشان حضور یافتند همچنین در اين ديدار صميمی تعداد ديجري از خانواده اسيران در بنده فرقه از جمله خانواده جاسم شهيدی ، ولید مطوري ، خرم و ايرج رمضانی و مهدى جليليان نيز حضور داشتند .

در ابتدا خانواده های حاضر در اين ديدار با برخوردی گرم و دوستانه به آقای رستم آبوجبیش با خاطر رهایي اش از فرقه اسیرکش رجوی و بازگشتش به خاک وطن تبریک و خيرمقدم گفتند و توضیح دادند رجوی و سران فرقه اش سالهاست ما را از دیدار و هرگونه تماسی با عزیزانمان محروم کرده اند و بازگشت شما به میهن برای ما فرصت بسیار خوبی است تا بطورمستقیم در جريان آخرين اخبار از وضعیت آنها قرار بگیریم .

آقای آبوجبیش که تحت تأثیر برخورد محبت آميز و مهمان نوازی خانواده های اسiran دربند



ديدار رستم آبوجبیش با خانواده های اسiran دربند خرمشهری بعد از بازگشت به میهن

**انجمن نجات مرکز خوزستان ،
يکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۳**

سالهاست که فرقه تروریستی داعشی رجوی با اتخاذ سياست های فرقوی و ضد انسانی راه هرگونه ارتباط مستقیم و غيرمستقیم خانواده های اسiran دربند فرقه خود را با عزیزانشان مسدود نموده است !!

به همین دلیل حالا تنها اميد این خانواده های دردمند برای کسب خبر از سرنوشت عزیزان اسiran همواره این بوده است تا شاید از زبان اسiran رهاشده از اسارت فرقه خبری از سرنوشت عزیزان خود کسب کنند.

بنابراین بعد از اطلاع خانواده های چشم انتظار خوزستانی از رهایی آقای رستم آبوجبیش از فرقه رجوی و بازگشت به خاک میهن بی صبرانه



متاسفانه سران فرقه به آشکارترین شکل اسیران را استثمار و به بیگاری می کشند تا هر چه بیشتر آنها را برای نگه داشتن در عراق مشغول کنند و تمام ترفندها را برای کنترل ذهن آنها بکار می گیرند !!

آقای آبوجبیش همچنین در مورد نحوه جدایی و فرار خود از مناسبات فرقه و کمپ لیبرتی اشاره کرد و گفت متاسفانه اعضاء در وضعیتی روحی نامناسبی به سر می بردند که برای جدایی و نجات خود از فرقه می بایست اول ذهن خود را از تفکرات مخربی که سران فرقه طی سالیان به آنها القاء کردنده خالی کنند.

چون موانع زیادی اعم ذهنی و بعد فیزیکی را بر سر راه هر کدام از اسیران گذاشتند .

مثالاً یکی از موانع ذهنی اعضای اسیر در فرقه مبهم بودن شرایط دنیای بیرون از مناسبات و پس دیوار کمپ و ترساندن از آن بود !

چون سران فرقه مرتب به ما می گفتند کسانی که از ما جدا و نزد ارتش عراق رفته اند مورد تجاوز ، شکنجه ، و در نهایت تحويل ایران داده می شوند تا تکه بزرگ آنها گوششان باشد !!

از لحاظ فیزیکی هم که افراد نگهبان و دیوارهای با کیسه شن ایجاد کرده اند ولی من بالاخره با شکستن این ذهنیت توانستم از کمپ لیبرتی فرار کنم تا بیش از این خودم را آلوده ننگ و خیانت رجوی نکنم ، در حالیکه برخلاف دروغ های رجوی وقتی خودم را به ارتش عراق رساندم آنها با نهایت

قرار گرفته بود ابتدا گفت : اول باید به این واقعیت اشاره کنم که من از برخورد گرم و صمیمانه شما بسیار متعجب شدم و از این بابت مرا شرمنده خود کردید ، و متوجه شدم که چقدر رجوى شیاد طی این سالیان به ما دروغ گفته بارها به ما می گفت کسانی که از ما جدا و به ایران بازمی گردند از طرف خانواده ها تحریم و مورد تنفر قرار می گیرند !!

در ادامه آقای آبوجبیش به نحوه فریب و پیوستن خود به فرقه رجوى اشاره کرد و گفت من اسیر جنگی در اردوگاه عراق بودم ، که سال ۶۸ چند تن از سران فرقه از جمله مهدی ابریشمچی برای فریب و جذب اسراء مرتب به اردوگاههای جنگی رفت و آمد می کردند و متاسفانه به بهانه تامین شرایط زندگی بهتر و نهایتاً بازگشت سریعتر آنها به ایران !!

من و عده ای دیگری از اسیران را فریب و با خود به اردوگاه اشرف بردند.

در واقع بدون اینکه خود مطلع باشیم از اسارتی به اسارتی دیگر که بعد از ورود به آن متوجه شدیم پایانی برآن متصور نیست برده شدیم ، در ادامه وی در مورد بکارگیری انواع ترفند ها و فریبکاریهای سران فرقه برای به بند کشیدن هرچه بیشتر ذهنی وعینی اسیران ، نگه داشتن در مناسبات و به کشتن داده بیهوده آنها در جهت اهداف شوم فرقه توضیحاتی دادند. وی همچنین در مورد وضعیت اسفبار اسیران در لیبرتی توضیح داد و گفت



در پایان این دیدار خانواده‌های حاضر از تلاش‌های انجمن نجات و همچنین از آقای رستم آبوغیش بخاطر حضورش در جمع آنها تشکر کردند و گفتند ما عزم خود را جزم کردیم که تا نجات عزیزانمان از فرقه خدوانسانی و داعش گونه رجوی دست از تلاش برنداریم. در پایان این دیدار گرم و صمیمی به دعوت خانواده‌ها اعضای انجمن و آقای آبوغیش ناهار را در منزل آقای علی‌یان صرف و برای نجات همه اسیران دربند فرقه دعا کردند.

پاشنه آشیل فرقه رجوی
خانواده و ارتباط عاطفی
آنها با فرزندانشان است
چون رجوی همواره در
ضدیت هیستریک با
خانواده هاست چرا که وی
تأثیرات ملاقات آنها با
فرزندانشان در سال ۸۲ و
موافقی که در سالهای
۸۹ تا ۹۰ پشت کمپ
شرف تحصن کرده بودند
را روی اسیران دیده بود.

احترام با من برخورد کردند و صادقانه بگوییم از لحظه ورودم به ایران هم نه تنها تکه بزرگم گوشم نشد بلکه همواره با برخورد انسانی و رفتار اسلامی مسئولین نظام مواجهه شدم.

در ادامه آقای آبوغیش به سئوالات مختلف و همچنین در مورد نقش موثر خانواده‌ها در نجات فرزندانشان تأکید کرد و گفت پاشنه آشیل فرقه رجوی خانواده و ارتباط عاطفی آنها با فرزندانشان است چون رجوی همواره در ضدیت هیستریک با خانواده‌های هاست چرا که وی تأثیرات ملاقات آنها با فرزندانشان در سال ۸۲ و موافقی که در سالهای ۸۹ تا ۹۰ پشت کمپ اشرف تحصن کرده بودند را روی اسیران دیده بود.

وی همچنین به پیام زیونانه اخیر رجوی به ساکنان اسیر در لیبرتی تحت عنوان بیانیه "چراغ خاموش" اشاره کرد و گفت که این هم یکی دیگر از ترفند‌های وی برای به بند کشیدن هر چه بیشتر اسیران و هم برای فرو نشاندن اعتراضات روزمره آنها نسبت به وضعیت مبهوم شان است و تهدید به ترور جداسدگان از سوی وی فقط مصرف داخلی و برای ترساندن آنهاست که مبادا فکر جدایی به سرشان بزند !!

هرچند تا الان مجبورشده تعدادی از اسیران را به آلبانی بفرستد که آن هم بخاطر فشارهای فزاینده داخلی و بیرونی است که باز حاصل تلاش و پیگیری خانواده‌ها و افشاگریهای اعضای جداسده است.



مورد دیگر در خصوص افرادی می باشد که برای یافتن کار به کشورهای همسایه ایران می رفتد و در آنجا با عناصر و کانال های فرقه رجوی برخورد می کردند و با کلک و دروغ به آنان می گفتند که اگر چند ماه در عراق با ما کار کنید می توانیم مسئله پناهندگی شما را حل نموده و به هر جا که بخواهید شما را می فرستیم و با این فریبکاری افراد را به عراق منتقل و دیگر راه بازگشتی برای آنان متصور نبود که در این زمینه نفرات زیادی دست به افشاگری زدند نکته مهم این مسئله در اینجا است که مسعود رجوی در نشست های اشرف به مریم قجر می گفت که اینان چه افرادی هستند؟

هر چه دزد و قاچاقچی و قاتل بوده را برای من آوردم؟

از همان ابتدا در درون مناسبات نام این افراد به نام کاریاب شناخته شد و این مسئله برای مسئولین مشخص شد که باید روی آنها زیاد حساب باز کرد و مسئولیتی هم به آنها داده نمی شد.

طیف دیگر، افرادی بودند که مسئولین فرقه در زمان صدام به اردوگاه های اسرا رفته و با مغز شویی و همکاری استخبارات عراق اسرای ایرانی را فریب داده و به اردوگاه اشرف آورده اند این گروه هم القاب و عنایون خاص خودشان را داشتند و به آنها اسرای پیوسته می گفتند و در مناسبات درونی برای مسئولین مشخص بود که این افراد مورد اعتماد نبوده و به همین خاطر نایستی مسئولیتی به آنان داده شود و به آنها لمپن لقب دادند و حتی رجوی در نشست های اشرف به آنان می گفت که شما فرهنگ لمپنیزم را به مناسبات فرقه آوردهید و آن را به لجن کشانید.

آشنایی با القاب و عنایون اعضا در مناسبات فرقه رجوی ها

انجمان نجات مرکز مازندران ، پنجشنبه

۴ دی ۱۳۹۳

رجوی های شیاد در مناسبات سازمان برای همه اعضا خود نامی را انتخاب نموده تا بتواند هم شخصیت شان را خرد کند و هم آنان را بدھکار تشکیلات نگهدارد در این قسمت قصد داریم به گوشه ای از این القاب و عنایون داده شده اشاره کنیم تا متوجه شوید که مناسبات فرقه بر روی چه چیزی بنا شده و این نام گذاری در پرونده تشکیلاتی افراد قید می گردد و بر اساس آن به فرد کار و مسئولیت واگذار می شود.

طیفی که بیشتر از همه مورد اذیت و آزار تشکیلاتی قرار می گرفتند افرادی بودند که در ایران زندانی بوده و بعد از آزادی، خودشان را به سازمان ملحق می نمودند. مسئولین فرقه ابتدا شخصیت او را خرد نموده و به او می گفتند که شما تفاله و نشخوار شده حکومت ایران هستید و حتماً در درون زندان خیانت کرده و به کسی تیر خلاص زدید که حکومت شما را اعدام نکرده و از زندان آزاد شدید چرا این کار در مورد دیگر زندانیان انجام نگرفته است.

سران فرقه با این شیوه سعی داشتند به فرد بقولانند که او خیانت کرده و باید تا ابد بدھکار تشکیلات باشد ولی این خیال خامی بود چرا که خیلی از این نفرات بعد از این برخورد مسئله دار شده و راه خروج از فرقه را در پیش گرفتند ولی رهبران فرقه همچنان بر اجرای این خط اصرار داشتند و این مسئله بعنوان یک خط قرمز در پرونده تشکیلاتی فرد ثبت می شد.



از سوابق مبارزاتی شان را انتشار می دهند و عاشق سینه چاک انقلاب طلاق مریم نام گذاری می شوند؟

اگر کسی شناختی از روابط و مناسبات فرقه رجوی شیاد نداشته باشد فکر می کند که در چه مناسبات پاکی این افراد رشد می کنند وقتی همه افراد در مناسبات فرقه بر اساس نامی که به آنان اطلاق می شود بالا و پایین می شوند دیگر می توان گفت که مناسبات فرقه بر اساس توانایی افراد به کسی رده و مسئولیت نمی دهد ملاک در چنگ زدن به انقلاب طلاق مریم و خود شیرینی برای رجوی ها است که یک فرد می تواند یک شبه از نرdban ترقی بالا رود ولی همه افراد پرونده سیاهی با نام های مختلف در مناسبات فرقه دارند که در صورت خروج از مناسبات آنرا بر علیه فرد استفاده نموده و او را مورد شدیدترین توهین ها قرار می دهند.

عبدالله افغان

**رجوی های شیاد در
مناسبات سازمان برای
همه اعضای خود نامی را
انتخاب نموده تا بتواند هم
شخصیت شان را خرد کند
و هم آنان را بدھکار
تشکیلات نگهدارد.**

به همین خاطر بعد از مدتی صدای همه مسئولین در آمده بود که چرا سران فرقه دست به این کار زند و علنأ در نشست های درونی عنوان می نمودند که این افراد مناسبات ما را شخم زند و با این شیوه رجوی ها بر سر مسئولین زده و عنوان می کرد که شما چطور نمی توانید با کمک انقلاب مریم !! آنان انقلاب کنند یعنی اینکه هم به افراد جدید توهین می نمود و هم مسئولین خودش را زیر تیغ می برد که عرضه این کار را ندارند و آنان را همیشه زیر تیغ انتقاد قرار می داد.

در مناسبات فرقه افراد دیگری هم بودند که از این نامگذاری در امان نبودند بطور مثال افرادی که از اروپا و آمریکا به عراق می آمدند در نشست های تشکیلاتی به آنان سوسل و سمبل بورژوازی در مناسبات می گفتند که فرهنگ راحت طلبی و دوستی با بورژوازی را رواج می دهند و نمی توان در امر مبارزه و در سختی ها روی شان حساب باز کرد.

طیف دیگر افرادی که قبلاً در ایران دارای شغل رانندگی بودند و در مناسبات فرقه هم این کار را ادامه می دادند مسئولین فرقه به آنان شوفر می گفتند که همیشه دارای یک فرهنگ لمپنی است و قبل از اینکه مجاهد باشند شوفر بودند و هم چنان این فرهنگ را در مناسبات وارد کرده و دیگر نمی خواهند آنرا تغییر دهند و این مارک همیشه روی سر افراد راننده بوده و دیگر کسی در مناسبات آنان را به رسمیت نمی شناخت.

حال چگونه است که این افراد در مناسبات فرقه اینگونه زیر شدیدترین تهمت ها قرار دارند و حتی در سپردن مسئولیت به این افراد مسئولین شک دارند به یکباره بعد از مرگش شان انسان مبارز و مجاهد بی بازگشت لقب می گیرند و چندین صفحه



آمریکایی در قرارگاه اشرف ، به همراه مصاحبت و مصافحت با فهیمه اروانی ، زهره اخیانی ، مژگان پارسایی ، فرشته یگانه ، صدیقه حسینی ... سوء استفاده از برنامه سازی توسط دختران و پسران جوان و اهدای هدیه هایی اعم از طلا و ... نیروهای آمریکایی ماتم زده و حیران در بیانهای عراق را مغلوب خود کردند . همانهایی که هنوز هم دلار های کثیف این فرقه زیر زبانشان مزه می کند و گاه گداری با گرفتن چندین هزار دلار از آمریکا به فرانسه آمد و متن های آماده شده تشکیلات فرقه ای رجوی را نشخوار می کنند .

قطعاً نمایش پرداخت پول تو جیبی به اعضاء در آستانه خروج از لیبرتی تفسیری جدای از عملکرد سنتی این فرقه نخواهد داشت ، ولی همین چندر غاز برای آنانی که سالیان دستشان به پول نرسیده است ، یاد آور روزهای خوش زندگی است و جرقه ای در درونشان به سمت دنیایی عاری از قید و بندهای تشکیلاتی روشن خواهد کرد .

البته یاد آور می شویم یقیناً وجود پرداختی به اعضای رده بالا بیش از ۲۰۰ دلار بوده است . که جمعاً مبلغی بیش از ۵۰۰ هزار دلار را بین اعضاء تقسیم کرده بودند . بازپس گیری این چندرغاز ۲۰۰ دلاری از اعضای رده پایین عملاً جلوی هر گونه حرکت آزادانه را در ابتدای کار از آنها سلب کرده است . طبعاً این افراد برای گشت و گذاری کوتاه و استفاده از امکانات شهری اعم از رستوران ، موزه ، پارک و اینترنت نیاز به صرف مبالغی دارند که با خالی شدن جیب هایشان توسط فرقه رجوی فعلاً و قحراً درآمپاس قرار گرفته اند .

قطعاً بعد از اشرف و لیبرتی تشکیلات فرقه ای رجوی هیچ توانی در به بند کشیدن این افراد نخواهد داشت و اگر قید و بندهایی که رجوی در اذهانشان ایجاد کرده است را بشکنند ، دنیایی آزاد در جلو رویشان قرار خواهد گرفت . با آرزوی دنیایی آزاد برای همه دوستان قدیمی ...

حسینی



رجوى به پول تو جيبي اعضا در آلباني هم رحم نمي کند!

انجمن نجات مرکز تهران ، چهارشنبه ۱۰ دی ۱۳۹۳

بر اساس اطلاعات موثق رسیده از آلبانی - تیرانا ، سران تشکیلات فرقه ای رجوی تمام پول تو جیبی ای که به اعضا خود در حین انتقال از عراق به آلبانی داده بودند را بازپس گرفتند .

در پی افشاگری های جداسده ها مبنی بر عدم استیفای حقوق شخصی افراد در درون تشکیلات فرقه ای رجوی ، در پروژه انتقال ۲۳۳ نفری که به تازگی به آلبانی منتقل شده اند ، سیستم تشکیلات فرقه ای رجوی با پرداخت ۲۰۰ دلار به هر نفر در پی خرید آبرویی هر چند بی ارزش برای خود نزد مقامات بین المللی کمیساریا و ... برآمده است . سران فرقه رجوی به سیاق گذشته و روابطی که با نیروهای آمریکایی در قرارگاه اشرف برقرار کرده بودند با حرکتهایی سوری قصد موجه جلوه دادن خود را دارند . مصاحبه های تعیین هویت توسط نیروهای آمریکایی در قرارگاه اشرف یادمان نمی رود . نیروهای آمریکایی برای همه اعضای قرارگاه اشرف آی دی کارت صادر کردن و شخصاً و فرد به فرد به افراد تحويل دادند و گفتند این آی دی کارت ها نباید از شما جدا شود . ولی به محض خروج از مقر آمریکایی ها تشکیلات رجوی همه آی دی کارت ها را جمع کرد . و با برپایی میهمانی های آنچنانی برای فرماندهان نیروهای



کنند و آخر سر هم بنابر عبارت پایانی به غایت مضمون سخنگوی ناپیدا یا مجازی! سازمان در پایتخت نروژ! «الگویی برای امنیت تمام عراق»! گردند؟.

قبل از ورود به بحثمان در این رابطه لطفا اول این موضعگیری سازمان مجاهدین را در سایت رسمی این سازمان در لینک زیر بخوانید:

<http://www.mojahedin.org/news/>
/ ۱۴۷۹۸۴

سازمان مجاهدین سالها است که به دنبال گنجانده شدن نامش در لیستهای تروریستی، دیگر به امضای خودش اطلاعیه نمی دهد و این را حتی بعد از خروج از لیست هم ادامه می دهد زیرا می داند که دولتها هنوز هم آن سازمان را به عنوان یک سازمان تروریست می دانند بطوریکه حتی در آمریکا هم دفترش به نام شورا می باشد نه سازمان. وقتی موضوعی کاملاً مربوط به سازمان است و می بیند نمی توانند با امضای شورا اطلاعیه بدهد متنی را بدون هیچ امضایی با عنوان اظهارات سخنگوی سازمان مجاهدین خلق ایران در اسلو منتشر می کنند.

از قدیم هم که ما در بخش روابط خارجی سازمان و در عراق بودیم وقتی مسئله ای پیش می آمد یا حرفی علیه سازمان مجاهدین خلق توسط دولت عراق یا افراد یا جریانهای دیگر گفته می شد از همان عراق و برای موضعگیری در قبال آن به نام سخنگوی سازمان در اسلو بیانیه صادر می کردند که من خودم در بخش روابط شاهد نوشتمن و انتشار آن از همان عراق توسط عباس داوری و حسین مدنی بودم زیرا بعد از هر بار تدوین متن یاد شده یعنی اظهارات سخنگوی مجاهدین در اسلو آن را برای ترجمه به من می دادند که من نیز بعد از ترجمه آن به عربی چهت انتشار آن در

درخواست مضمون برگرداندن ده درصد سلاح زمینه سازی برای کشتار ساکنان لیبرتی

قربانعلی حسین نژاد، وبالاگ امید آزادی، پاریس، ۷ دی ماه ۱۳۹۳

گدایی سلاح ده درصدی رجوی و ماجرا ده و خانه کددخدا!!!

درخواست مسلح کردن ساکنان لیبرتی زمینه سازی دیگر رجوی برای کشتاری دیگر

ترفند کهنه «سخنگو در اسلو» به جای اطلاعیه سازمان چرا؟ و چگونه ما با این عنوان از عراق! موضعگیری صادر می کردیم

به قلم قربانعلی حسین نژاد عضو قدیمی و مترجم ارشد جدا شده بخش روابط خارجی سازمان مجاهدین

سازمان مجاهدین طی یک موضعگیری به تاریخ ۴ دی ۱۳۹۳ به نام سخنگوی سازمان در اسلو! که در سایت رسمی این سازمان منتشر شده از دولت آمریکا با کمی توب و تشر و کلی گلایه و آه و ناله از خلف وعده این جهانخواره قدیم! خواسته است که فقط ده درصد سلاحهای انفرادی و نیز ضد هوایی!! های گرفته شده از سازمان در اشرف بعد از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ را به این سازمان برگرداند بدون اینکه معلوم کند چگونه دوشکا و سلاحهای سنگین ضد هوایی که جزء این ده درصد خواسته شده اند سلاح دفاع فردی است!

و چگونه می خواهند با دوشکا و سلاحهای ضد هوایی موشکهای احتمالی تروریستهای حکومت ایران را نرسیده به لیبرتی در هوا شکار



فکر کنم حتی مرغ پخته در سفرهٔ مریم رجوی در اور هم برای این سخنان سخنگوی سازمان در اسلو!! که در حقیقت سخنان خود مسعود رجوی است خنده اش می‌گیرد.

سخنگوی سازمان مجاهدین در اسلو ولی از عراق! می‌گوید آمریکا ده درصد سلاحهایمان را به ما بدهد!!

یعنی به جای اینکه درخواست واقعی و ممکن و شدنی یعنی انتقال فوری همه و یا حداقل بیماران و آنها که از قبل مدارک پناهندگی کشورهای اروپا و آمریکا را دارند بدده با یک فرار به جلوی احتمانه و خنده دار و در راستای همان نیت شوم اعلام شده رسمی در آبان ماه گذشته توسط شخص رجوی مبنی بر نگهداشت افراد تا کشته شدن همگی در قتلگاه لیبرتی و جهنم عراق و ایجاد درگیری با نیروهای عراقی همچون گداهای ده شاهی گیر خواستار فقط ده درصد سلاحهایی که از صدام گرفته بودند شده است آن هم از آمریکا که خودشان سلاحها را تحويلش داده اند (بدبخت تر از گدای ده شاهی گیر!) و این درخواست یعنی درخواست مسلح کردن ساکنان اسیر و زندانی لیبرتی دقیقاً یک زمینه سازی دیگر برای کشتاری دیگر در آن زندان رجوی ساخته با بهانه دادن به دست تروریستهای رژیم پروردۀ در عراق می‌باشد.

آمریکا دست اندر کار بیرون بردن آنان از عراق است تازه اینها از او می‌خواهند به آنها در خاک عراق سلاح بدده!!

این را می‌گویند: بارو را به ده راه نمی‌دهند سراغ خانه کدخدا را می‌گیرد!!!

رسانه‌های عربی سازمان اقدام می‌کردم و نیز برای انتشار در رسانه‌های عراقی و عربی آن را تحويل قسمت مطبوعات می‌دادم.

این موضوع در بخش روابط خارجی سازمان در عراق و بویژه در ده سال اخیر در قرارگاه اشرف به قدری تکراری و مسخره بود که همیشه موضوع جوک و خنده و تفنن ما افراد روابط خارجی می‌شد از جمله می‌گفتیم: سخنگوی مجاهدین در همینجا! در اسلو! یا با اشاره به اتفاقی که در اشرف این موضعگیری به نام سخنگوی سازمان در اسلو نوشته می‌شد می‌گفتیم: برو اسلو! یک نسخه از موضعگیری سازمان را بگیر!

علت صدور موضعگیری وقتی موضوع به طور اخص به مجاهدین مربوط می‌شود به نام سخنگوی مجاهدین در اسلو این است که سازمان تنها در نروژ که جزء اتحادیه اروپا نیست می‌تواند به نام سازمان مجاهدین و نه شورا اطلاعیه بدده زیرا فعالیتشان به نام سازمان مجاهدین خلق در کشورهای اتحادیه اروپا منوع است و بارها دولتها از جمله انگلستان و فرانسه اعلام کرده اند که خروج نام این سازمان از لیست تروریستی صرفاً یک اقدام قضائی است ولی دولتها همچنان این سازمان را یک سازمان تروریستی می‌دانند.

رجوی در این اطلاعیه اش این بار بعد از ما جدا شدگان و مخالفان و متقدان که همه را به عضویت وزارت اطلاعات در آورده و دستور قتل همه را صادر کرده است حالا دولت آمریکا و نمایندگانش در عراق برای امور لیبرتی و سازمان ملل و نمایندگانش در عراق و تمام دفاتر آن و کمیساریا را هم ضمن نثار ناسزاها به همه شان آنان را هم اعضای وزارت اطلاعات رژیم! کرده و باید منتظر صدور فرمان قتل آنها هم از سوی رجوی باشیم!!



دلسوخته رفتم و ضممن عرض ادب و سلام پرسیدم
مادر چه خبر؟

مادرکه حقیقتاً بوی مادر خدا بیامرز مرا می داد رو
به من صمیمانه گفت : " داشتم به مادرت فکر
می کردم که الان با وجود بازگشت چقدر
خوشحال است . ای کاش فرزندم وحید یوسفی هم
خدا کند که برگردد و من از نگرانی شبانه روزی در
بیایم . خدا رجوی را لعنت کند که فرزندم را که
برای اشتغال بهتر به ترکیه رفته بود ؛ فریبانه ربود و
به عراق برد و به اسارت کشید . توی یکی از
درگیریهای اشرف سابق هم دیدم که فرزندم را به
جلو هل دادند و جراحاتی برداشته بود . از آن تاریخ
خواب آرام ندارم و یک ریز رجوی را لعنت می کنم
که به چه گناهی فرزندم را بخاطر جاه طلبی خود
به اسارت کشیده است "

اشک که از چشمان مادر جاری شد دیگر تحملم
طاق آمده بود و به ایشان گفتم " مادرجان .

شکر خدا که زنده هستی و فرزندت می تواند دیگر
بار تو را درآغوش بکشد ولیکن مادر من عمرش را
به شما داده و از این بابت درد و غم و غصه
سنگینی روی دلم احساس می کنم . الهی که
مادرم مرا ببخشد . چونکه رجوی خائن باعث و بانی
شد مادرم سالیان چشم انتظار من باشد و متأسفانه
از دوری من دق کند ."

مادر یوسفی که دید اشکم درآمده تلاش وافری
داشت که مرا آرام کند و زیرلپ زمزمه کنان با تمام
وجودش رجوی را نفرین کرد و از دفتر انجمن
خارج شد . لعنت خدا بر رجوی خائن و همدستانش .



این مادر به چه می اندیشد؟

انجمن نجات مرکز گیلان ، ۱۰ دی ۱۳۹۳

متعاقب بازگشتم به وطن و آغوش پرمهر خانواده به
کرات با خانواده های اعضای گرفتار در فرقه بدنام
رجوی در دفتر انجمن نجات گیلان دیدار
صمیمانه ای داشتم . هریک از این عزیزان چشم
انتظار جویای وضعیت اسرای خود در تشکیلات
mafیای رجوی بودند و من با جان و دل حرفهایشان
را گوش می دادم و بعنوان یک فرزند کوچکشان
برایشان توضیح می دادم شاید که قدری از نگرانی
خارج شده و امیدوارانه به لحظه وصل و در آغوش
گرفتن عزیزانشان بیندیشند .

درآن جمع صمیمی چهره و حالات یک مادر بسیار
برایم تکان دهنده بود . هرچند سکوت بود و تماماً
به من خیره شده بود ولیکن احساس می کردم دنیا
حرف برای گفتن دارد و درد جانکاهی را دارد
تحمل می کند .

جلسه که تمام شد دیدم این مادر در جایش نشسته
و قصد ترک جلسه را ندارد . جمع حاضر در جلسه
که از دفتر انجمن خارج شدند خودم نزد این مادر



پس مسئله‌ی حق حاکمیت دولت عراق که با انجام انتخابات بر سر کار است ، چگونه اعمال می‌شود؟

شما از یک طرف از آمریکا می‌خواهید که با نقض حق حاکمیت یک دولت عضو رسمی سازمان ملل متحد در کنار شما حضور داشته باشد و از طرف دیگر می‌گوئید که چون کلاه آبی‌های آمریکا درگیر مسائل دیگرند ، پس خود ما را مسلح کنید!

در رد این درخواست شما که حکم سرپیچی و عدم وفا بعهد در مورد قرارهایتان با دولت عراق ، سازمان ملل متحد و ... داشته و با هدف بسیار مشکوک نگهداری این اسرا در کمپ لیبرتی عراق صورت می‌گیرد باید گفت که شما و اسرایتان در شکل و شمایل یک پناهنده وارد عراق نشده اید و تنها در زد و بند شفاهی با شخص صدام و برای کمک به او در جنگ ایران و عراق وارد عراق شده اید و جزو زواید ارتش صدام بحساب می‌آید !

اگر به این ادعای نگارنده اعتراض دارید ، مدارک خود دال بر کسب حقوق پناهندگی از عراق آن زمان را ارائه دهید و آنگاه مدعی شوید که از حقوق پناهندگی برخوردارید!

اگر شما واقعاً دارای حق پناهندگی در عراق بودید ، چگونه افراد خارج شده از سازمان می‌باشند ب مجرم ورود غیر مجاز به حاکم عراق ، تحمل ۹ سال زندان رژیم صدام را بنمایند؟ پس نداشته اید و این



**صلاح لیبرتی نشینان دریافت سلاح
نیست!**

**صابر (ایمیل وامضا محفوظ) ، تبریز ،
۱۱ دی ۹۳**

خانم‌ها و آقایان مسئولین فرقه‌ی رجوی!

ضرورت حضورتان در لیبرتی عراق چیست که محتاج کلاه آبی‌های آمریکائی و یا اعاده‌ی ۱۷ هزار سلاح انفرادی برای ۲۰۰۰ نفر! ساکن لیبرتی که به ادعای خودتان تعداد قابل توجهی از آنان هم گرفتار بیماری‌های صعب العلاج هستند ، باشید؟

چه اصرار بزرگی بر حضور آمریکا در حول و حوش خودتان دارید و آنهم درکشواری که متعلق بشما نیست و کمپی که خیلی زودتر از اینها موظف بودید که تخلیه اش کنید؟



رجوی دانستید و بنابراین با گفتن زنده باد کمیت! ، در صدد پایین آوردن هرچه بیشتر کیفیت بودید تا مبادا حضور افراد کیفی باعث اعتراضات غیر قابل کنترل به دیوانه بازی ها و شارلاتانیزم رجوی گردد!

پس این همه از کنوانسیون ژنو که ابدأ شامل حال شما نبوده و تنها فشارهای آمریکا سبب طولانی شدن اقامت غیر قانونی تان در عراق گردیده ، صحبت نکنید!

شما موقعیتی جز زوائد ارتش شکست خورده ای صدام ندارید و اگر اسیر جنگی شمرده می شوید که آمریکا و همکارانش بعنوان اشغالگران و فاتح جنگ آنجا را ترک کرده و وظایف؟؟!! خودرا به دولت عراق منتقل کرده اند که طبعاً می تواند در داخل خود کمپ تردد همه جانبه داشته و اجازه ای تشكیل یابی و اجرای سلسله مراتب تشکیلاتی و فرماندهی را بشما ندهد که عملاً داده و شما که در انحصار طلبی شهره ای آفاق هستید و با وجود دخالت های وسیعی که در امور داخلی این کشور می کنید ، منت بزرگی برگردان شما بعنوان یک تشكیلات دارد!

اصلأً در کدام برهه از تاریخ و جغرافی دیده و شنیده اید که اسرای جنگی مانند شما ، خارج از اراده ای مسئولیتی که از طرف دولت (صاحب خانه) انتخاب می شوند ، این حق را داشته باشند که از یک فراری مجھول المکانی بنام مسعود رجوی که دشمن آن دولت نیز هست ،

عدم تهییه ای مدارک سکونت در عراق بطور خائنانه ای در این راستا بوده که اعضای تان جرأت بیرون رفتن از عراق و ترک سازمان را نداشته باشند!

یعنی بموجب قانون نوشته یا ننوشته ای ، اعضای شما بدون آنکه بدانند ، حق استغفا از سازمان را نداشته اند !

چه اگر اینطور نبود ، شما مثل سایر سازمان های سیاسی از خروج اعضای ناراضی و پرتردید خود استقبال می کردید تا مثلاً صفوف خود را از افراد ضعیف و مرد پاک کنید و چاره ای این کار اخذ مجوز پناهندگی برای آنان بود که با توجه به روابط بسیار نزدیک خود با صدام ، این کار براحتی برای شما میسر بود که نکردید!

شما عمداً این کار را نکردید و به کمیت افراد اهمیت داده و کاری به کیفیت و میزان خلوص آنها نداشتید و چرا؟

جواب ساده است :

شما از این انسان های مفلوک و فریب خورده بعنوان گوشت دم توب استفاده می کردید - و حالا هم می خواهید بکنید - و چون شخصی غیر از مسعود رجوی حق اندیشیدن و تصمیم گیری را نداشته و ندارد ، احتیاج به کیفیت نداشتید که هیچ ، بلکه آنرا برخلاف منویات کیش شخصیت و خود شیفتگی و خویشتن محور انگاری مسعود



آیا فکر نمی کنید مطالب این وبسایت ها ، قبل از اینکه نشان از خوف و وحشت حکومت ایران باشد ، در جهت افشاء نقشه ها و منویات شما و آشکار کردن این امر که مردم ایران و دیگران بدانند که حکومت ایران با چه جریان و باکدامین طرز تفکر مواجه است که خود را تنها آلتراستیو و اپوزیسیون می داند و آیا این نوشته ها بار بشدت خد تبلیغی نداشته و گام موفقی در رسوا کردن "تنها آلتراستیو" نیست که شما ساده لوحانه و یا بطور شیطنت آمیز به این قبیل نوشته ها متهم شده و خود زنی می کنید؟!

نوشته ای "ایران دیده بان" و سایرین ، قبل از آنکه نشانه ای وحشت حکومت ایران از مسلح شدن خیالی شما باشد ، در حکم فرود ضربت مهلکی بر شما بوده و از منظر منافع فرقوی شما منفی و ضد تبلیغ است!

در پایان ، من نیز مثل دیگران که بارها چاره ای واقعی حفظ جان این اسرای لیبرتی را تنها در انتقال آنان به کشورهای دیگر دانسته اند ، بار دیگر این توصیه را بشما می کنم ولی می دانم که هدف شما هر چه هم که باشد ، حفظ جان این گروگانهای رجوی در لیبرتی عراق نمی باشد!

خط و ربط گرفته و خارج از کنترل سیاسی و امنیتی نیروهای دولتی مسئول کمپ باشند!

آیا افراد ارتش شکست خورده ای صدام که جزو شهروندان عراقی بشمار می روند ، در کشور متعلق به خودشان از این مزايا و امکاناتی برخوردار هستند که شما بعنوان خارجی های مورد مخالفت مردم و دولت عراق برخوردارید و در مقابل اینهمه گلایه از آمریکا کرده و عملاً به سازمان ملل متحد هم توهین می کنید؟

این درست است که آمریکا تا حدودی از وجود شما بعنوان اهرم فشار بر علیه ایران استفاده می کند ولی نمی دانید که ارزش شما در پیش حکومت آمریکا در حد واندازه ای نیست که تصور می کنید و بنابراین توقعات زیاده ای از او دارید!

بنظر می رسد که با تحلیل غلط مقام و جایگاه خود در پیش آمریکا ، از کوپنی که در پیش آنها دارید ، بیشتر استفاده می کنید و بدتر اینکه در جنگ و جدل با واقعیات ، پارامتر مهمتری بنام دولت عراق را از نظر می اندازید که کاری است سخت احمقانه!

شما در نوشته ای که با تیتر "برق سلاح و..." انتشار داده اید ، صحبت از خوف و وحشت حکومتیان ایران به میان آورده و نقل قولی هم از پاره ای وبسایت ها منتشر کرده اید!



که در بررسی‌ها مشخص شد راننده نیسان براثر اصابت گلوله داخل خودرو کشته شده و جسد فرزند ۱۷ ساله وی نیز در حاشیه جاده کشیده شد که احتمال تیراندازی و قتل آنان از سوی مهاجمان متصور است. هم‌چنین، سرهنگ جهانگیر کریمی، معاون اجتماعی فرمانده انتظامی استان اصفهان در همین ارتباط گفت: سارقان همچنان تحت تعقیب قرار دارند اما معلوم نیست در مرزهای جغرافیایی استان اصفهان باشند. اما این جنایت آشکار و سرقت مسلح‌انه با استقبال گسترده عناصر ضد انقلاب و بویژه تروریستهای منافق رو به رو شد و گروهک در سایت خود با مسربت از سرقت مسلح‌انه بانک و اقدام جنایتکارانه سارقان در به شهادت رساندن ماموران انتظامی و مردم عادی استقبال کرده و مدعی شدند که این جنایت یک اقدام اعتراضی علیه نظام اسلامی و سپاه بوده و حتی مردم عادی که در این جنایت نیز به شهادت رسیده‌اند نیز سپاهی و عامل نظام عنوان کرد و باز مدعی شد که این اقدام جنایتکارانه امنیت منطقه را به هم ریخته است. اینکه گروهک تروریستی منافقین از چند سارق مسلح بانک حمایت کند و از اقدام جنایتکارانه آنها در کشتار مردم عادی و ماموران انتظامی ذوق زده شود و به اقدام مشتبه راهزن در برهم زدن امنیت بخشی از خاک کشور امید بیند، نشانه‌ای از درماندگی و بیچارگی این گروهک دارد. تروریستهای تشکیلات رجوی چنان دچار یأس و سرخوردگی شده‌اند که به هر مورد جزئی و بی اهمیتی دل خوش می‌کنند که شاید اتفاقی بیفتد و از این وضعیت چیزی نصیب گروهک مفلوکشان شود اینکه رجوى فکر کند با سرقت مسلح‌انه از یک بانک، امنیت کشور به خطر می‌افتد و منطقه نا آرام می‌شود و مردم علیه نظام قیام می‌کنند باز نشانه‌ای از توهمندی غریب سرکردگان است و حکایت از آن دارد که هیچ گروه تروریستی غیر از منافقین چنین توانمندی در خیال بافی ندارند.

سوژه جدید توهمنافقین

مجاهدین دات کام ، تهران، ۸ دی ۹۳

جنایت آشکار چند سارق مسلح بانک در شهرستان خمین موجب خوشحالی و ذوق زدگی ضد انقلاب و به خصوص گروهک تروریستی منافقین روبه رو شد. ساعت ۱۷:۵۰ شنبه (۶ دی) مأموران پاسگاه انتظامی کنار رودخانه و یگان امداد منطقه گلپایگان با توجه به تیراندازی سارقان مسلح بانک به پلیس در شهرستان خمین، در هنگام گشت و کترل در محور سعید آباد- خمین به یک دستگاه خودرو تیبا سفیدرنگ که چهار سرنشین داشت، مشکوک شدند. سارقان مسلح بانک پس از اعلام ایست از سوی پلیس اقدام به تیراندازی کردند که طی آن سه نفر از ماموران مجرح شدند و یک نفر به شهادت رسید، سارقان مسلح پس از این اقدام خونین به سمت گلپایگان متواری شدند. پس از وقوع این درگیری، طرح مهار در گلپایگان با حضور جانشین فرمانده انتظامی این شهرستان به همراه دو اکیپ از آگاهی و راهور اجرا و عوامل انتظامی مجرمان را در میدان معلم مشاهده و درگیر می‌شوند. در این اقدام جنون‌آمیز، سارقان با بستن رگبار به سمت ماموران جانشین فرمانده انتظامی شهرستان و یکی از کارکنان پلیس راهور را به شهادت رسانده و دو نفر دیگر از عوامل انتظامی را نیز مجرح کردند. در این درگیری یک نفر از مهاجمان به هلاکت رسیده و سه نفر دیگر با رها کردن خودرو تیبا و با اعمال تهدید و سرقت یک دستگاه پژو ۴۰۵، از صحنه درگیری متواری شدند. این در حالی است که مهاجمان پس از طی مسافتی با رها کردن خودرو پژو، اقدام به سرقت یک دستگاه آمیکو یخچال‌دار کرده، سپس با رها کردن آن در حوالی روستای "در گریختند. در ادامه این عملیات، عوامل انتظامی یک دستگاه وانت نیسان رها شده را در حوالی روستای "در کشف کردند



جدی با تروریسم و همگرایی منطقه‌ای برای از بین بردن ریشه این پدیده در منطقه رایزنی کرد.

در همه دیدارهای لاریجانی مقامات عراقی بر گسترش روابط با ایران تأکید و از حمایتهای جمهوری اسلامی ایران از مبارزه با تروریسم و گروههای تروریستی در عراق تشکر کردند.

شاید درست به همین دلیل بود که این سفر و حاشیه‌ها و بازتاب‌های آن در خبرگزاری‌های بین‌المللی با بی‌اعتنایی و عصبانیت گسترده گروهک تروریستی منافقین رو به رو شد.

چرا که اگر می‌خواستند دیدارهای رئیس مجلس شورای اسلامی را با مقامات عالی‌رتبه عراقی و گفت و گوهای رد و بدل شده بین طرفین را درباره لزوم گسترش روابط دو کشور و تأکید بر مبارزه با تروریسم پوشش دهند.

در آن صورت خود منافقین دچار این پارادوکس می‌شدند که چگونه باید این سفر را با تبلیغات دروغین خود مبنی بر تضعیف جایگاه ایران در عراق توجیه کنند، درست به همین دلیل بود که گروهک روضه شک دار نگرفت و به جای پوشش این سفر مهمن و سپس توجیه این دیدارهای گرم و صمیمی و دروغ بافی و خیال پردازی درباره آن، تصمیم گرفت که اصلاً به آن نپردازد انگار نه انگار که اتفاقی افتاده است ولی حقیقت حتی اگر گروهک مثل کبک سر خود را زیر برف پنهان کرده باشد، از بین نمی‌رود. حقیقت آن است که ایران و عراق روز به روز روابط گرم و صمیمی خود را گستردۀ تر می‌کنند و هر چه این روابط گستردۀ تر شود جایگاه منافقین در عراق تنگ تر و تنگ تر می‌شود و روزی می‌رسد که همه منافقین در عراق به دست عدالت سپرده شوند.



سفری که رجوی ندید

مجاهدین دات کام ، تهران ، ۹ دی ۱۳۹۳

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی هفته گذشته در سفری منطقه‌ای به سه کشور سوریه لبنان و عراق با مقامات عالی‌رتبه این سه کشور دیدار و گفت و گو کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی "مجاهدین": سفر لاریجانی به کشورهای محور مقاومت که خط مقدم مبارزه با تروریسم در منطقه پرتلاطم آسیای غربی نیز محسوب می‌شوند بازتاب بسیار گستردۀ ای در سطح رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داشت.

اما بیشترین برنامه‌های لاریجانی در این سفر منطقه‌ای شش روزه مربوط به عراق می‌شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی در ۴ روز اقامت خود در عراق با آیت الله العظمی سیستانی مرجع عالیقدر شیعیان، رئیس جمهور، رئیس مجلس، نخست وزیر، وزیر امور خارجه، رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی، رئیسی جریانهای بانفوذ عراقی، رئیس اقلیم کردستان عراق در مورد مبارزه



این درست که امکان اشتباههای نگارشی در نوشتمن متنی دور از ذهن نیست.

اما اینکه معنای لغوی غلط باشد، نشان و ریشه در ناآشنا بودن با فرهنگ و ادبیات ایران دارد.

بهتر بود رجوی به جای نشستهای مختلفی که در اشرف برگزار می‌کرد یک کلاس ادبیات و زبان فارسی برای اعضای بی‌سواد تشکیل می‌داد و به آنها می‌فهماند معنی کلمه "اظهار" بیان کردن و آگاه نمودن است.

هر چند از رجوی و تشکیلاتش انتظاری جز این اشتباهات فاحش نیست و لیکن باید به منافقین بی‌سواد یادآور شویم در این جمله باید به جای کلمه "اظهار" از کلمه احضار استفاده نمایند.

در پایان به نمایندگی از همه مردم به منافقین تأکید می‌کنیم که نام و سابقه ننگین آنها سالهای است از تاریخ ایران اسلامی و یاد مردم این سرزمین پاک شده است و مردم آنها را از خود نمی‌دانند. لذا با ادعای واهم علاقه و وابستگی به فرهنگ اصیل کشور و به موازات آن این همه اشتباهات و غلط‌های فاحش، آبروی ایران و ایرانی را نبرند.

بهتر بود رجوی به جای نشستهای مختلفی که در اشرف برگزار می‌کرد یک کلاس ادبیات و زبان فارسی برای اعضای بی‌سواد تشکیل می‌داد و به آنها می‌فهماند معنی کلمه "اظهار" بیان کردن و آگاه نمودن است.



کلامی که قار قار کردن یادش رفت

ادعای میهن پرستی و پاسداشت زبان و ادبیات کهن پارسی عده‌ای ترویجیست در گوشه‌ای دور افتد از جهان چنان بلند شده که گوش فلک را کر کرده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی "مجاهدین"؛ در سخنرانی‌های سرکردگان منافقین و در حوزه رسانه‌ای، این تشکیلات منحوس همواره سعی دارند با استفاده از کلمات ثقيل، خود را یک ایرانی اصیل و مقید به ادبیات کهن پارسی نشان دهند.

اما از آنجا که به فرموده حضرت امام خمینی(رحمه‌الله علیه) خداوند متعال دشمنان نظام اسلامی ایران را عده‌ای احمق قرار داده است، باز هم از باغ بی آب و علف و خشکی زده منافقین، بری رسید.

منافقهای فرقه رجوی در یکی از سایتها خود، طی خبری احضار دکتر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان به مجلس شورای اسلامی را با تیتر بزرگ "ظریف دوباره به مجلس اظهار شد" اعلام نموده و برگ زرین دیگری به تاریخ ادبیات منافقین افزودند.



مریم رجوی اگه راست می گویی جای بچه هایمان خودت ، ۱۶ ساعت گریم و آرایش نکن اگر راست می گویی کار کردن به تو نیامده هر ۱۶ ساعت ۱۶ مدل لباس عوض نکن ، مترسک مسعود چرا و به چه حقی اجازه ندادی ما که چندین بار به دم درب اشرف آمدیم با بچه هایمان ملاقات کنیم آخر با این همه تلاش و مغزشویی بچه هایمان ، به این هم رسیدید که آن ها را که سالها مغز شوئی کردید ولی خوب می دانید همه تلاشهای این چند دهه با یک دیدار خانواده پوچ خواهند شد برای همین هم ترسیدید والا برایتان خیلی سنگین تمام شده که جلوی ما خانواده ها ایستادید و ما هم با صدایمان و با فریادمان گرچه باز هم با کار گذاشتند بلندگوهای قوی تر نگذاشتید همان اندک صدایمان هم به گوش فرزندانمان برسد ولی نابود شدید ، افکارتان در هم شکست و نتوانستید جلوی آگاه شدن بچه هایمان را بگیرید و الان هم مطمئن باشید که کارتان تمام شده حتی به نظر ما خیلی ها که الان در سازمان مانده اند می خواهند لذت شکست خوردنتان را از نزدیک شاهد باشند نه اینکه از ماندن با شما لذت ببرند.

می خواهند تباہی دستگاهی که سالیان سال زیر فشار همین دستگاه بودند را از نزدیک ببینند و این حرف را از زبان خیلی ها که در آنجا بودند شنیدیم و خیلی ها فقط برای اینکه زندگیشان را رجوی تباہ کرده و شاهد تباہی زندگیشان در این چند سال بوده می خواهند خودشان هم شاهد تباہی رجوی باشند تا شاید کمی آرام گیرند.

ولی این را بدانید هر فشاری که آوردید تا بچه هایمان را مثل خودتان بار بیاورید نشد چرا که افکارتان منقضی و تاریخ مصرفشان گذشته و به مرور زمان و پیشرفت علم کارتان سخت تر از گذشته می شود و راهی برایتان نمانده جزء روی آوردن به سوارخ موش که چند سالی مسعود تجربه زندگی در آن را دارد .

رجوی خائن چه بر سر بچه هایمان آورده ای ؟

انجمن نجات استان سیستان و بلوچستان ،

۹۳ آذر ماه ۲۷

خودتان (مریم و مسعود رجوی) در یک خانواده درست و حسابی بزرگ نشده اید که چنین افکار غلطی دارید و روی آن هم پا فشاری می کنید.

کسی نیست به شما بگوید آخر افکار اشتباه شما باعث شکستهای پی در پی سازمان شده نه افکار افرادی که آنها را فریب داده اید و می خواهید همه چیز را به گردن آنها بیاندازید و خودتان را (استغفارللہ) جای پیامبر بلکه بالاتر از آن گذاشته اید ، آخر آدمهای کودن ، کسی نیست به شما بگوید افکار فاسد خودتان را روی بچه های ما آزمایش نکنید بچه های ما موش آزمایشگاهی نیستند که بخواهید افکارتان را روی آنها آزمایش کنید.

البته سالهای است از افکار و از جسم فرزندان ما سوء استفاده می کنید ، آخر خیانت تا کجا؟

حتی اگر به قول خودتان بچه هایمان به اختیار خودشان و خانواده هایشان پیش شما آمدند ، این رسم امانتداری نیست که از آنها اینقدر سوء استفاده کنید ، به چه حقی بچه هایمان را از تشکیل خانواده منع می کنید و برایشان آیه نازل می کنید؟

جای اشتباهی نشستید از خر شیطان بیایید پایین ، به چه حقی به بچه هایمان اجازه تماس با خانواده هایشان را نمی دهید؟

به چه حقی به قول خودتان افراد در سازمان بیش از ۱۶ ساعت در روز کار می کنند که البته می دانیم بیشتر از این هم هست که با افتخار می گویید و از دهن افرادتان هم بیرون می زند که بله ، آخر به چه حقی این همه فشار روی بچه هایمان میاورید؟



نامه آقای مسعود تبریزی به خواهرش مهتاب جان (تحت اسارت در تشکیلات رجوی)

به نام خدای مهربان

سلام خواهر عزیزم مهتاب جان

اخیراً خبری را شنیدم و بسیار خوشحال شدم مثل اینکه ۲۳۳ نفر از افرادی که در اردوگاه لیبرتی در عراق به سر می‌برند به شهر تیرانا در آلبانی منتقل شده‌اند دقیقاً نمی‌دانم که شما نیز جزء افراد انتقالی هستید یا نه؟ اما امیدوارم خواهر عزیزم نیز از اسارتگاه لیبرتی نجات یافته باشد و به آلبانی منتقل شود همه اعضای خانواده و بستگانمان به شدت نگران وضعیت شما هستند و بی صبرانه منتظر تماست هستیم. مهتاب جان عزیزم در تاریخ ۹۲/۶/۱۲ و ۹۲/۸/۱۳ دو نامه برایت نوشتم و به سایت نیم نگاه فرستادم و از مسئولین سایت خواهش کردم تا نامه ام انتشار یابد شاید از آن طریق صدایم را به شما برسانم به خواهر نازنینم که بیش از ۲۰ سال است در حسرت دیدنش به سر می‌برم. و ضمناً چندین نامه نیز برادرت رامین، خواهانت و فرزندم محمدعلی در طی سالهای گذشته نوشته ام واقعاً نمی‌دانم نامه‌ها به دست رسید یا نه؟ ولی می‌دانم که محال است سران بی‌رحم مجاهدین نامه‌های ما را به شما بدهند! امیدوارم این بار اگر نامه به دست رسید حتماً با من تماس بگیری. همه اعضای خانواده در انتظار تماس شما هستند.

قربانست، برادرت مسعود تبریزی
شماره تماس: ۰۹۱۴۱۸۳۴۵۷۳

این هم عاقبت فشارهایی که به بچه‌هایمان اورید و می‌آورید. حیا کنید درس عبرت بگیرید از سایر برادران دیکتاتورستان مثل قذافی و صدام که آخر عمرشان را همچون رجوی سپری کردند.

در آخر از همه مجامع بین المللی می‌خواهیم به شکایات ما خانواده‌ها رسیدگی کنند چرا که رجوی با سوءاستفاده از بچه‌هایمان دارد جناحتی علیه انسانیت انجام می‌دهد و با دجالگری تمام بچه‌هایمان را از حقوق اولیه بشری محروم کرده و از همه انسانهای شریف می‌خواهیم بدون در نظر گرفتن مسائل و اختلافات چند سوال اساسی را از مسعود و مریم پرسند و آنهم اینکه چرا با بچه‌های ما این رفتارها را می‌کنند چرا به بچه‌هایمان اجازه تماس و اجازه دیدار نمی‌دهد؟

چرا بچه‌های مسلمان ما را از دین خدا خارج کردند؟

مگر پیامبر ما به امر ازدواج تأکید نکرده و چرا با حرام جلوه دادن امر ازدواج بچه‌هایمان را از مسیر خدا و پیامبر و به خاطر منافع شخصی مسعود دور نگه می‌دارید و اگر هم کسی خودش مایل به ازدواج نیست مشکلی ندارد ولی دستگاه رجوی هر روز نشستهای شستشوی مغزی برایشان می‌گذارد تا حتی به ازدواج و تشکیل زندگی در آینده هم فکر نکنند.

آخر مگر این رجوی کیست که می‌خواهد سرنوشت زندگی بچه‌هایمان را آنطور که خودش می‌خواهد رقم بزند از همه انسانهای آزاد می‌خواهیم ما را در رساندن صدایمان یاری کنند تا بتوانیم حداقل صدایمان را به گوش کسانی که ناخواسته رجوی را در اسیر نگه داشتن فرزندانمان کمک رسانی می‌کنند، برسانیم تا رجوی مجبور به رعایت حقوق فرزندانمان شود.

جمعی از خانواده‌های انجمن نجات استان سیستان و بلوچستان



جناب آقای رئیس جمهور

این که این کشور از نظر دیپلماتیک، روابط بسیار قوی با آمریکا دارد بر همگان مبرهن است، ولی چیزی که معلوم نیست اینه که چرا آمریکا و فرانسه این سازمان را به رسمیت می‌شناسد و این کشور به مهد جولان دادن آزادانه این فرقه تبدیل شده است.».

مگر می‌شود معیارهای تشخیص تروریست بودن یا نبودن یک گروه یا فرقه، نسبی باشد این چشم پوشی های آشکار که دود آن مستقیماً وضعیت حقوق بشر را در این کشور زیر سوال می‌برد، برای چیست؟

آنچه که روشن است این فعالیتهای خشونت آمیز و ناقض قانون، قطعاً از چشم مراجع امنیتی فرانسه دور نمانده است. حتی اگر این فرقه از نظر دولت فرانسه و سایر دول اروپایی در دسته گروههای تروریستی قرار نگیرند، ولی فعالیتهای آنها طبق قوانین مدنی فرانسه، غیرقانونی است و تابع مجازات متناسب می‌باشد.

اینجانب، به عنوان کسی که در این کشور زندگی می‌کنم و تهدیدهای فرقه رجوی و عوامل آنها را در نزدیکی خود می‌بینم، از شما و دولت شما رسماً درخواست می‌کنم به وضعیت موجود رسیدگی و آرامش امنیتی از دست رفته ما اعضاء جدا شده توسط سازمان مجاهدین را تأمین نمایید.

آنچه که در حال حاضر بیش از هر چیزی برای ما ضروری است، اطمینان خاطر ما از امنیت و دوری از تهدیدات فرقه رجوی در این کشور است که امیدواریم شما آن را بازگردانید.

نامه سر گشاده به فرانسوا اولاند (فرانسه) بعنوان میزبان مریم رجوی و گروه ترویستی اش مسئول امنیت نجات یافتگان است (

علیرضا نصراللهی، یاران ایران، پاریس، پنج شنبه ۴ دی ماه ۹۳

نامه سر گشاده به رئیس جمهور محترم فرانسه

جناب آقای فرانسوا اولاند رئیس جمهور محترم فرانسه

آنچه که در این روزها مرا بخود مشغول تر و نگرانتر از پیش کرده است، اقدامات بیش از پیش افراطی آشکار فرقه مجاهدین بر علیه جدا شده گان در فرانسه است.

اقداماتی نظیر تهدیدهای فیزیکی، پخش کردن اعلامیه های ضد جدا شده گان در سطح شهر، مخدوش کردن چهره جدا شده گان با چسباندن عناوین مزدوری و ... که در جواب مبارزه دور از خشونت و آرام اعصابی جدا شده مجاهدین است. مبارزه ای که در آن فقط و فقط بیان واقیعیات و آشکارسازی آنچه که بر ما طی سالیان سال در اسارتگاه رجوی گذشته است، می‌باشد. بدون هیچ افراط گرایی کلامی و بدون هیچ مبارزه فیزیکی و اعمال خشونت. حال آنکه در فرانسه- کشوری که عنوان دمکراسی را یدک می‌کشد- در روز روشن، بصورت علنی و در ملاعه عام و در جلو چشم همگان، عوامل گروه به قطع تروریستی مجاهدین به جان ما، تهدید فیزیکی و ارعاب می‌کنند و آنچه که مورد انتظار جوامع حقوق بشری و ما شهروندان دارای تابعیت فرانسوی از دولت فرانسه است، متأسفانه برآورده نمی‌شود.



مجاهدین خلق را نشان داد و خواستار قتل آنان هر کجا که باشند شد.

به دنبال پخش این سخنرانی آتشین تروریستی، جداسدگان سازمان که مقیم کشورهای اروپایی هستند مقالات متعددی نوشته و مصاحبه هایی را با رسانه ها انجام دادند و نیز نامه ها و شکایتهاي قضائي به مقامات اروپايی و به دولت عراق بویژه در فرانسه و عراق در پاسخ به تهديدات رجوی عليه جانشان و به انجام عملیات تروریستی با نقض قوانین اين کشورها تسليم کردند.

جداسدگان از اين سازمان در مقاله ها و مصاحبه هایشان تهدیدات توخالی رجوی را به تمسخر گرفته و او را به هفت تیر کشی که جلد خالی تپانچه را برای ترساندن مردم به کمر بسته است تشبيه کردند و در پاسخ به رجوی که به طور دروغین و مضحكی با فراخواندن افرادش به مرگ دسته جمعی از سخنرانی امام حسین تقليد می کرد نوشتند: "امام حسین عليه السلام جدا شدگان از خودش را به قتل تهدید نکرد و يارانش را تحت کنترل قرار نداد تا با همديگر تماس نگيرند بلکه راه در كربلا پيش پاي همه شان باز بود و امام حسین خودش در ميدان نبرد کنار يارانش حاضر بود و با آنها هم به شهادت رسيد در حاليكه رجوی فرار کرده و مخفی شده است و از مخفیگاه امن خودش سخنرانی می کند و باقی ماندگان را به مرگ فرا می خواند".

مسعود رجوی دستور قتل مخالفانش در سازمان مجاهدین خلق را صادر کرد

سایت بنیاد خانواده سحر، یکشنبه ۷ دی ۱۳۹۳

رهبر سازمان تروریستی مجاهدین خلق مسعود رجوی دستور قتل همه مخالفان خود و جدا شدگان از سازمان را صادر کرده و از اعضای سازمانش در اردوگاه لیبرتی در بغداد خواسته تا با نیروهای عراقی که حفاظت اردوگاه را برعهده دارند درگیر شوند.

مسعود رجوی در یک سخنرانی که توسط سایتهاي خبری این سازمان تروریستی پخش شده و سایت اشرف نیوز آن را دنبال نموده دستور کشتن همه مخالفان خود و جدا شدگان از سازمان و همه کسانی که کارها و سیاستهای تروریستی این سازمان را در کشورهای اروپایی افشاء می کنند ضمن نشان دادن عکسهايشان صادر کرده است.

رجوی این دستوراتش را به افراد خود در اروپا بویژه به همسرش مریم رجوی و دستیارانش که مقیم فرانسه هستند برای انجام این قتلها با نقض قوانین کشورهای مذکور داده است.

رجوی افود: "شما نباید بگذارید حتی یک نفر هم از آنانکه این بار به اردوگاه حمله کنند زنده برگردد". و گفت: "شما باید در خاک عراق بمانید تا همگی مانند ياران حسین شهید بشوید". مسعود رجوی تروریست حین سخنرانی خود عکسهاي ۴۵ نفر از مسئولان جدا شده از سازمان تروریستی



قطر، بحرین و عمان و نیز متحдан اروپایی خود از جمله فرانسه، آلمان، انگلیس برقرار کند. سپس نشست کشورهای حاشیه خلیخ فارس را که قرار است در تاریخ ۹ و ۱۰ دسامبر برگزار شود جایگاه مناسبی در پرداختن به این امور معرفی می‌کند.

مورد دوم این که؛ سفارت آمریکا در بغداد باید در راستای نبرد نیابتی و تعهد «هیلاری کلینتون» وزیر خارجه سابق در حمایت از مخالفان ایرانی ساکن اردوگاه لیبرتی وارد عمل شود؟!

در گزینه سوم پیشنهادی این نشریه نیز با اشاره صریح در لزوم مددگیری از بهاصطلاح اپوزیسیون ایران آمده است: وقت آن رسیده است که کاخ سفید گفت و گوهای آشکار و علنی را با مخالفان جمهوری اسلامی (بخوانید مجاهدین) که در آمریکا دارای دفاتر بوده (منظور دفتر شورای ملی مقاومت مجاهدین است) و مشتاق ادامه مسیر تبادل اطلاعاتی هستند، برگزار کند.

«ریموند تانتر» مطلب خود را اینطور به پایان می‌برد: «همانطور که دستگاه اطلاعاتی اسرائیل در شناسایی وجود تونل‌های خرابکاری در غزه به دلیل فقدان نیروهای انسانی ناتوان بود، واشنگتن و اسرائیل نیاز به کسب چنین اطلاعاتی در جهت تقویت پیام‌های دریافتی ماهواره‌ای در زمینه تونل‌های مخفی وابسته به فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران دارند که در این بین می‌توان به مجاهدین خلق امیدوار بود که احتمالاً مشتاق به تبادل اطلاعاتی در این زمینه هستند.»

و اما چند نکته:

۱ - این مطلب و مطلب پیشین این نشریه در واقع زبان حال رهبران مجاهدین پس از شکست جبهه عربی - غربی در حمایت از گروه تروریستی داعش در خاک عراق و به عبارت دقیق تر پایان رویای ۱۱ ساله مجاهدین در

لابی ورشکسته و آرزوهای برباد رفته مجاهدین

ایران دیدبان، سید حجت سید اسماعیلی، عضو پیشین شورای مرکزی مجاهدین، ۴ دی ۹۳

نشریه آمریکایی «فارین پالسی» روز سه‌شنبه هفته جاری طی گزارشی نوشت آمریکا باید برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد برنامه هسته‌ای ایران، به همکاری با سازمان مجاهدین پردازد. «ریموند تانتر» نویسنده این مطلب که به حمایت از سازمان مجاهدین و اتخاذ مواضع به شدت ضدایرانی مشهور است، در ادامه این گزارش با توضیح ارتباط تسلیحاتی ایران و حماس در زمینه موشکی و دیگر ادوات جنگی و ناتوانی دستگاه اطلاعاتی اسرائیل در ردگیری تونل‌های زیر زمینی بی‌شمار حماس، مدعی وجود تونل‌های مخفی در ایران شده و پیشنهاد داده است که واشنگتن برای شناسایی تونل‌ها، به حمایت از عوامل این سازمان پردازد.

مشابه کاری که اسرائیل از مزدوران محلی خود در سرزمین‌های فلسطینیان انجام می‌دهد. لازم به ذکر است پیشتر نیز این نشریه آمریکایی در گزارشی تحلیلی با عنوان «واشنگتن در حال فراموش کردن متحدان خود طی مذاکرات هسته‌ای با ایران است» با ذکر راه کارهایی که زبان حال رهبران مجاهدین است، خطاب به کاخ سفید نوشتند بود: مشارکت واشنگتن در مذاکرات هسته‌ای با ایران و در عین حال نادیده گرفتن مخالفان این کشور گزینه مورد نظر سران ایران می‌باشد.

این نشریه در مطلب خود سه‌رهنمود به مقام‌های آمریکایی داده بود:

ابتدا آمریکا باید تعادلی را در بین مشاوران منطقه‌ای خود از قبیل اسرائیل، شورای همکاری خلیج فارس، کویت، عربستان، امارات متحده،



نامه‌ی آقای احمد رضا محمودی به
برادرش محمد رضا در آلبانی

انجمن نجات مرکز گیلان،
۹۳ آذر ماه ۲۶

محمد رضا جان شکرخدا که دریک
قدمی خانواده ات قرار گرفتی

بنام خداوند بخشندۀ مهربان.
سلام بر برادر عزیزم،
محمد رضای عزیز. امیدواریم که
حالت خیلی خوب بوده باشد. این
نامه را برادر کوچکت احمد رضا
می‌نویسد که چقدر دوستش
داشتی. نمی‌دانی چقدر خوشحال
شدم وقتی سلامتی تو را در کشور
آلبانی شنیدم. ما همه چشم انتظار
صدای دلنشیست هستیم. خواهر
کوچک آمنه، برادرت علی رضا و ...

آقایان علیرضا و احمد رضا و خانم آمنه
محمودی از خانواده محمد رضا محمودی
عضو اسیر رجوی که هم اکنون به کشور
آلبانی منتقل شده است سالهاست که در
ارتباط فعال با انجمن نجات گیلان
تلاش‌های بسیاری به منظور رهایی
عزیزان از چنگال رجوی داشته اند
طوری که همواره پاسپورت آنان آماده
جهت اعزام به عراق و دیدار با محمد رضا
در دفتر انجمن به نوبت می‌گذاشتند شاید
که بتوانند روزی در اثر فعالیتهای
انساندوستانه انجمن نجات برادرشان را
در آغوش بفشارند.

ساقط کردن دولت قانونی این کشور است که
برای حفظ و ادامه حیات سیاسی خود ناگزیر است
این چنین به دست و پای مقامات آمریکایی
بیفتند.

۲- جای تعجب نیست که رهبران مجاهدین
همچنان برای ادامه حیات نگین سیاسی خود به
مزدوری و دادن اطلاعات دانش فنی و ... ایران
به بیگانگان تحت پوشش مبارزه با
جمهوری اسلامی روی بیاورند.

به نحویکه این نشریه حمایت و تبادل اطلاعاتی
با اپوزیسیون ایران (بخوانید مجاهدین) را به
مقامات آمریکایی توصیه کرده و ضمن مقایسه
مجاهدین با مزدوران محلی اسرائیل در غزه
استفاده بهینه از آنان در چنین ماموریت‌هایی را
به مقامات سیاسی و اطلاعاتی آمریکا گوشزد
می‌کند.

۳- به‌هرحال حتی این تصور که مجاهدین
ممکن است بتوانند نقشی در آینده ایران داشته و
یا بر اتخاذ هرگونه سیاست آتی ایالات متحده
آمریکا در تعامل با ایران اثرگذار باشند، از نظر
مردم ایران، با توجه به سابقه وطن‌فروشی و
جنایت این گروه چه در حق مردم ایران و چه در
حق اعضای خود این سازمان بسیار توهین‌آمیز
است.

۴- از سرفصل شکست جبهه عربی - غربی در
راستای ساقط کردن دولت عراق، مجاهدین دیگر
یک برگ سوخته محسوب می‌شوند بویژه اینکه
چشم انداز روشی نیز برای توافقات هسته‌ای
ایران با ۵+۱ وجود دارد.



در مورد اعضای خود تحت نظر شما و سازمان شما باشد.

از آنجا که سازمان شما با وجود این همه مدارک و اسناد و شهادتname خصم عدم واکنش و ارسال بیانیه در مورد نقض فاحش حقوق بشر در این سازمان بنابر پژوهش های اینجانب در دفاع از خواست های عموماً غیرقانونی و حقوقی این گروه "بیانیه های سیاسی" صادر نموده است.

از آنجا که نامه اینجانب عنوان یک تلاشگر مستقل حقوق بشر و زنان به آقای "دوری دایک" مسئول سابق میز ایران در این سازمان در مورد نقض مستمر حقوق بشر در مناسبات این گروه بدون پاسخ و واکنش مانده است لذا چنین زمینه هایی ارسال نامه سرگشاده به شما را فراهم آورده.

سرکار خانم حسیبه حاج مرادی

نگارنده عنوان یک پژوهشگر مستقل پس از مطالعه و تحقیق در مورد عملکرد این گروه در مورد اعضای خود به روشنی آگاه شدم که "نقض سیستماتیک" حقوق بشر در مناسبات تشکیلاتی این گروه طی سه دهه گذشته ادامه داشته و همچنان ادامه دارد و به همین دلیل توجه شما و سازمان شما را به تحقیق و بررسی جامع و کامل و بیطرفانه در مورد خاطرات و شهادت نامه های صدها تن از اعضای سابق این گروه جلب می نمایم.

آنچه مسلم است اینکه سازمان عفو بین الملل "از آنچه طی این سه دهه بر اعضای این گروه در مورد نقض حقوق انسانی اعمال شده کاملاً آگاه بوده و پژوهش های اینجانب نشان می دهد که این گروه در سازمان عفو بین الملل دارای پرونده قطوری از نقض حقوق انسانی می یاشد- در چنین صورتی

نامه سرگشاده به خانم "حسیبه حاج صحرایی" معاون مدیر عفو بین الملل در مورد نقض حقوق بشر در سازمان مجاهدین

پدرام میر پارسی ، نیم نگاه ، ۲۷ آذر ۹۳

سرکارخانم حسیبه حاج صحرایی با درود های گرم و بهترین آرزوها برای سرکار

از آنجا که "اعلامیه حقوق بشر" یک میثاق جهانی است و رعایت آن شامل تمامی جوامع می گردد از آنجا که نظارت بر نقض حقوق بشر شامل همه دولت ها و گروه ها و احزاب و انجمن های فعال می باشد از آنجا که سازمان عفو بین الملل باید عنوان یک نهاد "بی طرف" و به دور از مسائل سیاسی فعالیت نماید از آنجا که طبق گزارش سال ۲۰۰۵ سازمان "دیده بان حقوق بشر" تحت عنوان "خروج منوع" ابتدایی ترین حقوق اعضای سازمان مجاهدین توسط دستورات تشکیلاتی رهبر گروه نقض گردیده و این افراد آن تحت سرکوب و ستم قرار داشته و دارند.

از آنجا که بنابر شهادت و گواهی صدها نفر از اعضای سابق این گروه از جمله خانم ها بتول سلطانی _ نسرین ابراهیمی _ مریم سنجابی و زهرا سادات میرباقری ستم و سرکوب تشکیلاتی به شدیدترین و ضدنسانی ترین شکل ممکن در مورد همه اعضاء از جمله زنان در اردوگاه های این سازمان از جمله "اردوگاه سابق اشرف" اعمال گردیده و هم اکنون در اردوگاه موقت پناهندگی "حریه" در کشور عراق ادامه دارد.

از آنجا که کشور عراق در خاورمیانه قرار داشته و طبعاً می بایست نظارت بر این عملکرد این سازمان



**نامه آقای میرزا هد صداقی
(تهران) به آقای میر واقف
صداقی (تیرانا)**

آذربایجان غربی ، ۲۵ آذر ماه ۹۳

برادر عزیزم میر واقف عزیز

سلام امیدوارم حالت خوب باشد. خبر امیدوار کننده ای را در سایت نیم نگاه خواندم که شما به همراه تعداد دیگری با کمک کمیساريای امور پناهندگان سازمان ملل از اسارتگاه سران فرقه رجوی در کمپ لیبرتی در عراق به شهر تیرانا در آلبانی منتقل شده اید.

این خبر بسیار امیدبخش بود زیرا در مقالات تعداد زیادی از جداشدگان مجاهدین درباره وضعیت اسفبار افراد و فضای بسته و اختناق آمیز تشكیلات مجاهدین توضیح داده شده است که باعث تأسف من بود. در هر حال از اینکه به آلبانی منتقل شده ای بسیار خوشحالم و مادر چشم انتظارمان که از نظر جسمی اوضاع خوبی ندارد و در بستر بیماری بسر می برد مشتاق شنیدن صدایت است. امیدوارم پس از مطالعه این نامه به این شماره ها

(۰۹۳۶۴۱۰۸۸۶ - ۰۲۱۶۵۵۶۱۵۳۲)

هرچه سریعتر زنگ بزنی تا مرا و مادر عزیzman و سایر اعضای خانواده را خوشحال کنی.

برادر عزیزم ما شماره ای از شما نداریم بی صبرانه منتظر تماس است هستیم.

سکوت و عدم واکنش و بی عملی سازمان شما در مورد این گروه " طبیعی بنظر نمی رسد" ... (?) .

خانم حاج مرادی

درخواست اینجانب به همراه خواست گروهی از اعضای سابق سازمان این است که جنابعالی بعنوان یک مستثول اقدام به تشکیل یک هیات مستقل جهت بررسی چگونگی رعایت حقوق بشر در این سازمان نموده و با استفاده از شهادت ها و اعتراف های اعضای این گروه که در گفتگو با این افراد می تواند حاصل گردد نظر و گزارش سازمان عفو بین الملل در این مورد به آگاهی همگان برسانید.

طبیعی است تداوم سکوت و عدم تحقیق و پژوهش و اعلام نتایج آن توسط سازمان شما در مورد این گروه می تواند عدم بی طرفی سازمان شما را بیش از پیش زیرعلامت سوال قرارداده و لطمات بیشتری به اعتبار شما وارد نماید.

نگارنده و تنی چند از اعضای سابق این گروه حاضر به هرگونه همکاری و گفتگو با سازمان شما و ارائه حقایق بیشتر و ارائه اسناد و مدارک دقیق تری هستیم.

در پایان ضمن بهترین آرزوها برای شما و سازمان عفو بین الملل چشم بررا اقدام شما در کوتاه ترین زمان ممکن خواهیم ماند.

با سپاس قبلی از کوشش سازمان شما در این مورد

پدرام میرپارسی تلاشگر مستقل حقوق بشر و زنان

رونوشت به :

سازمان دیده بان حقوق بشر



نامه ای از یک فرزند منتظر

انجمن نجات مرکز اراک ، شنبه ۶ دی ۱۳۹۳

سلام پدرم !

امیدوارم که حالت خوب باشد من چندین سال است که شما را ندیدم اگر بخواهم بگوییم زمانی که بچه ای بیش نبودم شما ما را ترک کردی . بگذریم که من از بچگی تا به حال که برای خودم مردی شدم بدون شما چه سختیها که نکشیدم و همیشه حسرت بی پدری را می کشیدم و با خودم می گفتم پس من چه زمانی می توانم پدرم را ببینم . قبل از اینکه به سن بلوغ برسم نمی دانستم که شما کجا هستید و چکار می کنید الان در حال حاضر من دارم کار آزادی شما را دنبال می کنم و برایم روشن شده است که در چه دامی افتاده ای در فرقه رجوی مثل برده از شما کار می کشند شما را تبدیل به رباط کرده اند که فقط دستورات آنها را پیش می برد و خودتان اراده ای از خود ندارید که برای خودتان تصمیم بگیرید فرقه قرون وسطایی رجوی به جای اینکه رو به جلو حرکت کند بر عکس رو به عقب حرکت می کند و فکر می کند که دنیا به این بزرگی در فرقه خودش خلاصه می شود و خودش را مالک شما می داند . به چه دلیل زن و بچه هایت را رها کردی و پیش کسانی رفتی که فقط برای قدرت طلبی خودشان چندین سال عمر شما را به تباہی کشیدند . بعد از چندین سال چکار کردید و کجا را گرفتید . هم خودت را از بین بردی و هم ما را در حسرت بی پدری گذاشتی هر چند که چهره ات یادم نیست با این وجود می توانم کارهای مربوط به آزادی شما را انجام دهم و من و تمام فامیل همچنان منتظر آمدنت هستیم از طرفی اهل فامیل هر موقع مرا می بینند سراغ شما را می گیرند و جویای احوال شما هستند . امیدوارم که هر چه زودتر به آگوش گرم خانواده برگردی و زندگی جدید و آزاد را شروع کنی به امید آن روز .

پسرت محسن .

قبل از اینکه به سن بلوغ برسم نمی دانستم که شما کجا هستید و چکار می کنید الان در حال حاضر من دارم کار آزادی شما را دنبال می کنم و برایم روشن شده است که در چه دامی افتاده ای در فرقه رجوی مثل برده از شما کار می کشند شما را تبدیل به رباط کرده اند که فقط دستورات آنها را پیش می برد و خودتان اراده ای از خود ندارید که برای خودتان تصمیم بگیرید فرقه قرون وسطایی رجوی به جای اینکه رو به جلو حرکت کند بر عکس رو به عقب حرکت می کند و فکر می کند که دنیا به این بزرگی در فرقه خودش خلاصه می شود و خودش را مالک شما می داند . به چه دلیل زن و بچه هایت را رها کردی و پیش کسانی رفتی که فقط برای قدرت طلبی خودشان چندین سال عمر شما را به تباہی کشیدند . بعد از چندین سال چکار کردید و کجا را گرفتید . هم خودت را از بین بردی و هم ما را در حسرت بی پدری گذاشتی هر چند که چهره ات یادم نیست با این وجود می توانم کارهای مربوط به آزادی شما را انجام دهم و من و تمام فامیل همچنان منتظر آمدنت هستیم از طرفی اهل فامیل هر موقع مرا می بینند سراغ شما را می گیرند و جویای احوال شما هستند . امیدوارم که هر چه زودتر به آگوش گرم خانواده برگردی و زندگی جدید و آزاد را شروع کنی به امید آن روز .

پسرت محسن



خلیل رضایی (پدر رضاییها) ، مامور به این کار شده است .

تا قبل از این ، مینا رضایی به دلیل اینکه جزء بچه های سازمانی محسوب می شد ، در حاشیه نگهداری می شد . ولی این بار ظاهراً با ورود او به چرخه ماموریت های مخفی سازمانی ، فرقه رجوی قصد ورود خانواده رضایی ها به این بازی را کرده است .

محمل رفت و آمد مینا رضایی از فرانسه به آلبانی ، دیدار با خانواده اش است . منصوره رضایی (خواهر مینا رضایی) و مهدی ساجدیان (خواهر زاده مینا رضایی) در سری دوم سال ۹۳ به آلبانی منتقل شده اند . انتقال ۳ نفر از اعضای خانواده رضایی به آلبانی محمل مناسیبی را برای رفت و آمد های مکرر رابط مقر فرقه رجوی در فرانسه به آلبانی ایجاد کرده است .

**از قرار معلوم ، مینا رضایی ،
۴۳ الی ۴۵ ساله ، عینکی ،
قد حدود ۱۵۵ ، دختر زن
دوم خلیل رضایی
(پدر رضاییها) ، مامور و
رابط مقر رجوی در فرانسه
با آلبانی شده است .**



**مینا رضایی ، رابط جدید مقر فرقه رجوی
در فرانسه با آلبانی – تیرانا**

**حسینی ، انجمن نجات مرکز تهران ،
دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۳**

گروه ۲۳۳ نفری که امسال طی دو نوبت از لیبرتی عراق به تیرانای آلبانی منتقل شدند ، پشت پرده های خاص خودش را به همراه داشت . و اصلی ترین آن ، جابجایی و تعویض رابط مقر رجوی در فرانسه با تیرانا است .

تا قبل از این حسن نایب آقا این مسئولیت را بر عهده داشت که توسط جداسده ها به کرات افشاء گردید و مقاصد ایجاد قرارگاه هایی در خاک آلبانی برای دولت آلبانی آشکار و از قرار معلوم دست اندازی های سران فرقه رجوی را تحت الشاع قرار داده است .

فرقه رجوی که سیاست هایش به چالش کشیده شده است ، این بار به منظور ایجاد کانال ارتباطی امن ، از بستر خانواده استفاده کرده است .

از قرار معلوم ، مینا رضایی ، ۴۳ الی ۴۵ ساله ، عینکی ، قد حدود ۱۵۵ ، دختر زن دوم



مورد تأیید کامل مقامات خارجی شرکت کننده در کنفرانس قرار گرفته و همگی قول مساعد دادند تا در این مقوله ، که صرفاً جنبه حقوق بشری داشته و حاصل عملکرد رهبری یک فرقه خشونت طلب افراطی است ، در حد توان و ظرفیت خود تلاش نمایند.

بر اساس این گزارش : "ابراهیم خدابنده همچنین دیداری با ابراهیم جعفری وزیر امور خارجه عراق بعمل آورد و خواست عاجل خانواده ها مبنی بر برقراری امکان ارتباط با عزیزانشان در اردوگاه لیبرتی را مطرح نمود که با همدردی و قول همکاری ایشان با خانواده ها مواجه گردید.

در این دیدار آقای جعفری تأکید کرد که سازمان خلق یک فرقه تروریستی است که علیه ملت عراق دست به جنایات بسیاری زده و خروج آنها از عراق و محکمه سرانشان خواست مبرم تمامی جناح ها و جریانات سیاسی در عراق با هر گرایشی می باشد.

او گفت که ممانعت از دیدار اعضای این فرقه با بستگانشان طی سالیان متعددی خود گویای ماهیت رهبران این گروه است.

بنیاد خانواده سحر به نمایندگی از خانواده های دردمند و رنج کشیده افراد گرفتار در اردوگاه لیبرتی ، ضمن عرض "خسته نباشد" به خانم سنجابی و آقای خدابنده این دو فعال جدی حقوق خانواده ها ، آرزو دارد تا همه کسانی که در این راه به صورت خستگی ناپذیر فعالیت می کنند همیشه موفق و مؤید باشند و اولیه ترین حق انسانی خانواده ها یعنی دیدار با عزیزانشان در اردوگاه لیبرتی در عراق هرچه زودتر محقق گردد.

گزارش از انجمن نجات



گفتگوی ابراهیم خدابنده با ابراهیم جعفری

بنیاد خانواده سحر ، بغداد ، ۲۵ آذر ۱۳۹۵

به گزارش سایت انجمن نجات ، مریم سنجابی و ابراهیم خدابنده از اعضای جدایشده فرقه مخرب رجوی ، در کنفرانس بین المللی "جهان علیه خشونت و افراطی گری" در تهران در روزهای ۱۸ و ۱۹ آذر ماه سال جاری شرکت کردند و در خلال جلسات این کنفرانس ابراهیم خدابنده توانست در فرصتی کوتاه گفتگویی با ابراهیم جعفری وزیر امور خارجه عراق ، در خصوص معضل خانواده هایی که مایل به دیدار با عزیزانشان در اردوگاه لیبرتی در عراق هستند اما مسعود رجوی مانع آنست ، داشته باشد.

در گزارش انجمن نجات مرکز تهران به تاریخ دوشنبه ۲۴ آذر ماه ۱۳۹۳ آمده است : "سنجابی و خدابنده در خلال گفتگوها و دیدارهای متعدد و گسترده خود در طی دو روز کنفرانس ، بعد از ارائه توضیحات و گزارشاتی در خصوص آخرین وضعیت فرقه رجوی ، بر ضرورت مبرم برقراری ارتباط فوری قربانیان گرفتار در اردوگاه لیبرتی با خانواده های دردمند و رنج دیده شان تأکید نمودند که در تمامی موارد ، خواست آنان بدون استثناء



بطور ایدئولوژیک با دولت ایران متفاوت و بهتر بگوییم متضاد هستند.

تمامی این گروه‌های تروریستی پیرو وهابیت هستند و بشدت با شیعه گری دشمنی می‌کنند. حال چگونه می‌توان دولت ایران با ایدئولوژی اسلام تشیع را پشتیبان و عامل اصلی شکل گیری گروه‌های تروریستی با ایدئولوژی وهابیت شد.

این جمع زدن فقط از ذهن بیمار مسعود رجوی ترشح می‌کند که در یک کینه کور می‌خواهد تمام مشکلات ایران و جهان را به گردن جمهوری اسلامی بیندازد.

۲- اعلام مرکزیت سازمان مجاهدین:

در اکتبر سال جاری سازمان فرقه گرای مجاهدین، خبر تشکیل مجدد شورای مرکزی سازمان مجاهدین را اعلام کرد و مسعود رجوی در یک پیام آن را تبریک گفته و گویا از شنیدن آن خبر شوکه شده است.

در این بیانیه، مسعود رجوی اعلام کرده است که مأموریت شورای رهبری به پایان رسیده است و از آنجایی که استدلال انحلال شورای رهبری و تشکیل شورای رهبری مشکل از زنان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بود و از آنجایی که هنوز دولت ایران سرنگون نشده و خانم برگزیده هم به تهران نرسیده است، می‌توان تأیید کرد که بله با یک شکست مقتضحانه، مأموریت شورای رهبری به پایان رسیده است.

نتیجه دیگری که از این می‌توان گرفت، این است که انحلال شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق کار اشتباهی بوده و تشکیل شورای رهبری مشکل از زنان، از آن هم اشتباه تر.



گذری بر وقایع مهم در سال ۲۰۱۴ و عملکرد مجاهدین

کریم غلامی، ایران فانوس، ۹ دی ۹۳

۱- شروع حملات داعش در عراق و به خطر افتادن جان اسیران در لیبرتی:

در روزهایی که خطر داعش گریبان عراق را گرفته بود و هر روز اخبار کشتار مردم بی دفاع به گوش می‌رسید و ایرانیها بخصوص جداسدگان نگران حال اسیران در لیبرتی بودند، سازمان مجاهدین رسماً از داعش دفاع می‌کرد و آن را قیام دهقانان بر علیه دیکتاتوری دولت عراق می‌خواند و از طرف دیگر سازمان مجاهدین بهتر بگوییم مسعود رجوی، مدعی بود و هنوز هم هست که دولت ایران پدر خوانده تروریسم در جهان است و همه گروه‌های تروریستی به نوعی مرتبط به دولت ایران است و چندین ارگان دولتی مثل "جهاد سازندگی" و "سپاه پاسداران" و "وزارت اطلاعات" و "سپاه قدس" و ... کارشان در ارتباط با تروریسم و "صدور بحران" به سایر کشورها می‌باشد.

گروه‌های تروریستی اسلامگرا که از طرف سازمان ملل هم به عنوان گروه‌های تروریستی شناخته شده اند، مثل القاعده و طالبان و سایرین تماماً



۴- بسته شدن پرونده ۱۷ ژوئن :

مجاهدین با جار و جنجال اعلام کردند که پرونده ۱۷ ژوئن بسته شد و ادعای پیروزی در این پرونده را هم داشتند.

متأسفانه این پرونده با سؤالهای بسیار زیادی که بی پاسخ مانده است ، بسته شد و اینکه چرا تعدادی اقدام به خودسوزی کردند و چه کسی به آنها دستور داده بود.

البته همه می دانیم که بسته شدن پرونده ۱۷ ژوئن یک مسئله سیاسی بود تا مجاهدین اجازه بدنهند بقیه اعضای باقی مانده در لیبرتی ، به اروپا منتقل شوند.

همانطور که در یک زد و بند سیاسی نام مجاهدین از لیست تروریستی آمریکا خارج شد تا مجاهدین پذیرفتند از اشرف به لیبرتی نقل مکان بکنند.

۵- شروع مجدد اعزام اسیران در لیبرتی به اروپا :

در اردیبهشت سال ۹۲ (آپریل ۲۰۱۳) اولین گروه از مجاهدین اسیر در لیبرتی به کشور آلبانی منتقل شدند.

هر چند طی یک سال گذشته سازمان مجاهدین تلاش کرد که در این کار سنگ اندازیهای زیادی بکند و اعضای خود در آلبانی را همچنان در اسارت نگاه دارد ، اما خوشبختانه این روزها شاهد خبر خوشحال کننده انتقال تعداد بیشتری از اعضای اسیر در لیبرتی به آلبانی هستیم.

هر نامی که برایم آشنا بود خوشحالم می کرد که او از تراژدی عراق جان سالم بدر برده و توانسته به دنیای آزاد برسد.

البته مسخره ترین حرف مسعود رجوی در این اطلاعیه این بود که ادعا کرده از شنیدن این خبر شوکه شده است ، بقول قدیمها مرغ پخته هم خنده اش می گیره.

همه به خوبی می دانند که در سازمان مجاهدین هیچ اتفاقی و هیچ تصمیم گیری بدون اجازه مسعود رجوی صورت نمی گیرد و البته این بازی مسخره اخیر هم از ابداعات خود مسعود رجوی است.

۳- پیام خشونت طلبانه ۱۱ آبان مسعود رجوی :

کلیت صحبت های مسعود رجوی فراری در این ویدئو دستور قتل و کشتار و خونریزی بود.

اگر توجه کرده باشد ، این ویدئو تمامی افشاگری های ما جداسدگان را تأیید می کند ، مگر ما نگفته بودیم که مسعود رجوی فرمان قتل تمامی جداسدگان را داده است ، در این ویدئو با نشان دادن تصویر تک به تک ما جداسدگان ، مجدداً حکم قتل و ترور ما را داده است.

مگر ما نگفته بودیم که مسعود رجوی با داعش هیچ فرقی ندارد ، حال بینید که در این ویدئو چگونه دستور ترور تمامی مخالفین و منتقدین را می دهد.

او که خود باعث و بانی کشته شدن اسیران در اشرف است و هنوز دنبال قربانی کردن بقیه است ، خون آنها را به گردن دیگران می اندازد و با شعار قصاص و یک جان در مقابل یک جان ، خواهان کشتار دیگران است. این ویدئو ، نشان بارزی از شکست مسعود رجوی فراری است که برای خالی کردن عقده هایش دستور قتل و ترور را صادر می کند.



در طول سالیان زیادی که مریم رجوی در پاریس است، از سال ۱۳۷۲ به این سو، من به یاد ندارم که مریم رجوی حتی یکبار مهمانی افطار داده باشد که در آن فقرا و پناهجویان نیازمند شرکت کرده باشند.

در مهمانی افطاری که خانم برگزیده راه اندخته بود، به جز دار و دسته و چماق داران مریم رجوی، تعدادی مهمان عرب آن هم نه از نوع فقیر بلکه افراد ثروتمند و شناخته شده وجود داشت.

این گونه مهمانی ها و خرج کردن از کیسه خلیفه و یا خیمه شب بازی ویلپنت، نمونه بسیار خوبی است که به این نتیجه برسیم، مردم ایران (خلق قهرمان) برای این باند جنایت کار اهمیتی ندارد، نه مشکلات آنها و وضعیت زندگیشان.

در این بیانیه اعلام مرکزیت سازمان ، مسعود رجوی اعلام کرده است که مأموریت شورای رهبری به پایان رسیده است و از آنجایی که استدلال انحصار شورای رهبری و تشکیل شورای رهبری متشكل از زنان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بود و از آنجایی که هنوز دولت ایران سرنگون نشده و خانم برگزیده هم به تهران نرسیده است، می توان تأیید کرد که بله با یک شکست مفتضحانه ، مأموریت شورای رهبری به پایان رسیده است.

هر چند که هنوز رجوی چنگالهای تیزش را در گوشت و تن آنها نگه داشته است.

۶- خیمه شبازی ویلپنت :

۷- عصر روز ۲۷ ماه یونی ، مجاهدین در یک خیمه شب بازی در ویلپنت با حضور تعداد زیادی از مردم جهان به غیر از ایرانیان ، به سخنرانی فارسی مریم رجوی گوش فرا دادند و بدون اینکه بفهمند او چه می گوید ، برای او کف زند و هورا کشیدند و برایش پرچم تکان دادند.

کمی به پشت صحنه نگاه بکنیم ، دو ماه تبلیغات و خرج پول های کلان و دعوت مردم جهان به غیر از ایرانیها ، وقتی ما جداشدها شروع به افشاگری کردیم ، مزدوران باند رجوی در رسانه هایشان شروع به لجن پراکنی علیه ما کردند.

پر واضح است که افشاگری های جداشدها دقیقاً به هدف خورده است. مزدبگیران باند رجوی در سراسر اروپا اقدام به جمع آوری پناهنده های افغانی و آفریقایی و کشورهای اروپای شرقی برای پرکردن سالن ویلپت کرده بودند.

از یکی از مزدبگیران شنیده بودم که می گفت، برای پناهنده ها برنامه ویژه دارند که آنها را با اتوبوس و با تضمین کنترل نشدن خط مرزی و کاملاً امن به پاریس می بردند ، برای آنها هتل ۳ ستاره می گیرند و یک روز گردش در پاریس.

۸- ماه رمضان و مهمانی های آنچنانی مریم رجوی :

فرانسه کشوری است که در آن پناهنده های بسیاری زندگی می کنند که به لحاظ معیشتی مشکل زیادی دارند.



بودند اگر می خواهید از ما جدا شوید شما را به زندان ابوغریب منتقل می کنیم و می دانید در ابوغریب چه بلایی بر سرتان می آورند شما را زنده نمی گذارند.

آنها هم از ترس مجدداً به مناسبات فرقه رجوی بر می گشتند و به آنها گفته بودند کسی در مناسبات با شما کاری ندارد در نشست های غسل و عملیات جاری هم شرکت نکنید.

نکته خنده دار اینجاست در سایت فرقه رجوی عکس نور مراد را در کنار باعچه و عصا به دست. باعچه مربوط به لیرتی نبود عکس قدیمی در پادگان اشرف است از نقل و قول نور مراد در مقاله گفته شده که نور مراد می خواهد با باعچه و عصایی که در دست دارد جمهوری اسلامی را سرنگون کند که هر مرغ پخته را به خنده می اندازد.

همین نور مراد در یکی از نشست های جمعی میکروفون را در دست گرفت و به رجوی گفت برادر خواهر مریم را به من بدھید خودم به تنها ی او را به تهران می برم در نشست همه زدن زیر خنده از جمله خود رجوی.

و در حال حاضر نور مراد در فرقه رجوی ڈم خروس آن بالازده و مدعیست می تواند سرنگون کند.

رجوی و سرانش بایستی فکری به حال خودشان بکنند که چرا غشان در حال خاموش شدن است سرنگونی باشد پیشکش آنها.



وقتی کفگیر به ته دیگ می خورد

انجمن نجات مرکز اراک ، ۷ دی ۱۳۹۳

چند روز پیش سایت فرقه رجوی را مشاهده می کردم با مقاله ای روپرتو شدم تحت عنوان (نور مراد و کاشت نهالها)

جدا شدگان از فرقه رجوی به خوبی نور مراد را می شناسند از آنجایی که نور مراد سن بالای داشت مسئولیتی به نور مراد داده نمی شد در واقع در اختیار خود بود برای گذراندن ساعت روزانه بیل را بر می داشت و شروع به راه اندازی باعچه می کرد بیگاری خوبی بدون در نظر گرفتن سن او از او می کشیدند واقعاً فرقه رجوی چقدر خوار و ذلیل شده که دست کرده ته دیگ چیزی پیدا نکرده و در رابطه با نور مراد مقاله نوشته است تا آنجایی که من یادم است نور مراد و فرد دیگری بنام عمومی این دو بارها اعلام جدایی خود را به فرقه اعلام کرده بودند سران فرقه بطور جدا گانه برای آنها نشست برگزار می کردند به آنها گفته



آن‌ها سخن بگویند و آن‌ها را آلتربناتیو دموکراتیک ج.ا! معرفی کنند و حتی دفتری هم در نزدیکی کاخ سفید بازگشایی کرده‌اند و رابت توریسلی سناتور سابق آمریکا را به عنوان نماینده حقوقی گماشتند.

وی افزود: اگر اتحادیه اروپا و آمریکا در گذشته مجاهدین خلق را به‌خاطر اقداماتش در گذشته در لیست تروریستی خود قرار نمی‌دادند هیچ یک از این اقدامات مشکلی نداشت.

وی ادامه داد که اعضای کنگره آمریکا که امروزه هم‌صدا با رهبر این گروه مریم رجوی خواستار تحریم‌های شدید و حتی جنگ علیه ایران هستند ظاهراً چشم خود را بر فعالیت‌های این فرقه تمامیت خواه مارکسیست اسلامی بسته‌اند.

دگر افزود: میزان دروغ پراکنی روابط عمومی این گروه نگران‌کننده است و وقت آن رسیده که ماهیت اصلی آن‌ها را فاش کرد.

وی با اشاره به ادعاهای منافقین مبنی بر دموکراتیک بودن این گروه ک نوشت: با مراجعه به گزارش موسسه «رنده» درباره این گروه، می‌بینیم که رفتار آن‌ها برخلاف ادعاهایشان است.

هولی دگر در ادامه به برخی از اقدامات منافقین در طول سه دهه اخیر از قبیل ازدواج مریم رجوی با رهبر این گروه، اخذ پول از صدام حسین برای احداث اردوگاه در عراق، حمل سیانور توسط اعضای این گروه و خودسوزی و خودکشی به عنوان نوعی از اعتراض در میان اعضای این گروه اشاره کرد.

وی افزود: اما توهین واقعی به زنان زمانی است که رجوی و حامیان آن ادعا می‌کنند که جایگزین



واشنگتن عزیز، این فرقه نظامی ایرانی (مجاهدین خلق، فرقه رجوی) را بیرون کنید

ادعای دفاع منافقین از حقوق زنان،
توهین به بانوان ایرانی است

هایلیان به نقل از مقاله هولی دگر در
هافینگتن پست، ۲۱ آذر ماه ۹۳

یک تحلیلگر سیاسی نوشت: در جنگ لفظی بر سر مسائل داخلی و برنامه جنجالی هسته‌ای ایران مجاهدین خلق (منافقین) همیشه در جبهه و مرکز اتهام‌زنی به این کشور هستند.

به گزارش سرویس بین‌الملل هایلیان، پایگاه خبری «هافینگتن پست» روز گذشته در مقاله‌ای به‌قلم «هولی دگر» به اقدامات گروه ک تروریستی منافقین علیه ایران اشاره نمود و از وشنگتن خواست اعضای این فرقه نظامی را از آمریکا اخراج کند.

این تحلیل گر و نویسنده ایرانی آمریکایی نوشت: این گروه در رسانه‌های اجتماعی هشتگ‌های بسیاری با تبلیغات خود علیه ایران راه می‌اندازد، مقامات سرشناش آمریکا را می‌خرند تا در حمایت



نامه ای به مادرم (طیبه نوری) در آلبانی

خانواده های اعضاء ، دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۹۴

سلام ، امیدوارم که حالت خوب باشد وقتی شنیدم که بعد از چندین سال در عراق شما را به کشور آلبانی منتقل کردند خیلی خوشحال شدم و از طرفی ناراحت بودم که چرا پدرم را همراه شما به آلبانی منتقل نکردند من الان برای خودم یک خانمی شدم اگر بخواهم برای شما توضیح دهم که چگونه و با چه سختیهای زندگی بزرگ شدم بایستی یک کتاب برای شما بنویسم بعضی وقتها با خودم فکر می کنم که این چه بلای بود که بر سر من آمد پدر و مادری که حاضر نبودند حتی برای یک ساعت مرا ترک کنند الان چندین سال است که مرا ترک کرده اند. سؤال من از شما که این همه در فرقه رجوی عمر خودتان را از بین بردید به کجا رسیدید آیا هدفی پوشالی که به شما تحمیل کرده بودند محقق شد ؟ هم شما را بازی دادند و هم مرا بی پدر و مادر کردند چطور دلتان آمد مرا در کودکی رها کنید فکر این را نکردید که من نیاز به پدر و مادر دارم و بایستی زیر سایه پدر و مادرم بزرگ می شدم وقتی دوستانم از من می پرسند که پدر و مادرت کجا هستند خجالت می کشم به آنها جواب دهم و در دلم می گوییم جایی هستند که خودشان هم نمی دانند برای چه آنجا هستند اگر شما عواطف خودتان را نسبت به من فراموش کرده اید من هنوز نسبت به شما عواطفم را فراموش نکرده ام و به شما نیاز دارم ای کاش می توانستم به آلبانی سفر کنم و شما را از نزدیک می دیدم. امیدوارم به شما اجازه دهنده که نامه مرا بخوانید. امیدوارم به آغوش گرم خانواده برگردید و در کنار هم زندگی جدیدی را شروع کنیم .

بهتری برای وضعیت حقوق زنان در ایران ارائه می کنند.

وی در ادامه به یادداشت اخیر سونا صمصامی یکی از اعضای منافقین در نشریه کنگره آمریکا اشاره کرد که در آن ادعا کرده بود در طرح رجوی برای آینده ایران بر برابری کامل جنسیتی در عرصه های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی تأکید می شود و هیچ گونه تبعیضی علیه زنان وجود نخواهد داشت و زنان حق دارند آزادانه نوع پوشش خود را انتخاب کنند.

هولی دگر ز در پاسخ به این ادعاهای خاطرنشان کرد : مجاهدین خلق (منافقین) نه تنها به تفکیک جنسیتی و جداسازی محل زنان از مردان می پردازد ، بلکه ارتباطات فامیلی و دوستانه آنها را هم قطع می کند.

آنها همچنین اعضا را ملزم به طلاق و ادامه یک زندگی مجردی می کنند و اینگونه می اندیشنند که علاقه به خانواده و سایرین با علاقه به رجوی ها جایگزین می شود.

وی درباره نوع پوشش زنان در منافقین به مقاله الیزابت روین در روزنامه نیویورک تایمز اشاره کرد.

روین پس از حضور در کمپ اشرف زنان را اینگونه توصیف کرد: هرجا را نگاه می کردم زنانی را مشاهده می کردم که لباس یک شکل و به رنگ خاکی به تن داشتند.



مریم بی آنکه کادرهای تشکیلاتی سازمان را مطلع کند به فرانسه فرار می کند ، پلیس او را دستگیر کرده و این موضوع چه ربطی به نیروهای سازمان داشت. مریم اگر به فرانسه نمی رفت بازداشت هم نمی شد .

اما موردی که باید به آن اشاره کنم اینکه شرم در تعریف برای حالتی بکار می رود که عمل زشتی انجام پذیرد و در قبال پشمیمانی از عمل نادرستی که شخص انجام داده است اظهار ندامت و پشمیمانی کند و از عمل خویش شرم کند .

مصدق این کلمه یعنی شرم براستی مریم بود که عمل زشتی را انجام داده و در شرایط سخت و بحرانی نیروهای سازمان و تحت رهبریش را تنها گذاشته و فرار کرده است مریم باید شرم می کرد زیرا در بحبوحه‌ی جنگ و بمباران نیروهایش از سوی امریکائیها در عراق به خاطر ترس از مردن و برای نجات جانش با میلیونها دلار که ثمره‌ی تلاش چندین هزار نفر از افراد ... بود با تغییر چهره و شبیه کردن خود به یک زن لمپن از مرز سوریه خارج و وارد فرانسه می شود و در طی مسیر با آن همه پول در بهترین هتل‌ها و مکان‌ها اقامت می کند تا به فرانسه برسد.

واقعاً مریم در فرانسه با آن پول‌ها می خواهد چه کاری برای خلق قهرمان انجام دهد؟

مریم باید شرمنده و جدان خویش ، شرمنده خلق قهرمان و شرمنده‌ی تمام اعمال خودش و دیگرانی باشد که کورکورانه از او اطاعت کردند یک زن بزدل و ترسوی که در شرایط سخت و بحرانی نیروهایش را تنها می گذارد و فرار می کند . مریم باید شرمنده ۳۵۰۰ نفری که اکنون تحت اسارت در عراق به خاطر امیال پلید وی و شوهرش عذاب می کشند ، باشد .



نه آن نشست شرم و این نوار صوتی چراغ خاموش !!!

**سیروس غضنفری ، انجمن نجات ،
مرکز آذربایجان شرقی، ۷ دی ماه ۹۳**

هشت ماه پس از آزادی مریم از زندان فرانسه ، نشست مهمی تحت عنوان "شرم" در اشرف ترتیب داده شد . این نشست هشت روز مانده به عید نوروز سال ۸۳ برگزار شد .

موضوع نشست این بود ، چرا نفرات در موقع دستگیری مریم شرم نکردند؟! نشست شرم یکی از افتضاحات تاریخی سازمان بود که در کلیه‌ی سطوح برگزار شد .

ولی آنقدر مفتوح و خنده دار بود که من به دیوانگی خیلی از نفرات مسئولین سازمان پی بردم که می گفتند : شما اعضای سازمان باید از اینکه مریم دستگیر و بازداشت شد ، شرم می کردید .

واقعاً ادعای مسئولین سازمان مضحك بود حال اینکه : مریم را شوهرش مسعود به فرانسه فرستاد پس باید اگر شرمی قرار بود در بین باشد ، شخص مسعود رجوی شرم می کرد ما اعضای بی خبراز این داستان اعزام مریم به فرانسه که نه سر پیاز بودیم و نه ته آن چرا باید شرمنده اش بشویم ؟



شرم در تعریف برای حالتی بکار می رود که عمل زشتی انجام پذیرد و در قبال پشیمانی از عمل نادرستی که شخص انجام داده است اظهار ندامت و پشیمانی کند و از عمل خویش شرم کند.

صدق این کلمه یعنی شرم براستی مریم بود که عمل زشتی را انجام داده و در شرایط سخت و بحرانی نیروهای سازمان و تحت رهبریش را تنها گذاشته و فرار کرده است مریم باید شرم می کرد زیرا در بحبوhe ی جنگ و بمباران نیروهایش از سوی امریکائیها در عراق به خاطر ترس از مردن و برای نجات جانش با میلیونها دلار که ثمره‌ی تلاش چندین هزار نفر از افراد... بود با تغییر چهره و شبیه کردن خود به یک زن لمپن از مرز سوریه خارج و وارد فرانسه می شود و در طی مسیر با آن همه پول در بهترین هتل‌ها و مکان‌ها اقامت می کند تا به فرانسه برسد.

واقعاً مریم در فرانسه با آن پول‌ها می خواهد چه کاری برای خلق قهرمان انجام دهد؟ مریم باید شرمنده وجدان خویش، شرمنده خلق قهرمان و شرمنده‌ی تمام اعمال خودش و دیگرانی باشد که کورکورانه از او اطاعت کردند.

و الان هم بعد از شکست در عراق و تخلیه‌ی اشرف که شعار می داد اگر کوه‌ها هم بجنبد اشرف نمی جنبد آقای رجوی خواسته مجدداً نفرات در زندان لبیرتی شرم کنند تا شکست آن رهبر فراری جبران شود و با تاخت و تاز جدید به جدا شده‌ها و خانواده‌های مظلوم که سال‌ها در فراق دیدار فرزندانشان هستند، بد و بیراه بگوید و در آخر نشست برای بفراموشی سپردن آن شکست بزرگ اقدام به اعلام چراغ خاموش دروغین کند که عملاً امکان خروج وجود ندارد چرا که در آن ساعت تمام درب‌ها بسته می شود.

تمام نفرات هم که در تشکیلات فرقه بود و یا هستند می داند که این حرکت رجوی یک کار فرمایستی است که در جای خود نشسته و آن را یک حرکت انقلابی بنامد و ادعا کند که همه نفرات به گفته من مهر تائید زندن!

نه اینطور نیست آقای رجوی!

آن نفرات از فریب‌های شما آگاه هستند اما از بیرون خبر ندارند که چه می گذرد و اگر داشتند و هراس دست ساز شما در افکارشان خیمه نزد بود، تا حالا از لبیرتی فرار کرده بودند.

آنها فکر می کنند که شما در تلاش رهایی آنها هستید!

حالا دیگر شرمی وجود ندارد چرا که تمام کارها و شکست‌ها متوجه بی کفایتی شمامت و آنها فقط قربانی شما شده اند و بس!



و کنترل اعضا یش استفاده می کند. من تاکنون بارها برای ارتباط گرفتن با خواهرم در کمپ لیبرتی، تلاش کرده ام ولی موفق به هیچ گونه تماسی با او نشده ام. من حتی، برای خانم مریم رجوی، رهبر کنونی سازمان مجاهدین خلق ایران (P.M.O.I) ساکن پاریس، نامه ای نوشتم که در آن محترمانه و عاجزانه از ایشان تقاضا کردم که حداقل خواهرم تماسی با من داشته باشد تا جویای احوالش شوم ولی هیچ جوابی به من ندادند! و هیچ تماسی توسط خواهرم صورت نگرفت!

من تاکنون خواهرم را ندیده ام و او را در آگوش نگرفته ام. من به شدت نگران او و سلامتی اش هستم بخصوص در شرایط ناامن کنونی عراق و اوجگیری خشونت ها و درگیری ها بین نیروهای داعش و سایر نیروها در عراق که زندگی تمام ساکنین لیبرتی را در خطر جدی قرار می دهد. از اینکه اخیراً به روند انتقال ساکنین کمپ لیبرتی سرعت بخشیده اید، بسیار خرسند و سپاسگزارم. به عنوان خواهر چشم انتظار یکی از ساکنین لیبرتی از شما و تمام مسئولین محترم تقاضا دارم و خواهش می کنم که به خواهر من نیز کمک کنید تا هر چه سریع تر از کمپ لیبرتی خارج شده و به کشور ثالث منتقل شود.

با تشکر :

آذر (مونا) حسین نژاد، خواهر زینب حسین نژاد
(ساکن لیبرتی)

رونوشت به : رئیس کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد آقای گوترز - ژنو، دفتر ملل متحد برای همیاری عراق (یونامی) - بغداد، دفتر مرکزی کمیته بین المللی صلیب سرخ - ژنو، دفتر نمایندگی صلیب سرخ جهانی در عراق، دفتر نخست وزیر عراق، وزارت حقوق بشر عراق

نامه آذر (مونا) حسین نژاد به دفتر کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در عراق

وبلاگ حسین نژاد، ۱۱ دی ماه ۹۳

نامه دخترم آذر (مونا) به دفتر کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد در عراق مبنی بر درخواست انتقال خواهرش از کمپ لیبرتی در بغداد به خارج عراق، این دو خواهر در عمرشان هم دیگر را ندیده اند

ریاست محترم کمیساریای عالی پناهندگان در عراق

من آذر حسین نژاد، ساکن تهران هستم. از شما و همه مسئولین محترم مرتبط با امور مجاهدین، تقاضای کمک در رابطه با وضعیت خواهرم، زینب حسین نژاد (۳۶ ساله) که ساکن کمپ لیبرتی در بغداد است، را دارم. از زمانی که به دنیا آمدم نه پدر دیدم و نه مادر و نه خواهر، چون همه خانواده ام مجبور شدند همراه با سازمان مجاهدین خلق (P.M.O.I) ایران را ترک کنند و من را که در آن زمان نوزادی ده روزه بودم، به پدر بزرگ و مادر بزرگ بسپارند.

مادرم و عموهایم در عملیات سازمان مجاهدین خلق ایران (P.M.O.I) در سال ۱۹۸۸ کشته شدند و پدرم بعد از سی سال به کمک هیأت بازدید کننده نمایندگی سازمان ملل و کمیساریا از کمپ لیبرتی بیرون آمد و از این سازمان جدا شد و در حال حاضر ساکن پاریس می باشد. برای همه واضح است که ساکنین لیبرتی آزادانه و باب میل خودشان زندگی نمی کنند و شدیداً تحت نفوذ و کنترل رهبران سازمان مجاهدین قرار دارند. سازمانی که از تمام راه های ممکن برای مغزشویی



عراق در قالب شبه نظامیان با هماهنگی ارتش این کشور برای مبارزه با تروریست‌های تکفیری، ادعا کرده است که «همکاری تهران و بغداد در مبارزه با داعش، اهدافی ضد سنی دارد».

گروهک منافقین همچنین در بیانیه خود به موج کشتار مردم بویژه زنان و کودکان کرد و ایزدی توسط داعشی‌ها اشاره ای نکرده است.

آذماه سال جاری هم رئیس هیات سیاسی جریان انتفاضه شعبانیه عراق گفته بود: اطلاعات موجود نشان می‌دهد، گروهک تروریستی منافقین، اطلاعات و نقشه‌های مناطقی از عراق را در اختیار داعش قرار داده است.

«ابوالفالغار الشمری» افزود: کاملاً روشن است که منافقین یکی از سرنخ‌های اصلی تروریسم در عراق هستند و علاوه بر آن، تاریخ سیاه و خونین این گروهک در سرکوب انتفاضه مردم عراق در دوران صدام را نباید فراموش کرد.

گروهک منافقین در دوران جنگ تحمیلی با استقرار نیروهای خود در عراق (اردوگاه اشرف) کنار نیروهای بعضی علیه ایران قرار گرفت و مرتکب چندین عملیات تروریستی در کشور شد.

منافقین همچنین پس از شکست صدام در مقابل حمله آمریکا و مواجهه رژیم بعضی با قیام‌های مردمی، در کنار ارتش صدامی مسئولیت عملیات میدانی سرکوب عراقی‌ها بویژه کرده‌ا و شیعیان را بر عهده گرفت که سبب تقدیر صدام از سرکردگان منافقین شد.



گروهک منافقین (مجاهدین خلق، فرقه رجوی) رسماً از داعش حمایت کرد

ایرنا، ۷ دی ماه ۹۳

تهران - ایرنا - اخبار گوناگون انتشار یافته حاکی از همکاری گسترده اطلاعاتی و میدانی منافقین با داعش در عراق است که با سکوت این گروهک مواجه شده بود، ولی اکنون منافقین با ابراز خشم از هماهنگی تهران و بغداد برای مبارزه علیه این گروه تروریستی تکفیری، خواستار توقف فوری اقدامات ضد داعشی شده است.

به گزارش پایگاه خبری العرب، گروهک تروریستی منافقین در بیانیه‌ای که دیروز (شنبه) انتشار یافت در حمایت آشکار از داعش و جنجال آفرینی علیه اقدامات ضد داعشی، نوشته است:

اقدام علیه داعش نقض آشکار موافقتنامه‌های شورای امنیت است.

براساس این گزارش، در بیانیه منافقین که نسخه‌ای از آن در اختیار العرب قرار گرفته این گروهک بدون اشاره به مشارکت گسترده قبایل اهل سنت و قشراهای مختلف قومی و اعتقادی



دست داشتند ، حاضر به ترک عراق نشده بلکه با امکانات مالی و تبلیغاتی ، شروع به توطئه و تضعیف دولتهای بعد از صدام حسین ، کردند تا شاید در این میان فرجی حاصل شود و حکومت جنگ طلب بعث ، دوباره به اریکه قدرت بازگردد.

عراق کشوری بود که سالها در جنگ با ایران به سر برده و پس از سقوط صدام حسین ، راه صلح و آشتی با همسایگان را تجربه می کرد ، نیروی ایرانی که قصد جرقه و جنگ مابین ایران و عراق را داشت و در این رابطه شبانه روز در تلاش و تکاپو بود ، تحمل چنین نیرو یا باصطلاح مهمان میزبان کش ، ضمن سعه صدر بسیار مضلات و مشکلات سیاسی و امنیتی به بار خواهد آورد.

همان گونه که به بار آورده و هزینه های مادی و انسانی روی دست مردم و دولت عراق گذاشته است.

با آنچه که به طور خلاصه شرحش رفت ، رهبران مجاهدین در مقابل اراده و خواست ملتهای ایران و عراق و به ویژه جامعه جهانی ، مقاومت کرده و تا به امروز ۲۷۰۰ تن از نیروهای خود را برای مقاصد جنگی در عراق باقی داشته و با هر ترفندی از خروج مسالمت آمیز نیروهایشان مخالفت می کنند.

در همین راستا و به منظور عدم خروج نیروها و باقی داشتن آنان در خاک عراق ، به تاریخ ۱۱ آبان و به مناسبت عاشورای حسینی ، رهبری مجاهدین مسعود رجوی ، خطابه ای به مدت زمان یک ساعت و ۴۵ دقیقه برای نیروهای باقیمانده در عراق ، ایراد کرده و در آن خطابه ضمن صدور حکم مرگ علیه شهروندان و اعضای ناراضی و معترض ، همچنین فتوای مرگ نخست وزیر سابق عراق آقای نوری المالکی ، را صادر کرده و مضافاً بر طبل خشونت و درگیری نظامی کویید و



نامه سرگشاده به نخست وزیر عراق آقای حیدر العبادی

ایران فانوس ، ۲۷ آذرماه ۹۳

آقای نخست وزیر با درود!

همان گونه که اطلاع دارید ، مجاهدین خلق به عنوان یک نیروی غیر عراقی بیش از سه دهه در خاک عراق حضور دارند.

آنان قریب به دو دهه در خدمت اهداف نظامی و سیاسی صدام حسین به کار گرفته شده و طی این مدت در سه جنگ علیه نیروهای ایرانی ، اکراد و شیعیان عراقی شرکت کرده که در مجموع هزینه جنگها به هزاران تن تلفات انسانی بالغ بوده است.

آنان در راستای پیشبرد جنگها میلیاردها دلار به صورت نقد و غیر نقدی از صدام حسین کمک گرفته که در اصل از جیب مردم و در راستای تحکیم حکومت بعث عراق ، پرداخته شده است. با این حساب و پس از سقوط صدام حسین ، مجاهدین که بخشی از ثروت و خاک عراق را در



مجاهدین خلق را رصد می کند و به سمع افکار عمومی می رساند، پیش‌پیش از هوشیاری و اقدامات بشردوستانه شما سپاسگزاری می نماید.

کانون سیاسی - فرهنگی ایران فانوس

رهبران مجاهدین در مقابل اراده و خواست ملت‌های ایران و عراق و به ویژه جامعه جهانی، مقاومت کرده و تا به امروز ۲۷۰۰ تن از نیروهای خود را برای مقاصد جنگی در عراق باقی داشته و با هر ترفندی از خروج مسالمت آمیز نیروهایشان مخالفت می کنند. در همین راستا و به منظور عدم خروج نیروها و باقی داشتن آنان در خاک عراق، به تاریخ ۱۱ آبان و به مناسبت عاشورای حسینی، رهبری مجاهدین مسعود رجوی، خطابه‌ای به مدت زمان یک ساعت و ۴۵ دقیقه برای نیروهای باقیمانده در عراق، ایراد کرده و در آن خطابه ضمن صدور حکم مرگ علیه شهروندان و اعضای ناراضی و معترض، همچنین فتوای مرگ نخست وزیر سابق عراق آقای نوری المالکی، را صادر کرده و مضافاً بر طبل خشونت و درگیری نظامی کوبید و نیروهایش را تحریک و تشویش به خشونت مابین آنان و نیروهای عراقی، کرده است.

نیروهایش را تحریک و تشویش به خشونت مابین آنان و نیروهای عراقی، کرده است.

آقای نخست وزیر!

آنچه که ما کانون ایران فانوس از اعضای سابق مجاهدین در آلمان از مقاصد و نیات رهبران مجاهدین اطلاع و تجربه داریم، آنان حاضر به خروج مسالمت آمیز از خاک عراق نیستند و بدین سبب به دنبال فرصتی هستند مابقی نیروهای خود را به کشتن داده تا از این طریق ضمن مظلوم نمایی و تهییج افکار عمومی و مقصو شمردن دیگران، پای آمریکا و دولتهای دیگر را برای حمایت از مقاصد جنگ طلبانه شان به عراق بکشانند.

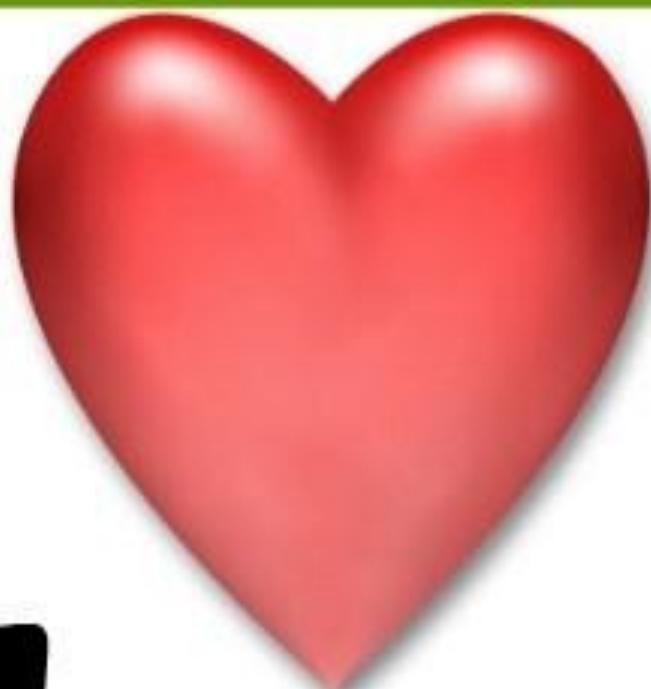
در طرف مقابل، نیروهای مجاهدین که اکثر قریب به اتفاق آنان ناراضی و قدرت تصمیمگیری در مقابل رهبران زورگو در کمپ لیبرتی را ندارند، خروج از عراق برای آنان و خانواده و دوستان نگران شان موهبتی است.

لهذا در این رابطه از شما و مردم عراق تقاضا داریم، با وجود این که مهمان شما در ایران و فرانسه نیز پس از خوردن نمک نمکدان شکسته و با شانتاز و باجگیری، قانون و قاعده بازی را نادیده گرفته است، حساب نیروهای باقیمانده در کمپ لیبرتی را با حساب رهبران خاطی و مجرم و گناهکارشان، جدا کرده و از هرگونه درگیری و خشونت علیه نیروهای باقیمانده در کمپ لیبرتی که به مثابه تله برای دولت جدید عراق است، پیرهیزید و در راستای ختم مهمان نوازی و ختم غائله، زمینه مسالمت آمیز خروج نیروهای باقیمانده مجاهدین از عراق را فراهم نمایید.

کانون سیاسی - فرهنگی ایران فانوس که در این رابطه اخبار و مشکلات فیماهین دولت شما و



نام استان	تلفن - فکس - صندوق پستی
آذربایجان شرقی	تلفن: ۰۴۱۳۳۲۷۹۴۳۰ همراه: ۰۹۱۴۱۱۶۴۲۶۷ - صندوق پستی: ۱۶۳۱
آذربایجان غربی	تلفن و فکس: ۰۹۱۴۱۴۵۱۵۶۰ همراه: ۰۹۱۴۱۲۲۵۲۷۹۳ - صندوق پستی: ۵۷۱۵۵ - ۱۱۵۷
اردبیل	تلفن: ۰۴۵۱۲۲۵۴۱۰۶ - صندوق پستی: ۱۶۱
اصفهان	تلفن: ۰۳۱۳۲۷۳۱۴۹۳ همراه: ۰۹۱۳۳۰۳۶۰ - صندوق پستی: ۸۱۴۶۵ / ۱۴۹۹
ایلام	تلفن: ۰۹۱۹۳۱۴۴۳۶۷ فکس: ۰۳۳۳۱۹۸۲ - ۰۸۴۱ - ۳۳۳۱۹۸۲ - صندوق پستی: ۶۹۳۱۵ - ۳۹۵
بوشهر	تلفن:
تهران	تلفن: ۰۲۱۸۸۹۶۰۳۱ فاکس: ۰۲۱۸۸۹۶۵۲۱۸ - صندوق پستی: ۱۴۱۴۵ / ۱۱۹
چهارمحال و بختیاری	صندوق پستی: ۸۸۱۵۵ - ۵۱۵
خراسان رضوی - مشهد	همراه: ۰۹۱۵۱۰۹۳۲۰ تلفن: ۰۸۸۳۸۹ - ۵۱۳ - ۰ - صندوق پستی: ۹۱۷۳۵ - ۷۸۶
خوزستان - اهواز	تلفن: ۰۶۱۳۳۳۶۰۶ همراه: ۰۹۱۶ - ۱۴۱۵۹۲۱ - ۰ - صندوق پستی: ۶۱۵۵۵۱۱۶۱
خراسان جنوبی - بیرجند	صندوق پستی: ۹۷۱۷۵ - ۳۶۷
زنجان	تلفن: ۰۴۵۱۹۵ / ۱۴۵۶ - ۰۲۴۱۷۲۸۶۳۲۰ - صندوق پستی: ۵۶
سمنان	تلفن: ۰۳۵۱۴۵ - ۴۱۳ - ۰۲۳۳۳۴۸۰۸۳ همراه: ۰۹۱۹۴۳۲۱۸۷۷ - صندوق پستی: ۳۵۱۴۵
سنندج	تلفن: ۰۶۶۱۳۵ - ۳۶۱ - ۰۹۱۸۶۴۶۸۷ - صندوق پستی: ۶۶۱۳۵
سیستان و بلوچستان	تلفن: ۰۹۹۱۳۵۵۶۸ - ۰۵۴۷۲۲۵۰۲۶۰ همراه: ۰۹۱۵۹۹۵۰۳۶۳۸ - ۰ - صندوق پستی: ۹۹۱۳۵۵۶۸
خراسان شمالی	تلفن: ۰۹۱۵۷۹۶۰۴۹ - ۰ - صندوق پستی: ۹۴۱۵۵ - ۱۴۷۹
فارس - شیراز	تلفن: ۰۷۱۳۳۴۴۵۵۴ - ۰ - ۷۱۵۵۵ - ۵۴۵ - ۰ - صندوق پستی: ۷۱۵۵۵
قم	تلفن: ۰۲۵۳۷۸۳۵۷۵۰
قزوین	تلفن: ۰۹۱۲۱۸۲۲۸۳۵ - ۰ - صندوق پستی: ۳۱۴۵ - ۰ - ۳۴۱۸۵
کرمان	تلفن: ۰۳۴۱۲۱۲۳۷۴۷ - ۰ - صندوق پستی: ۷۶۱۳۵ - ۳۵۴۶
کرمانشاه	تلفن: ۰۸۳۳۸۲۲۹۷۴۷ - ۰ - صندوق پستی: ۶۷۱۵۵ - ۱۶۶۳
کرج	تلفن: ۰۳۱۵۸۵ - ۰۶۲۶ - ۰۲۶۳۲۲۰ همراه: ۰۹۳۵۸۱۷۹۹۵۸ - ۰ - صندوق پستی: ۱۶۹۱ - ۳۱۵۸۵
کهگیلویه و بویر احمد	صندوق پستی: ۳۷۷
گلستان - گرگان	تلفن: ۰۴۹۱۷۵ - ۰۲۳۴ - ۰۱۷۳۲۲۶۰ همراه: ۰۹۱۱۲۷۵۲۷۲۱ - ۰ - صندوق پستی: ۸۶۷ - ۴۹۱۷۵
گیلان - رشت	تلفن: ۰۴۱۷۹۹ - ۰۱۳۳۷۷۳۰۰۰۵ کد پستی: ۳۶۸۳۵
لرستان	تلفن: ۰۶۸۱۳۵ / ۱۸۷ - ۰۶۶۳۳۲۴۱۲۱۲ - ۰ - صندوق پستی: ۶۸۱۳۵
مازندران - ساری	تلفن: ۰۴۸۱۷۵ - ۱۱۳۳۳۶۵۶۵۲ - ۰ - صندوق پستی: ۱۰۵۱۳
مرکزی - اراک	تلفن: ۰۳۸۱۹۵ - ۰۸۶۳۳۴۰۲۹۳۵۲ - ۰ - صندوق پستی: ۱۳۱۴
هرمزگان - بندرعباس	تلفن: ۰۹۳۶۲۸۸۲۸۶
همدان	تلفن: ۰۶۵۱۵۵ - ۰۹۱۸۱۲۶۰۱۲ - ۰ - صندوق پستی: ۹۶۶
بزد	تلفن: ۰۸۹۱۶۵ - ۰۳۵۳۶۲۰۲۵۲۶ - ۰ - صندوق پستی: ۵۹۴

I 
Islam



WWW.NEJATNGO.ORG

E.MAIL: info@nejatngo.org